صبح صادق

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و یکم | شماره ۱۰۱۳ | دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰ | ۲۱ محرم ۱۴۴۲ | ۳۰ آگوست ۲۰۲۱ | ۱۶ صفحه

گزارش ۸-۹
ویژه بازدید اعضای هیئت رئیسه نمایندگی ولی فقیه در سپاه
از درمانگاه‌های حضرت ابوالفضل(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س)

نماینده ولی فقیه در سپاه در جلسه قرارگاه معنویت و سلامت سپاه مطرح کرد

کمک به آرامش روحی و روانی بیماران و خانواده‌های آنان

سرمقاله ۲
اکبر معصومی
تقابل استراتژیک

نگاه ۲
حسین چخماقی
مشتی که نمونه خروار نیست

بازار ۶
حمید صافدل در گفت و گو با صبح صادق مطرح کرد
امید به غرب و فراموشی راهبردی

توصیه‌های مهم رهبر حکیم انقلاب در اولین دیدار با اعضای دولت سیزدهم

فرصت را مغتنم بشمارید

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای دولت جدید، همه اعضای دولت را به قدردانی عمیق از توفیق خدمت توصیه کردند و با تشکر از اقدام سریع و به‌موقع مجلس در بررسی صلاحیت وزیران پیشنهادی ابراز امیدواری کردند تشکیل دولت جدید، سرآغاز مبارکی برای ملت و کشور باشد.

رهبر معظم انقلاب وضعیت کشور را دشوار خواندند، اما تأکید کردند: «اگر تلاش شبانه‌روزی، مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر را همراه توکل و توسل به پروردگار سرمایه خود قرار دهید، قطعاً بر مشکلات فائق خواهید آمد.»

ایشان افزودند: «همان‌گونه که به همه مسئولان گذشته گفته‌ام، فرصت چهار سال خدمت به سرعت تمام می‌شود و نباید گذاشت حتی یک ساعت از این فرصت که متعلق به مردم و اسلام است، هدر برود. البته ضمن پرکاری و پشتکار مدام، نباید به خانواده بی‌توجهی شود.»

ایشان حرکت بر ریل انقلاب و ایجاد تحرک انقلابی در همه بخش‌های «مدیریت اقتصادی، سازندگی، خدمت‌رسانی، سیاست خارجی، فرهنگ، آموزش و دیگر بخش‌ها» را ضروری خواندند و در عین حال تأکید کردند: «انقلابی بودن حتماً باید با عقلانیت و اندیشه‌ورزی و خردمندی همراه باشد و این شیوه جمهوری اسلامی از آغاز بوده است.»

رهبر فرزانه انقلاب در تبیین نخستین توصیه مهم خود به دولتمردان، به جلوه‌های مختلف «مردمی بودن» اشاره کردند و افزودند: «رفتن به میان مردم و گفت‌وگوی بی واسطه با آنها از ابعاد بسیار خوب مردمی بودن است که آقای رئیسی دیروز با سفر به خوزستان آن را نشان داد.»

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای اتخاذ سبک زندگی مردمی، رفتار بی‌تکلف، دوری از اشرافی‌گری و پرهیز از نگاه از بالا به مردم را از دیگر جلوه‌های مردمی بودن برشمردند و گفتند: «باید مشکلات و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشت و ضمن پرهیز از بیان حرف‌های غیر واقعی و ناامید کردن مردم، از آنها کمک فکری و عملی خواست.»

«عذرخواهی سریع از مردم در مواقع بروز اشتباه» و بیان گزارش صادقانه و بدون مبالغه از فعالیت‌ها به مردم، از دیگر روش‌هایی بود که رهبر حکیم انقلاب در بیان جلوه‌های مختلف مردمی بودن به آن اشاره کردند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در تبیین «عدالت‌ورزی» به عنوان دومین توصیه اساسی خود به دولتمردان، اساس ادیان الهی و مبنای تشکیل حکومت را اقامه عدل خواندند و افزودند: «ما در این زمینه عقبیم و باید خیلی تلاش کنیم.»

«فسادستیزی و مقابله دقیق و جدی با فساد» توصیه مهم دیگر رهبر معظم انقلاب به رئیس جمهور و دولت جدید بود. ایشان گفتند: «فسادستیزی مکمّل عدالت‌ورزی است؛ زیرا فساد و مظاهر آن از جمله ویژه‌خواری، برخورداری‌های بیجا و عزیزشدگان بی‌جهت، جزء بلاهای مهم ضد عدالت هستند.»

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با توصیه به «احیای اعتماد و امید مردم» گفتند: «اعتماد مردم بزرگ‌ترین سرمایه دولت است که متأسفانه تا حدی آسیب دیده است و راه ترمیم آن، «یکی شدن حرف و عمل مسئولان» است.»

رهبر حکیم انقلاب اسلامی با اشاره به قول‌ها و دستورهای روز گذشته رئیس‌جمهور در سفر به اهواز، خاطرنشان کردند: «باید دقت شود که این قول‌ها حتماً محقق شود.»

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای تأکید کردند: «اگر وعده‌ای دادید و به واسطه برخی مشکلات، امکان تحقق آن میسر نشد، این موضوع را به مردم توضیح دهید و از آنان عذرخواهی کنید تا اعتماد مردم خدشه‌دار نشود.»

رهبر معظم انقلاب، «انسجام، اقتدار و اشراف دولت» را از دیگر مسائل مهم برشمردند و افزودند: «انسجام دولت یعنی از درون دولت حرف‌های مختلف بیرون نیاید و در عمل نیز همه دستگاه‌ها با انسجام اقدام کنند، زیرا هرگونه نبود انسجام و اقتدار در دولت حالت رهاشدگی امور را در مردم القا می‌کند و مانع پیشرفت برنامه‌ها و سیاست‌های دولت خواهد شد.»

امام خامنه‌ای خاطرنشان کردند: «لازمه تحول و حرکت به سمت پیشرفت، قانون‌گرایی، شفافیت، انضباط مالی، جلوگیری از تعارض منافع و جدیت در انجام تصمیم‌ها و مصوبات است.» ایشان «جوان‌سازی دولت» را یکی دیگر از الزامات تحول برشمردند و افزودند: «جوان‌گرایی در بدنه و بخش‌های میانی دولت موجب خواهد شد احساس انسداد در کشور از بین برود و همچنین ذخیره ارزشمندی برای مدیران ارشد و مجرب آینده فراهم خواهد کرد.»

رهبر فرزانه انقلاب یکی از نکات مهم در مقوله تحول را «استفاده از خرد جمعی و عقلانیت» دانستند و گفتند: «در باب تحول باید از دیدگاه‌های نخبگان خارج از دولت بدون در نظر گرفتن بحث‌های سیاسی و جناحی استفاده شود.»

رهبر معظم انقلاب سپس سرفصل اولویت‌های کاری کشور را بیان کردند و گفتند: «مهم‌ترین اولویت کشور ابتدا اقتصاد و بعد از آن، فرهنگ و رسانه و علم است. البته یک موضوع فوری هم وجود دارد که عبارت است از کرونا و سلامت مردم.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان‌شان، مسئله مهم و پر تأثیر سیاست خارجی را مورد توجه قرار دادند و با تأکید بر لزوم تحرک مضاعف در سیاست خارجی، گفتند: «جنبه اقتصادی در دیپلماسی باید تقویت شود و همچنان‌که در بسیاری از کشورها شخص رئیس‌جمهور دیپلماسی اقتصادی را دنبال می‌کند، باید دیپلماسی اقتصادیِ کشور با این نگاه تقویت شود.»

نگاه ۲
جستاری بر آغاز به کار دولت سیزدهم

کلید حل مشکلات

نگاه ۲

اعتماد خانه ملت به کابینه دولت مردمی

پرونده ۱۴-۱۵
دوستی آمریکایی
نگاهی به سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا

نسخه صوتی صبح صادق
بشنوید @Beshnavidd

دیدار رئیس‌جمهور با مردم در سفر به استان خوزستان

شماره ۱۰۱۳ | دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰
صبح صادق

سرمقاله

تقابل استراتژیک

اکبر معصومی
کارشناس بین‌الملل

رصد تحرکات رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد، دشمن صهیونیست سیاست «تقابل استراتژیک» با هدف «مهار همه‌جانبه» جمهوری اسلامی ایران را در پیش گرفته است؛ سیاستی که به‌شدت مورد حمایت آمریکا قرار گرفته است. در همین راستا «نفتالی بنت» در مصاحبه‌ای با «نیویورک‌تایمز» گفته است، تل‌آویو برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از اقدامات اقتصادی و دیپلماتیک همراه با تداوم حملات مخفیانه خود به تأسیسات هسته‌ای ایران را به کار خواهد بست. این تهدید که مستند به گذشته و معطوف به آینده بیان شده است، حاوی نکات مهمی است که باید به‌طور جدی بهره‌برداری شود. اینکه عالی‌ترین مقام اجرایی صهیونیست‌ها اقرار کرده است که این رژیم در حملات زیرساختی قبلی علیه ایران دست داشته و در آینده نیز این حملات را تشدید خواهد کرد، دست جمهوری اسلامی ایران را در پاسخ به این تهدیدات با هدف «دفاع مشروع» باز گذاشته است. جواب پیش‌دستانه به حملات مخفی آینده رژیم صهیونیستی و انتقام از حملات گذشته به نوعی حق ایران به جهت حقوقی، سیاسی و امنیتی است. نکته دوم این است که رفتار خرابکارانه رژیم صهیونیستی همواره مورد حمایت آمریکا و تروئیکای اروپا قرار گرفته است، موضوعی که موجب بی‌اعتمادی عمیق به مذاکره با غرب در قالب مذاکرات وین و... شده است. با در نظر گرفتن رفتار گذشته غرب و تهدیدات پیش رو، ورود بی‌هدف به مذاکرات هسته‌ای در وضعیت فعلی، تأمین‌کننده منافع ملی نخواهد بود و صرفاً ادامه مسیر قبلی با نیت وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تونل مذاکرات به منظور «تهی‌سازی قدرت بازدارنده» ایران خواهد بود. به منظور خنثی‌سازی سیاست‌های شوم دشمن اولاً دستگاه سیاست خارجی کشورمان، از طرح راهبردی رژیم صهیونیستی علیه ایران که در مذاکره میان رئیس‌جمهور آمریکا و نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس مطرح شده است، به مثابه یک «سند تهدیدآمیز رسمی» علیه «حاکمیت و استقلال کشورمان» استفاده کرده و مستند به این تهدیدات، علاوه بر پاسخ‌دهی و واکنش تمام‌عیار به هرگونه اقدام رژیم صهیونیستی، پیوست حقوقی این اقدامات را نیز معطوف به سند فوق (و دیگر اسنادی که در خصوص انجام اقدامات مخرب رژیم صهیونیستی در ایران وجود داشته و دارد)، فراهم کند تا تهدید دشمن خنثی شود. ثانیاً به منظور ورود یا ادامه روند قبلی مذاکرات وین عجولانه برخورد نکند و تحت تأثیر رفتار دیگران قرار نگیرد؛ سیاست «ابهام استراتژیک» در وضعیت فعلی می‌تواند زمین بازی را عوض کند و ابتکار عمل را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. جداسازی اقتصاد و تحرک‌بخشی به آن از طریق راه‌اندازی تولید و توان داخلی، دست جمهوری اسلامی را در تأمین منافع ملی در مذاکرات احتمالی باز خواهد گذاشت. نکته سوم اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی از روند یک طرفه نگاه به غرب که هشت سال گذشته حاکم بود، رهایی یابد و به سمت تعادل حرکت کند. ایجاد توازن در سیاست خارجی، البته توجه خاص به سیاست منطقه‌گرایی، غرب را به پذیرش منافع جمهوری اسلامی وادار خواهد کرد. مجموع موارد مطرح شده در کوتاه‌مدت حداقل انتظاراتی است که می‌توان از دولت محترم و دستگاه دیپلماسی داشت.

یادداشت

کلید حل مشکلات

دکتر یدالله جوانی
مدیر مسئول

آیا دولت سیزدهم به ریاست دکتر رئیسی در حل مشکلات فراوان کشور به ویژه مشکلات اقتصادی موفق خواهد شد؟ این پرسش بسیاری از مردم است. قضاوت عمومی آن است که دولت یازدهم و دوازدهم به ریاست دکتر حسن روحانی در یک دوره هشت ساله، نه تنها موفق به حل مشکلات کشور نشد، بلکه در پایان دولت تدبیر و امید، مشکلات اقتصادی کشور و معیشتی مردم، به مراتب بیشتر از زمانی بود که آقای روحانی در سال ۱۳۹۲، اداره قوه مجریه را به دست گرفت. این در حالی است که آقای روحانی معتقد بود کلید حل مشکلات را داشته و چرخ کارخانه‌ها و زندگی مردم را به حرکت در می‌آورد. کلید مورد نظر آقای روحانی چیزی جز «مذاکره با آمریکا» به عنوان «کدخدای جهان» نبود. آقای روحانی و تیم مشاوران و همکاران و جریان فکری‌اش، بر این اعتقاد بودند که گره مشکلات کشور در حوزه‌های گوناگون و خصوصاً در حوزه اقتصادی، تنها از طریق مذاکره با آمریکا باز خواهد شد. بر همین اساس بعد از انجام مذاکرات و حاصل شدن توافق برجام، آقای روحانی و عناصر اصلی تیم او، در توصیف‌ها و وعده‌های عجیب و غریبی، قول پدیدآیی رشد اقتصادی ۸ درصدی، ایجاد رونق تولید و بهبود فضای کسب‌وکار، ایجاد شغل برای جوانان و برخورداری عموم مردم از رفاه را دادند! اما چیزی نگذشت که نه تنها مشکلات حل نشد، بلکه وضعیت اقتصادی روز به روز بدتر شد و در نهایت آقای روحانی در آخرین سال خود، مرتب از جنگ اقتصادی غرب و آمریکا سخن می‌گفت. در واقع کلید مورد نظر ایشان، نه تنها مشکلات کشور را حل نکرد، بلکه بر حجم مشکلات کشور افزود. راهبرد مذاکره نه تنها راه درست و بهینه و کارآمد نبود، بلکه مشکل آفرینی‌اش برای کشور، بیش از مشکل‌گشایی‌اش بود. البته فهم این نادرستی انتخاب و ناکارآمد بودن «کلید مذاکره» برای گشودن قفل مشکلات کشور، کار سخت و دشواری هم نبود. به هر حال یک دوره هشت ساله سپری شد تا نادرستی این دیدگاه، برای همگان و خصوصاً جریان غرب‌گرا به اثبات برسد تا اکنون دولت سیزدهم، اداره کشور را در شرایطی سخت بر عهده گرفته است. بنابراین پرسشی که در صدر این نوشتار آمد، با توجه به تجارب سال‌های گذشته و راه‌های طی شده، یک پرسش اصلی و قابل توجه است. نگارنده این سطور بر این باور و اعتقاد است که هیچ مشکل غیر قابل حلی در کشور نداریم و به عبارت دیگر، تمامی مشکلات قابل حل است. مهم آن است که کلید حل مشکلات را به درستی انتخاب کنیم. بر اساس سنت الهی، آموزه‌های دینی، راهبردهای امام و رهبری و همچنین تجارب ۴۲ سال گذشته، با کلیدی می‌توان تمامی قفل‌ها را باز و بر تمامی مشکلات غلبه کرد و تمامی موانع را از سر راه برداشت که سه ویژگی زیر را داشته باشد:

۱ـ اخلاص: اگر هر فرد یا مجموعه‌ای و از جمله دولت، تمامی کارها را برای خدا انجام دهند، خداوند متعال وعده نصرت داده است. (اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم)

۲ـ توکل: اگر هر فرد یا مجموعه‌ای از جمله دولت، برای انجام کارها و عبور از موانع، به قدرت لایزال الهی تکیه کنند و این قدرت را باور داشته باشند، موفق می‌شوند. (وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)

۳ـ مجاهدت مبتنی بر عقلانیت: اگر هر فرد یا مجموعه‌ای و از جمله دولت، در کنار دوگانه اخلاص و توکل، برای رسیدن به نتیجه در انجام کارها، به سیاست‌گذاری، طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه مبتنی بر عقلانیت اهتمام داشته باشند و در این مسیر دست به مجاهدت و کار و تلاش شبانه‌روزی بزنند، به طور قطع به نتیجه خواهند رسید. نمونه موفق این سبک مدیریت، مدیریت و فرماندهی سیدالشهدای جبهه مقاومت، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است. او خود در روز معارفه‌اش به فرماندهی نیروی قدس سپاه در سال ۱۳۷۶، بدین مضمون گفت: «از روزی که وارد سپاه شده‌ام تا کنون، همواره دو چیز را در کوله پشتی خود نگه داشتم: یکی اخلاص و دیگری توکل.» شهید سلیمانی در کنار اخلاص و توکل، مجاهدت شبانه‌روزی مبتنی بر عقلانیت و برنامه‌ریزی دقیق داشت. شهید سلیمانی در همان دو سه ماه اول حضورش در نیروی قدس در سال ۱۳۷۶، برنامه ۲۰ ساله این نیرو را تنظیم می‌کند. به راستی اگر دولتمردان ما سبک مدیریتی سردار سلیمانی و عناصر قدرت‌ساز در این سبک مدیریتی، همانند سه‌گانه اخلاص، توکل و مجاهدت مبتنی بر عقلانیت را در پیش گیرند، آیا مشکلات کشور حل نخواهد شد؟ به طور قطع با این سبک مدیریتی که از آن با عنوان «مدیریت جهادی» یاد می‌شود، می‌توان تمامی مشکلات را حل کرد. تمامی شواهد و قراین نشان می‌دهد، رئیس‌جمهور محترم و اعضای کابینه‌اش، با انتخاب چنین رویکرد و سبک مدیریتی، به دنبال تشکیل یک دولت مردمی تحول‌گرا برای ساخت ایران قوی و حل مشکلات کشور و مردم هستند. به طور قطع در صورت پایبندی به الزامات این نوع مدیریت، موفق خواهند شد. ان‌شاءالله

مشتی که نمونه خروار نیست

پذیرش مسئولیت و واکنش بهنگام مسئولان؛ درس بزرگ انتشار تصاویر زندان اوین

حسین چخماقی
خبرنگار

انتشار چند فیلم و عکس از رفتارهای نامناسب در زندان اوین طی هفته گذشته، موجب تأثر خاطر مردم ایران شد. تصاویری که در آنها نشان داده شد برخی از کارکنان زندان اوین رفتارهایی نامناسب و دور از شأن زندانبانی با زندانیان داشته‌اند.

پذیرش مسئولیت و واکنش بهنگام

دو روز پس از انتشار این تصاویر و فیلم‌ها، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، دادستان کل کشور را مأمور کرد که بدون فوت وقت به موضوع این زندان رسیدگی کند. در متن این دستور آمده بود: «بدون فوت وقت، پیرامون موضوع مذکور و رفتار مأمورین با زندانی و یا زندانی با زندانی با سرعت و دقت بررسی جامع به عمل آورده و نتیجه را به اینجانب گزارش نمایید.» همزمان با این دستور رئیس عدلیه، «محمدمهدی حاج‌محمدی» رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مسئولیت اتفاقات رخداده در زندان اوین را بر عهده گرفت و با انتشار پیامی در صفحه توئیتری خود نوشت: «در خصوص تصاویر زندان اوین؛ مسئولیت این رفتارهای غیرقابل قبول را پذیرفته و ضمن تعهد به تلاش بر عدم تکرار چنین وقایع تلخ و برخورد جدی با عوامل خاطی؛ از خداوند متعال، رهبر عزیزمان، ملت بزرگوار و زندانبانان شریف که البته زحمات‌شان تحت تأثیر این خطاها، نادیده گرفته نخواهد شد، عذرخواهم.» یک روز بعد هم رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی از معرفی کارکنان بی‌تفاوتِ این سازمان در فیلم‌های منتشره به هیئت تخلفات اداری معرفی و معلق شدن آنها از خدمت و همچنین ارجاع پرونده‌هایی به دادسرای نظامی خبر داد.

هشدار امنیتی

در حالی که هنوز ماهیت گروهی که با هک کردن دوربین‌های زندان اوین، چندین فیلم و تصویر را در فضای مجازی منتشر کرده، مشخص نیست؛ اما بسیار روشن است که هدف منتشرکنندگان این تصاویر گزینش شده، کمک به اصلاح وضعیت و رفع تخلفاتی که از سوی برخی کارکنان زندان اوین بروز یافته، نبوده و اهداف و اغراض دیگری در پشت پرده این اقدام وجود دارد. با این حال، هک شدن دوربین‌های یک مرکز به اهمیت زندان اوین، می‌تواند هشداری امنیتی باشد و ضروری است.

آمارهایی از تحول در مدیریت زندان ها

بررسی کلی عملکرد سازمان زندان‌ها در یکی دو سال گذشته نشان می‌دهد، حبس‌زدایی و ارتقای کرامت زندانیان، رویکرد اصلی این سازمان و دستگاه قضایی کشور به شمار می‌آید. آزادی ۲۰ هزار زندانی در نتیجه اجرای طرح پایش و غربالگری در چهار ماه پایانی سال ۱۳۹۹، رشد ۳۰ درصدی برخورد با تخلفات کارکنان خاطی سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸، اهدای کمک‌های اقتصادی و معیشتی به خانواده‌های زندانیان در سطح گسترده به مناسبت‌های مختلف، افزایش ۳۰ درصدی استفاده از ظرفیت آزادی‌های مشروط با بهره‌گیری از وسایلی، نظیر پابند الکترونیک، رشد ۵۰ درصد اشتغالزایی در سطح زندان‌های کشور طی سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸، راه‌اندازی سیستم ارتباط تصویری زندانیان با خانواده‌های خود در دوران کرونا، اعطای مرخصی‌های گسترده به زندانیان به‌ویژه زندانیان دارای اولویت در دوران شیوع کرونا و همچنین انجام آزمایش از زندانیان مشکوک به ابتلا به کرونا، گزاره‌هایی است که نشان می‌دهد حضور دو ساله محمدمهدی حاج‌محمدی در رأس سازمان زندان‌ها، دستاوردهای قابل توجهی به ارمغان آورده است. ضمن آنکه در دو سال گذشته حضور میدانی در تمامی ندامتگاه‌های کشور، گفت‌وگوی چهره به چهره با زندانیان از برنامه‌های ثابت رئیس سازمان زندان‌ها بوده است.

اتفاقات تلخ اما نادر

«محسن ردادی» کارشناس مسائل سیاسی و رسانه‌ای در گفت‌وگو با صبح صادق گفت: «اگر ما امروز به واسطه هک دوربین‌های زندان اوین، شاهد انتشار برخی تصاویر نامناسب از برخورد با زندانیان در این زندان هستیم که قطعا باید با آن برخورد شود و مسئولان هم چنین وعده‌ای را داده‌اند، نباید از یاد ببریم که سال‌هاست مستندهای فراوانی از برخوردهای دلخراش، هتاکانه و دور از شأن انسانیت در زندان‌های آمریکا ساخته می‌شود.» وی با اشاره به تجمع گسترده چندی پیش سیاه‌پوستان آمریکا در اعتراض به رفتارهای دَدمنشانه مأمور ان زندان با زندانیان سیاه‌پوست گفت: «برخوردهای وحشیانه پلیس و مأموران زندان‌های آمریکا با سیاه‌پوستان شهره خاص و عام است؛ به عبارتی دیگر این قبیل اقدامات ضدانسانی سال‌هاست که در آمریکا نهادینه شده و به سبب همین دلایل و مستندات، آنها هیچ‌گاه نخواهند توانست خود را حامی حقوق زندانیان در جهان معرفی کنند.» این کارشناس رسانه ای با اشاره به جریحه‌دار شدن افکار عمومی در نتیجه انتشار تصاویر زندان اوین عنوان کرد: «امیدواریم هر چه زودتر نتایج برخوردهای قاطعانه و بازدارنده دستگاه قضا با افراد خاطی در رسانه‌ها منتشر شود تا افکار عمومی جامعه را اقناع کند.» ردادی اضافه کرد: «در حال حاضر بنگاه‌های خبرپراکنی دشمنان در صدد القای این نکته به مخاطبان خود هستند که در تمام زندان‌های ایران نسبت به زندانیان بدرفتاری می‌شود؛ حرف آنها این است که تصاویر منتشر شده از زندان اوین، مشتی از خروار بوده است؛ در حالی که به هیچ وجه این گونه نیست.» وی گفت: «با توجه به اینکه در درون یک زندان محکومینی از قشرهای مختلف به سر می‌برند که حتی اراذل و اوباش نیز در میان آنهاست، ضروری است که برای حفاظت، حراست و مدیریت زندان‌ها تدابیر ویژه‌ای اندیشیده شود.»

کلام پایانی

نقد مشفقانه و دلسوزانه که با هدف اصلاح امور باشد، تفاوت ماهوی با تخریب و عملیات روانی جهت اعتمادزدایی دارد و تشخیص این دو از هم کار مشکلی نیست. با وجود این، ذکر این نکته ضروری است که تصاویر منتشر شده از زندان اوین به هر حال نگران‌کننده است و با روحیه رئیس جدید دستگاه قضا انتظار همین اقدام و دستور سریع او برای پیگیری و برخورد با عناصر خاطی نیز می‌رفت. به امید آنکه پس از برخورد بازدارنده دستگاه قضایی با خاطیان زندان اوین، دیگر شاهد چنین اتفاقات تلخ و ناراحت‌کننده‌ای در سطح زندان‌های کشور نباشیم.

نیم‌نگاه

اعتماد خانه ملت به کابینه دولت مردمی

مهدی سعیدی
جریان‌شناس سیاسی

در هفته‌ای که گذشت، فرآیند بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی برای عضویت در هیئت دولت از سوی مجلس شورای اسلامی طی شد درباره چگونگی مواجهه مجلس و دولت نکات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که مهم‌ترین آنان را بررسی می‌کنیم.

۱ برخلاف آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، تنها یک نفر از گزینه‌های پیشنهادی رئیس‌جمهور محترم نتوانست رأی اعتماد نمایندگان مجلس را کسب کند و ۱۸ نفر باقی مانده همگی رأی لازم را کسب کردند. این مواجهه که یکی از کم‌نظیرترین مواجهه‌های مجلس با کابینه‌های معرفی شده در طول چهار دهه اخیر بوده است، حکایت از آن دارد که مجلس تلاش داشته تا با همکاری حداکثری با دولت سیزدهم، فعالیت وزارتخانه‌های مختلف را به تأخیر نیندازد. واقعیت آن است که اوضاع کشور اوضاع خوبی نیست و کارهای بسیاری باید با فوریت هر چه بیشتر به نفع مردم رقم بخورد. تأخیر در معرفی وزرای هر یک از وزارتخانه‌ها می‌توانست روند آغاز به کار را برای دولت به تأخیز بیندازد که با تدبیر مجلس انقلابی این معضل پیش نیامد.

۲ مجلس در کنار رأی اعتماد به کابینه، تلاش کرد برای آنکه وزرا با اقتدار لازم بر کرسی صدرا تکیه زنند، رأی خود را حداکثری کرده و با بیشترین آرای مثبت به وزرا، آنها را با دلی قرص و حمایت همه‌جانبه به وزارتخانه‌های مربوطه راهی کند! به همین دلیل شاهد آن هستیم که ۱۴ نفر از وزرای بیش از ۲۰۰ رأی از میان ۲۹۰ کسب کردند!

۳ رأی اعتماد مجلس به اولین گزینه‌های معرفی شده از سوی دکتر رئیسی از یک سو از اعتمادی حکایت داشت که مجلس به نظر کارشناسی تیم مشاوره رئیس‌جمهور منتخب مردم ابراز کرد و همچنین کمک شایانی بود تا رئیس‌جمهور به بهترین گزینه‌هایی که خود تشخیص داده است کار مدیریت اجرایی کشور را در شرایط حساس کنون آغاز کند! طبیعتا در صورت عدم احراز صلاحیت نامزدهای پیشنهادی، رئیس‌جمهور باید گزینه‌های ردیف دوم خود را معرفی می‌کرد که این کار چندان مورد رضایت وی نخواهد بود؛ اما حمایت و همکاری همه‌جانبه مجلس، حجت را بر دولت تمام کرده است.

۴ کار مجلس و دولت به اتمام نرسیده، بلکه تازه در ابتدای کار هستیم. پس از عبور از ایستگاه رأی اعتماد به کابینه، کار اصلی مجلس که نظارت بر عملکرد دولت است، آغاز شده است. در این مرحله دیگر جای هیچ مماشاتی نیست و انتظار می‌رود، مجلس با همه توان و ابزارهای نظارتی بر کارآمدی و شایستگی اعضای دولت نظارت داشته و اجازه ندهد تا ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها و ناشایستگی‌ها و احیانات تخلفات و... بر پیکره دولت انقلابی عارض شود!

سخن پایانی آنکه همکاری حداکثری مجلس و دولت انقلابی امیدهای فراوانی را در میان مردم ایجاد کرده است که ان‌شاءالله با همدلی حداکثری مسئولان کشور، مشکلات یکی پس از دیگری مرتفع شود و آرامش و ثبات و امید به جامعه باز گردد. حال که دولت محترم با همکاری و حمایت همه‌جانبه و حداکثری نمایندگان مردم کار خود را آغاز کرده است، انتظار می‌رود دولت نیز کار را با انرژی و توان حداکثری و بدون درنگ و فرصت‌سوزی آغاز کند و ان‌شاءالله شاهد سامان یافتن تدریجی اوضاع کشور باشیم.

دولت فراگیر مطالبه ملی و فراملی

بازنگاه صبح صادق به تسلط طالبان بر کابل و آینده افغانستان

مصطفی قربانی
کارشناس سیاسی

تحولات کنونی افغانستان با میدان‌داری طالبان و در واقع، با تشدید اقدامات طالبان در تصرف شهرهای مختلف افغانستان، درست زمانی به وقوع پیوست که نیروهای آمریکایی در حال خروج از افغانستان بودند و در روزهای اخیر، آخرین سربازان و افسران آمریکایی از پایگاه بگرام افغانستان خارج شدند. با این حال، طالبان اگرچه بخشی از واقعیت در صحنه افغانستان است و پشتوانه قومی قوی در میان قوم پشتون دارد، اما با توجه به سوابق این گروه که هم‌اکنون عمده خاک افغانستان را در تصرف خود دارد و مترصد تشکیل حکومت است، در سطح داخلی افغانستان، منطقه‌ای و بین‌المللی، نگرانی‌هایی نسبت به تداوم تحرکات طالبان وجود دارد. در داخل ایران نیز با توجه به برخی اقدامات تندروانه طالبان در دوره حکومتش در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ـ۲۰۰۱ علیه شیعیان افغانستان، متهم بودن این گروه به حمله به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف و همچنین، نزدیکی آن به برخی سرویس‌های جاسوسی کشورهای منطقه و به طور ویژه پاکستان، ذهنیت عامه مردم نسبت به طالبان تا حدود زیادی تیره و تار است و به همین دلیل، نگرانی‌هایی بابت تحرکات اخیر طالبان در افغانستان، نزد افکار عمومی داخلی کشورمان شکل گرفته است. آنچه این نگرانی‌ها را تشدید می‌کند، سیاست نسبتاً متفاوت جمهوری اسلامی ایران در قبال طالبان در مقایسه با دو دهه قبل از یک سو و موج‌سواری یا عملیات روانی دشمنان نظام و برخی گروه‌های داخلی بر روی این قضیه از سوی دیگر است، به گونه‌ای که در خلال این تبلیغات، این‌گونه تلقین می‌کنند که جمهوری اسلامی با عدول از مواضع ارزشی خود در قبال طالبان، با روی آوردن به سیاست قدرت و پذیرش وضع موجود در افغانستان، از این گروه حمایت می‌کند. البته در این میان، جمهوری اسلامی را متهم به پشت کردن به شیعیان افغانستان و تنها گذاشتن آنها در قبال طالبان هم می‌کنند. این در حالی است که اولاً شناخت افکار عمومی داخلی نسبت به طالبان، شناختی دقیق و همه‌جانبه نیست و ثانیاً جمهوری اسلامی در رابطه با طالبان، براساس یک سیاست منطقی و عقلانی، مبنی بر مبارزه با دشمنان خارجی و گروهک‌های تکفیری عمل می‌کند و هیچ‌گاه در قبال طالبان نه از مواضع خود عدول کرده و نه با برخی مواضع غیرقانونی طالبان همراهی کرده است. باتوجه به اهمیت این موضوع، در متن حاضر تلاش می‌شود به چهار سؤال اساسی درباره وضعیت کنونی افغانستان، تحرکات طالبان و سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال طالبان پاسخ داده شود.

آیا طالبان تغییر کرده است؟

طالبان به لحاظ کلامی و اندیشه‌ای تغییر نکرده، اما وهابی و تکفیری هم نیست. تغییر در نوع مواجهه طالبان با مردم و غیرنظامیان در مقایسه با گذشته، به این دلیل است که طالبان پس از سال‌ها تجربه، به این نتیجه رسیده که در دست گرفتن قدرت در افغانستان بدون همراهی مردم امکان‌پذیر نیست. در عین حال باید توجه داشت تحولاتی حداقل در دو دهه و نیم گذشته صورت گرفته که عملاً طالبان کنونی را تا حدودی به لحاظ رفتار سیاسی متمایز از طالبان دهه ۹۰ کرده است. برآیند این تحولات سبب شده است، در رویکرد طالبان، عمل‌گرایی تقویت شود که نمود آن را در مذاکرات مختلف طالبان با طرف‌های داخلی و خارجی می‌بینیم. عوامل این تغییر نسبی عبارتند از:

۱ـ فقدان رهبری کاریزماتیک: بعد از مرگ ملاعمر، رهبر کاریزماتیک طالبان، دو رهبر بعدی، هیچ‌یک نتوانسته‌اند مأموریت ملاعمر را ادامه دهند. درواقع، رهبران پس از ملاعمر از نظر توانمندی، اعتبار، مرجعیت فکری و قدرت، هنوز نتوانسته‌اند جای خالی ملاعمر را پر کنند.

۲ـ تداوم تحولات نسلی در جامعه افغانستان: بخش زیادی از اعضای کنونی طالبان جوان هستند و مسلماً نسل جوان حامل تغییرات فرهنگی و اجتماعی نسل خودش است و با نسل پیش از خود متفاوت است. در این وضعیت، طالبان همانند هر گروه دیگری به مرور زمان، متأثر از تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی افغانستان عمل‌گراتر شده‌اند. برای نمونه، نگاه طالبان در دهه ۷۰ به ایران، شیعیان، هزاره‌ها و اقلیت‌ها منفی بود، اما در دهه گذشته آرام آرام نگاهشان در این زمینه تغییر کرده و متفاوت شده است؛ به این منظور که بتوانند حداقل قدرت خودشان را حفظ کنند. در همین زمینه جالب است که نسل جدید طالبان با توئیتر و رسانه‌های جدید آشنا هستند. بنابراین، در حالی که در تصور نسل دهه ۷۰ ایران، طالبان افرادی وحشی هستند که فقط می‌جنگند، اما اکنون وضعیت طالبان فرق کرده است؛ الگوهای فکری و سبک‌های طالبان در دو دهه گذشته به روزتر و دقیق‌تر شده است. البته همین امر، سبب ایجاد شکاف‌هایی هم در درون طالبان شده است. در همین زمینه باید اشاره کرد که چون بخشی از سنت‌های درونی طالبان، قومی و پشتونی است، طالبان در این چند دهه گذشته تلاش کرده است تا اندک اندک بعد عمومی و ملی خودش را نیز به عرصه ظهور برساند؛ یعنی طالبان به این نتیجه رسیده که اگر صرفاً بر جایگاه پشتونی خودش تأکید کند، می‌داند که پشتون‌ها همه افغانستان نیستند و نمی‌تواند با سایر افغان‌ها در جنگ باشد. از این رو به این درک رسیده‌اند که حتی یک استاندار را از شیعه یا هزاره انتخاب کنند یا تلاش کرده‌اند که اعضایی از ترکمن‌ها و تاجیک‌ها را هم به عضویت بپذیرند. بنابراین، طالبان اکنون از ماهیت صرفاً قومی خود اندکی فاصله گرفته و در چارچوب و گستره سرزمینی و جمعیتی افغانستان خود را تعریف کرده است. هرچند در این زمینه به طور کامل موفق نبوده، اما تلاش برای تغییر رویکرد را آغاز کرده است. در همین راستا باید اشاره کرد طالبان به واسطه پشتوانه قومی‌اش که از میان قوم پشتون برخاسته؛ یعنی قومی که بزرگ‌ترین قوم در افغانستان است و همچنین، مبارزه جدی آن با آمریکا از همان ابتدای سال‌های اشغال تاکنون، بزرگ‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین قدرت در صحنه داخلی افغانستان است.

دلیل تغییر رویکرد ایران

پیش از پاسخ به اصل سؤال باید اشاره کرد که در سال‌های اخیر، طی مذاکراتی با طالبان، با این گروه بر سر چند موضوع مهم توافقی نانوشته صورت گرفت که مفاد آن عبارت بودند از: مبارزه با قدرت‌های اشغالگر در افغانستان، مبارزه با حضور گروه‌های تکفیری در افغانستان، تأمین امنیت مرزهای مشترک ایران و افغانستان، تأمین امنیت شیعیان و خودداری از حمله به مردم عادی افغانستان به دست طالبان که این گروه به همه این موارد پایبند بود. بنابراین، جمهوری اسلامی با یک دیپلماسی مقاومتی توانست به‌خوبی ضمن سرکوب گروه‌های تکفیری در افغانستان(داعش) به دست طالبان، با اشغالگران این کشور مبارزه کند و در عین حال، امنیت شیعیان این کشور هم حفظ شود. بنابراین، از طریق اتخاذ موفق این سیاست، هم‌اکنون، جمهوری اسلامی گام بزرگی برای تحقق اخراج آمریکا از منطقه برداشته است. به هر حال در پاسخ به اصل پرسش باید گفت، دلیل اصلی تغییر سیاست و رویکرد جمهوری اسلامی در قبال طالبان، در مقایسه با سال‌های دهه ۷۰، به تغییر صحنه درگیری در افغانستان برمی‌گردد؛ زیرا در دهه ۷۰، همه اقوام و گروه‌های افغانی علیه طالبان می‌جنگیدند و طالبان هم مرتکب اقدامات خشونت‌بار متعدد می‌شد، اما اکنون وضعیت متفاوت شده است، به گونه‌ای که تمام گروه‌ها و رهبران جهادی افغانستان در مقابل طالبان هیچ تحرک و مقاومتی نداشتند و در مقابل، طالبان هم مانند سابق درصدد خشونت‌ورزی نیست. در همین راستا، به طالبان گفته شده است جمهوری اسلامی، حاکمیت مطلق طالبان بر افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسد و خواهان ایجاد نظامی سیاسی با مشارکت همه اقوام و گروه‌های افغانی است. در عین حال، درصدد درگیری با طالبان هم نیستیم. در همین راستا باید توجه داشت طالبان نه شریک راهبردی ما و نه عضو محور مقاومت است، اما دشمن ما هم به شمار نمی‌آید. بنابراین، برخلاف دیدگاه‌های ساده‌لوحانه یا خائنانه‌ای که خواهان تقابل ایران و طالبان هستند، این امر به هیچ وجه به صلاح نیست. ضمن اینکه هرگونه رویارویی جمهوری اسلامی با طالبان، در راستای راهبرد آمریکا در منطقه بوده و درگیری‌های داخلی در افغانستان را در پی خواهد داشت که مغایر با سیاست‌های راهبردی نظام در قبال افغانستان است.

تبانی آمریکا و طالبان؟

مفروض اساسی دیدگاهی که به احتمال تبانی میان آمریکا و طالبان معتقد است، این است که آمریکا را همچنان در موقعیتی شبیه ۲۰ سال پیش فرض می‌کنند. این در حالی است که آمریکا در این برهه، به هیچ وجه در مقام ۲۰ سال پیش نیست. به طور مشخص‌تر باید گفت، خروج آمریکا از افغانستان یک عمل ارادی نبود، بلکه برآیندی از ناتوانی آمریکا از مقابله با طالبان، مشکلات داخلی آمریکا و عقب ماندن آن از رقابت با قدرت‌هایی چون چین در صحنه بین‌المللی است. بنابراین، آمریکا در اصل مجبور به اخراج از افغانستان شد. ضمن اینکه نباید فراموش کنیم که طالبان از فردای اشغال افغانستان به دست آمریکا، با این کشور مبارزه کرده و در مذاکره با آمریکایی‌ها در دوحه هم به چیزی کمتر از این قانع نبوده است. البته با توجه به دیدار اخیر رئیس سازمان سیا با رئیس دفتر سیاسی طالبان، به نظر می‌رسد آمریکا درصدد است همچنان جای پایی در افغانستان داشته باشد. بنابراین، تاکنون هیچ تبانی‌ای میان طالبان و آمریکا صورت نگرفته است؛ هرچند باتوجه به سوابق و دیدگاه‌های طالبان، وقوع این اتفاق در آینده بعید به نظر می‌رسد، اما با اطمینان کامل نمی‌توان این احتمال را در آینده منتفی دانست.

آینده افغانستان؟

آینده افغانستان به کیفیت تشکیل حکومت از سوی طالبان وابسته است. در این میان دو احتمال بیشتر وجود ندارد: تشکیل دولت ائتلافی با مشارکت حداکثری طالبان که در این صورت، امنیت و ثبات افغانستان به راحتی تأمین خواهد شد و دیگری، تشکیل دولت طالبانی که در این صورت، باید دیر یا زود شاهد رویارویی سایر گروه‌ها و قومیت‌ها با طالبان باشیم؛ زیرا بافت متکثر قومی و مذهبی به گونه‌ای است که اگر طالبان بدون توجه به آن و بدون سهیم کردن سایر قومیت‌ها بخواهد حکومت تشکیل دهد، سایر قومیت‌ها به راحتی در مقابل آن مقاومت خواهند کرد که این خود به معنای شروع جنگ داخلی در افغانستان خواهد بود.

روزنه

آموزه‌ای گران‌سنگ

یاسر کوچک‌زاده
کارشناس مسائل بین‌الملل

پس از زمان لشکرکشی بوش پسر به افغانستان، دو دهه زمان لازم بود تا به همگانی که اهل اعتماد به غرب هستند، ثابت شود لشکرکشی آمریکا و حضور غرب در یک کشور هیچ دستاوردی را برای ملت آن به ارمغان نمی‌آورد. افغانستان دارای نظام جمهوری اسلامی است؛ اما بدون داشتن سه فاکتور مهم و حیاتی و دارا بودن یک فاکتور مهم که این چهار فاکتور باعث شد به این راحتی حیات سیاسی آن به مخاطره افتد. سه فاکتور مهم عبارتند از:

۱ـ نبود رهبری بصیر و عالم به امور در رأس حاکمیت،

۲ـ نبود ارتش ملی و خودکفا نبودن در صنایع دفاعی

۳ـ وجود تضاد بین قومیت‌های افغان.

اما فاکتور مهم‌تر وجود مدیرانی غرب‌گرا و دانش‌آموخته غرب است که سر بزنگاه نقش کنشی خود را در جهت تأمین منافع غرب به خوبی ایفا می‌کنند. ناخودآگاه ذهن پرسش‌گر به سمت برجام سوق پیدا می‌کند و اینکه در خلال برجام و اتفاقاتی که در این چند سال پیش آمد و بعد از تمام راستی‌آزمایی‌هایی که شد و مواردی که ما جهت اعتمادسازی انجام دادیم و تمام کارهایی که طرف غربی انجام نداد و روز به روز شرایط را برای ما سخت‌تر کرد توافقی که با هدف از بین بردن مؤلفه‌های قدرت ایران و دو قطبی کردن جامعه و حمله به رهبری و به ضعف کشاندن نظام حاکمیتی به دنبال آن بود که از ایران نیز افغانستانی دیگر بسازد. به همین دلیل است که یکی از دغدغه‌های مهم در منظومه فکری امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب مسئله غرب‌زدگی است.

امامین انقلاب بارها و در موارد متعدد به عوامل ایجاد و گسترش غرب‌زدگی و خطرها و پیامدهای سوء آن در کشورهای اسلامی، اشاره و رهنمودهایی برای رفع و زدودن این عارضه و بلای عظیم از میان کشورهای اسلامی بیان داشته‌اند.

حضرت امام خمینی(ره) غرب‌زدگی را منشأ بسیاری از بدبختی‌های ملت مسلمان و ملت ایران می‌دانستند و در وصیت‌نامه خود فرمودند: «من در میان شما باشم یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد.»

یکی از برنامه‌های جاری در نظام آموزش عالی کشورهای بزرگ و اعطای بورسیه‌های تحصیلی به اقلیت‌هایی از کشورهای در حال توسعه پرورش جاسوس یا به عبارتی دقیق‌تر تربیت مدیران تراز اول آن کشور برای سال‌های آینده است که جابه‌جایی قدرت به شکلی کاملاً نرم و لاک‌پشت مانند در کشور هدف اتفاق بیفتد و این مدیران بتوانند به بهترین نحو منافع کشورهای بزرگ را تأمین کنند.

اشرف غنی که مدرک دکترای خود را از دانشگاه شیکاگو گرفته است، در یک برهه حساس وارد قدرت در افغانستان شد و در برهه حیاتی دیگر بدون هیچ مقاومتی کشور را تقدیم طالبان کرد و از کشور گریخت. در پایان یادی می‌کنیم از فرمایش حضرت امام(ره) که چراغ راه و منبع نورانی‌ای برای رسیدن به قله‌های کمال است و آن این جمله راهبردی است که «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد.»

عکس و مکث

حرکتی بی‌سابقه/ برای اولین بار؛ یک رئیس‌جمهور در بخش عروجیان بهشت‌زهرا(س) حضور یافت. کاری مبتکرانه و قشنگ از رئیس‌جمهور دولت مردمی که در اولین روز کاری این دولت جدید سبب تحسین مردم و بسیاری از فعالان سیاسی و رسانه ای شد. رئیس‌جمهور با دیدن فراموش‌شدگان همیشه در حاشیه، نشان داد که در دولت سیزدهم هیچ قشری از توجه دور نخواهد ماند و ان‌شاءالله که با همت جهادی، کشور روز به روز پله‌های پیشرفت را طی خواهد کرد.

بزرگترین بیمارستان تخصصی سیار کرونا/ بزرگ‌ترین بیمارستان سیار کشور با ظرفیت ۱۲۸ تخت به همت و تلاش مرکز بهداری نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور سردار پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه در بیمارستان امام حسین(ع) کرمانشاه افتتاح شد. همزمان با دستور فرمانده کل قوا مبنی بر کمک بیش از پیش نیروهای مسلح در زمینه رفع بیماری کرونا، چندین بیمارستان سیار و مرکز واکسیناسیون در سراسر کشور به همت سپاه افتتاح شد.

هزینه نجومی برای هیچ!/ با انتشار خبر هزینه روزانه ۳۰۰ میلیون دلاری آمریکا به مدت ۲۰ سال در جنگ افغانستان، برخی از مردم آمریکا در اعتراض به آن شروع به انتشار وضعیت بی‌خانمان‌های شهرهای‌شان کردند. برای نمونه، مردم شهر بوستون با انتشار چنین تصاویری نوشتند: «این وضعیت بی‌خانمان‌های شهر بوستون است. شبیه این تصاویر در همه جای آمریکا یافت می‌شود!» نشریه فوربس گفته است آمریکا به مدت ۲۰ سال روزانه ۳۰۰ میلیون دلار هزینه حضورش در افغانستان بوده است!

قباحت بی‌پایان/ یک مجری معروف آمریکایی طی توئیتی نوشت، در مقابل خون هر آمریکایی که در افغانستان کشته می‌شود، یک شهر از افغان‌ها باید از روی زمین محو شود. آمریکایی‌ها با هیچ شمردن جان و ناموس افغان‌ها سال‌ها در آنجا به کشتار دست زدند و امروز هم از تحقیر آنها دست برنمی‌دارند! البته بزدلان آمریکایی جرئت زدن چنین حرف‌هایی را درباره همه کشورها ندارند، به امید صلحی همیشگی در افغانستان تا مردم این کشور در سایه ارتشی قدرتمند این‌گونه تحقیر نشوند.

تازه اول راه است!/ رسانه‌های آمریکایی روزهای گذشته را بدترین دوران ریاست‌جمهوری بایدن توصیف کردند. جو بایدن در واکنش به انتقادات گسترده نسبت به نحوه خروج آمریکا از افغانستان گفت، مسئولیت اتفاقات اخیر افغانستان را برعهده می‌گیرم. بایدن باید بداند که دوران بد آمریکا تازه شروع شده است و افول آمریکا بسیار نزدیک است و سیگنال‌های درهم شکستن امپراتوری پوشالی آمریکایی‌ها به مسئولان این کشور رسیده است که این‌گونه بی‌رمق شده‌اند.

رو که نیست!/ نخست‌وزیر رژیم اشغالگر صهیونیستی پس از دیدار با بایدن اعلام کرده است، از شنیدن اینکه رئیس‌جمهور آمریکا گفته است ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نخواهد کرد و اگر دیپلماسی کارساز نشود گزینه‌های دیگری هم هست، خوشحال شده است! یکی باید به این جوانک کودک‌کش تازه‌کار بگوید که گل‌کاری‌های آمریکا در افغانستان بعد از ۲۰ سال و خروج خفت‌بارش هنوز ادامه دارد! اگر به وعده‌های آمریکا بود که الان شما در اسرائیل تو سوراخ موش زندگی نمی‌کردید!

شماره ۱۰۱۳ | دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰
صبح صادق

رصد

بهت کاخ سفید!

صهیونیست‌ها نگران فروپاشی

«ایدی کوهن» روزنامه‌نگار صهیونیستی در توئیتر نوشت: ای مردم عرب، باور کنید ما در اسرائیل از سقوط برخی حاکمان عربی بیش از سقوط اسرائیل می‌ترسیم. قسم به خدای موسی و هارون که راست می‌گویم. تعداد زیادی از کارشناس‌ها معتقدند وجود رژیم سعودی و اماراتی با رژیم صهیونیستی گره خورده است و سقوط هر یک سقوط دیگری را نزدیک‌تر می‌کند. تحلیلگران معتقدند سازشکاران عربی بر این باورند که سازش با رژیم صهیونیستی آنها را در برابر ایران و هرج‌ومرج‌های داخلی ایمن نگاه خواهد داشت.

معنای سکوت جریان ملی لبنان

وبگاه «النشره»: سکوت رسمی عون، باسیل و به صورت کلی جریان آزاد ملی به معنای آن نیست که آنها با کشتی حامل سوخت ایران مخالفند، بلکه کاملا برعکس؛ آنها از اقدامی در راستای شکست محاصره لبنان و عبور از بحران سیاسی، اقتصادی و مالی ساختگی استقبال می‌کنند. بحران‌هایی که از سوی متحدان آمریکا در لبنان و نیز کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تشدید می‌شود.

تل‌آویو و توقف مذاکرات هسته‌ای

وبگاه «بلومبرگ»: «نفتالی بنت» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سفری که به واشنگتن دارد، تلاش می‌کند «جو بایدن» را از احیای توافق هسته‌ای ایران منصرف کند. در حالی که مقامات آمریکایی مشغول بررسی گزینه‌های پیش روی خود برای احیای برجام بعد از نتیجه‌بخش نبودن مذاکرات چند ماهه با ایران هستند، اما بنت و تیم صهیونیست‌های همراه او سعی دارند با فشار بر مقامات دولت بایدن، واشنگتن را به توقف مذاکرات هسته‌ای با ایران مجاب کنند.

داستان باورنکردنی

دیوید شنکر، دستیار سابق وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک: از آوردن نفت ایران به لبنان به دست حزب‌الله می‌توان به عنوان «داستان باورنکردنی» و «مانور سیاسی» یاد کرد. بحران سوختی که لبنان را درگیر کرده است، ناشی از حزب‌الله و قاچاق سوخت آن به سوریه است و نه چیز دیگری. این اقدام حزب‌الله، نقض آشکار تحریم‌های اعمال شده علیه ایران است. حرکت حزب‌الله بخشی از «جنگ دریایی» بین ایران و اسرائیل نیست، تنها چیزی که در این موضوع وجود دارد، این است که حزب‌الله می‌خواهد از جیب لبنانی‌ها مقداری پول به دست آورد و حرکتی پوپولیستی انجام بدهد و افکار عمومی را از اعمال خودش منحرف کند.

فرار ۲ تریلیون دلاری

مؤسسه امور عمومی و بین‌الملل واتسون آمریکا: هزینه جنگ آمریکا در افغانستان که از پاییز ۲۰۰۱ آغاز شد و تا چند روز دیگر پایان می‌یابد، ۲/۲۶ تریلیون دلار بوده است. در این مدت بیش از ۲۴۰ هزار نفر به طور مستقیم در نتیجه این جنگ کشته شده‌اند. در همین مدت بیش از ۶۹ هزار پلیس، ۴۷ هزار غیرنظامی و ۵۱ هزار نیروی نظامی افغانستانی کشته شده‌اند. این آمار در کنار ده‌ها هزار غیرنظامی شامل زنان و کودکان افغانستانی است که در این مدت جان خود را از دست داده‌اند.

مقاومت؛ ناجی لبنان

الله‌کرم مشتاقی
کارشناس بین‌الملل

در حال حاضر شاهد بحران پیچیده سیاسی و اقتصادی در لبنان هستیم که مشکلات مربوط به حوزه سوخت سرآمد آنهاست. حضور چند ساعته در خیابان‌های بیروت و ثبت مشاهدات، این بحران را تصدیق می‌کند. پمپ‌های بنزین تعطیل شده‌اند، خودروها در خیابان‌ها به امید رسیدن بنزین رها شده‌اند و قیمت‌ها در تابلوهای مغازه‌ها عمدتاً دستکاری شده‌اند؛ زیرا قیمت هیچ کالایی بیش از یک هفته دوام ندارد، بخش زیادی از مردم شب‌ها برای در امان ماندن از گرما به بالکن‌های منازل خود و فضاهای سبز پناه می‌آورند. در سال ۲۰۲۰ این کشور با کسری ۸ میلیارد دلاری مواجه شد، تورم به ۸۵درصد رسید، فقر به بالای ۵۵درصد گسترش یافت، بیکاری به نرخ ۴۰درصد رسید و ارزش پول ملی ۱۳۰درصد کاهش یافت. در حال حاضر لبنان روزانه به ۱۲ میلیون لیتر بنزین نیاز دارد؛ نیازی که از طریق ۱۷ شرکت عمدتاً خصوصی تأمین می‌شود. حدود ۱۸۰ شرکت در حوزه تأمین انرژی لبنان ثبت شده است؛ اما بیش از ۹۵ درصد نیاز لبنان از طریق شرکت‌های ۱۷گانه که «تجمع الشرکات المستوده للنفط» را در سال ۲۰۰۷ تشکیل می‌دهند، برطرف می‌شود. این مجموعه نفت مشتقات آن را از یونان، ایتالیا، آمریکا، فرانسه، آلمان، روسیه، قبرس، رومانی، اسپانیا، کویت، لیبی، الجزایر و عربستان وارد می‌کند.

نکته جالب آنکه هیچ یک از این شرکت‌ها مربوط به شیعیان و حزب‌الله نیست، شرکت‌های بزرگ این مجموعه یعنی توتال لبنان، کورال اویل، وردیه هولدینگ، هبکو، العربیه النفط، بی.بی.انرژی و یونی غاز همه منتسب به جریان‌های ضد مقاومت هستند. اتفاقا جریان شیعی همواره خواهان تغییر و اصلاح ساختاری بوده است که اقتصاد لبنان را ضربه‌پذیر کرده است؛ برای نمونه می‌توان به ارائه طرح اصلاحات ساختاری حسن خلیل وزیر دارائی لبنان که عضو حزب شیعی امل است، اشاره کرد که طبیعتاً مورد توجه مافیای فساد اقتصادی در لبنان قرار نگرفت.

سیدحسن نصرالله در چند ماه گذشته برای عبور از بحران اقتصادی طرح نگاه به شرق را ارائه داد، سپس از لزوم واردات بنزین و آمادگی حزب‌الله برای خرید بنزین از ایران سخن گفت و در سخنرانی روز عاشورا(۲۸ مرداد ۱۴۰۰) اعلام کرد، کشتی حامل سوخت ایرانی در مسیر لبنان است. شاید اجرای این طرح در یک ماه پیش امکان‌پذیر نبود؛ چرا که مقامات فرانسوی، آمریکایی و مخالفان مقاومت با رفتارهای مزورانه اینگونه وانمود می‌کردند که آماده کمک به لبنان هستند، اما اکنون پوچ بودن این وعده‌ها برای شهروندان لبنانی حتی افرادی که تناسب زیادی با مقاومت ندارند، روشن شده است. واکنش‌هایی که به سخنان سیدحسن نصرالله انجام شده، بسیار امیدبخش است.

آمریکا بلافاصله اعلام کرد، مذاکراتی را با مصر و اردن برای واردات گاز و برق انجام داده است؛ اما سیدحسن نصرالله اعلام کرد، لبنانی‌ها منتظر وعده‌های آمریکا نمی‌مانند و اساساً آمریکا را بخشی از مشکلات لبنان می‌دانیم. به نظر می‌رسد، هیچ یک از ۱۷ شرکت لبنانی حوزه سوخت و انرژی و حتی دولت این کشور از ترس تحریم‌های غرب عملاً وارد موضوع نخواهند شد؛ بلکه حزب‌الله و بخشی از جریان مسیحی که مدت‌هاست تحت تحریم هستند امور بارگیری، انتقال و توزیع را بر عهده خواهند گرفت. هم اکنون ۳۵۰۰ جایگاه توزیع سوخت در لبنان وجود دارد که ۲۴۰۰ مورد آن به کارتل‌های ۱۷ گانه وابسته است و احتمالا در توزیع این محموله ورود نخواهند کرد، همچنین حدود ۳۰ انبار عظیم ذخیره سوخت وجود دارد که به احتمال زیاد تنها پنج یا شش مورد آن آمادگی همکاری در این زمینه را با حزب‌الله خواهند داشت. اجرای موفقیت‌آمیز انتقال و توزیع این محموله گازوئیلی می‌تواند مسیر را برای ارسال محموله‌های دیگر و ریخته شدن ترس سایر تجار لبنانی که مایل به همکاری هستند، اما از ترس فشارهای خارجی سکوت کرده‌اند، تأثیر جدی خواهد داشت.

پنجره

آینده افغانستان

آیا جهان طالبان را به رسمیت می‌شناسد؟

محمدرضا فرهادی
کارشناس مسائل منطقه

پس از تصرف کابل به دست طالبان، این گروه رفتارهایی متفاوت با گذشته در پیش گرفت و همین امر سؤالات مختلفی را حول این گروه به وجود آورده است. بحث تشکیل دولت، نسبیت قدرت و ارتباط با همسایگان و دیگر کشورها، از جمله سؤالاتی است که باید به آنها جواب داده شود. طالبان بر مبنای فقه حنفی و تصوف‌گرایی خود به مسائل دموکراسی و انتخابات آزاد اعتقادی ندارد، اما در برقراری رابطه با همسایگان و سایر کشورها رویکرد دیگری را اتخاذ کرده است؛ به گونه‌ای که این گروه تا مقطع فعلی هیچ‌گونه موضع مخالف و دارای تنش را در رابطه با هیچ کشوری در پیش نگرفته است. به همین منظور و برای آشنایی بیشتر نسبت به موارد فوق به صورت گزاره‌ای به روابط احتمالی طالبان با کشورهای مختلف نگاهی خواهیم داشت.

۱ همسایگان و ایران؛ طالبان در موضع‌گیری‌های خود خواهان رابطه مستمر و بدون تنش با همسایگان شده است. این گروه بر مبنای سیاست تنش‌زدایی اقدام به یک رویکرد مسالمت‌آمیز و به دور از هرگونه برخورد با همسایگان کرده است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران به مثابه مهم‌ترین همسایه افغانستان نقش محوری و ویژه‌ای دارد. جمهوری اسلامی ایران برپایه احترام به حاکمیت ملی افغانستان همواره در این راستا سیاست‌گذاری کرده است. طی سال‌های گذشته ایران با طالبان مراودات سیاسی داشته و این روند با حضور هیئت سیاسی این گروه در تهران مشاهده شد؛ اما طالبان بر مبنای منافع ملی حرکت خواهد کرد و با ایران به گونه‌ای ارتباط برقرار می‌کند که به روابط این گروه با سایر بازیگران همچون آمریکا و عربستان لطمه‌ای وارد نشود. ایده‌آل تشکیل حکومت به دست طالبان یک حکومت سنی منفعت‌گرا است. در واقع طالبان یک گروه با رویکرد منفعتی است که با همه بازیگران ارتباط خواهد داشت و خود را به یک بازیگر محدود نخواهد کرد.

۲ غرب؛ طالبان بارها اعلام کرده است، آمریکا را یک اشغالگر به حساب می‌آورد و اقدامات متعدد نظامی‌ای که علیه آمریکایی‌ها انجام داد، نشان از این رویکرد دارد. رویکرد طالبان نسبت به کشورهای غربی یک رویکرد اقتصادمحور است. از آنجایی که طالبان برای اداره حکومت مرکزی افغانستان به منابع مالی جدید نیاز دارد، یکی از مواردی که این نیاز را برطرف می‌کند، سرمایه‌گذاری خارجی و حضور سایر کشورها در افغانستان است؛ زیرا افغانستان از منابع سرشار معدنی برخوردار است و طالبان به تنهایی توانایی استخراج این منابع را نخواهد داشت. بنابراین نوع نگاه و روابط طالبان با کشورهای غربی روابط اقتصادمحور است و بعضی تحلیل‌ها پیرامون قطع روابط طالبان با این کشورها خلاف واقعیت است. از سوی دیگر در صورت شناخته شدن این گروه از سوی کشورهای غربی، طالبان مراودات گسترده‌ای را در سطوح اقتصادی و سیاسی با این کشورها شروع خواهد کرد.

۳ روسیه و چین؛ چین که از همان ابتدای تحولات یک رویکرد مثبت و تعاملی با طالبان در پیش گرفته است. در همین راستا طالبان اعلام کرده است، مهم‌ترین هم‌پیمان ما در بحث بازسازی افغانستان، چین و ترکیه خواهند بود. البته با خروج آمریکا از افغانستان کاملاً مشهود و معلوم است که چین این خلأ را پر خواهد کرد. البته بیشترین مراودات چین با طالبان در سطوح اقتصادی خواهد بود. روسیه نیز بر مبنای همگرایی با طالبان فعلاً یک رویکرد تعاملی با این گروه اتخاذ کرده و اعلام کرده است، با طالبان همکاری خواهد داشت.

۴ گروه‌های داخلی؛ وضعیت فعلی افغانستان به دور از هرگونه گروه سازمان‌یافته و قدرتمندی است. بیشتر این گروه‌ها یا رهبران آنها فرار کرده‌اند یا در وضعیتی از سکوت قرار گرفته‌اند. در این میان رویکرد طالبان نیز ایجاد فضایی به دور از تنش با این گروه‌هاست.

فراسو

تداوم بی ثباتی

راهبرد آمریکا برای انتخابات پارلمانی عراق

ایوب منادی
کارشناس بین‌الملل

پس از حدود دو سال از شروع تحولات پر شتاب عراق تحت عنوان «انقلاب اکتبر» یا «انقلاب تشرین» و استعفای عادل عبدالمهدی و روی کار آمدن نخست‌وزیر موقت، اکنون با وجود رایزنی‌های گسترده احزاب و گروه‌های سیاسی و پس از دو مرحله تعویق، طبق مصوبه پارلمان، انتخابات زودهنگام این کشور در تاریخ ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر)، برگزار خواهد شد. اگرچه مواضع شخصیت‌هایی، همچون مقتدی صدر و ایاد علاوی نسبت به تحریم انتخابات ممکن است تأثیر منفی بر مشارکت مردم عراق داشته باشد؛ اما تلاش برخی از جریان‌ها برای تعویق دوباره انتخابات خطر بزرگ‌تری است که عراق را بیش از گذشته به ورطه هرج و مرج و بی‌ثباتی نزدیک می‌کند. برگزار نشدن انتخابات در تاریخ مقرر یاد شده ارتباط مستقیمی با منافع جریان‌های همسو با آمریکا در عراق دارد و اظهار نظر جنجالی سفیر آمریکا در عراق در خصوص احتمال تعویق این انتخابات نیز از تمایل آمریکا برای برگزار نشدن این انتخابات خبر می‌دهد. تلاش‌های آمریکا برای تأثیرگذاری بر انتخابات عراق را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱ تعویق انتخابات: زمانی که جریان‌های وابسته به آمریکا متوجه تأمین نشدن منافع‌شان در بازه زمانی کنونی شدند، به دنبال خرید زمان برای ترمیم بدنه اجتماعی خود و جلب اعتماد دوباره مردم هستند؛ این جریان‌ها که پیاده نظام مدنی آمریکا در عراق هستند و در رأس آنها «جوکریسم» یا همان آشوبگران تشرین قرار دارد، در دو سال اخیر رفته رفته با کاهش محبوبیت در عراق مواجه شده‌اند؛ به گونه‌ای که جامعه عراق به پوچ بودن شعارهای آنان در روزهای آغاز تظاهرات و محقق نشدن وعده‌های‌شان پی برده و از آنها قطع امید کرده است؛ به همین دلیل تعویق انتخابات تا زمان مناسب اولویت اول و اساسی این گروه‌ها و حامی آنان، یعنی آمریکاست.

۲ ایجاد ناامنی و بالا بردن هزینه برگزاری انتخابات: در صورتی که جریان‌های مذکور نتوانند در مقابل خواست مردم، گروه‌های مقاومت و مرجعیت که برگزاری انتخابات است، قرار بگیرند، با متشنج کردن اوضاع امنیتی در عراق، سعی در تأثیرگذاری بر انتخابات این کشور خواهند داشت. تأکید بر کلیدواژه «امنیت» در مصاحبه‌ها و سخنان شخصیت‌های مختلف عراقی ناشی از این نگرانی است که اندکی قبل یا بعد از انتخابات عراق یا در روز برگزاری، گروه‌های تحریم‌کننده انتخابات دست به اقدامات ضد امنیتی همچون ناامن کردن حوزه‌های اخذ رأی و خیابان‌ها و ایجاد ترس و وحشت و ناامنی در جامعه کنند که ممکن است به نتایجی همچون به آتش کشیدن صندوق‌های رأی و در نهایت فشار برای ابطال انتخابات منجر شود.

۳ سناریوهای پس از انتخابات: سومین گزینه احتمالی، همراهی با دولت و سایر گروه‌ها در برگزاری انتخابات عراق است، چنانچه پس از برگزاری انتخابات و تشکیل دولت، تلاش گسترده خود را برای برگرداندن اوراق به نفع خود به اجرا می‌گذارند، اگر گزینه مد نظر آنان به قدرت رسید و نتایج انتخابات مطلوب آنان بود، از دولت حمایت می‌کنند و در غیر این صورت با تحریک معارضان، همان سناریویی را که برای اسقاط دولت عادل عبدالمهدی اجرا کردند، دوباره اجرایی کنند.

◆ ◆ ◆

در پایان یادآور می‌گردد که آنچه آمریکا را وادار کرده تا نهایت تلاش خود را برای تأثیرگذاری بر فضای سیاسی- اجتماعی عراق به کارگیرد، فشار گروه‌های مقاومت برای اخراج نظامیان آمریکایی از عراق است که آنها را وادار کرده به موازات خروج نظامی از عراق، تأثیرگذاری خود را برای تعمیق نفوذ خود در آینده عراق افزایش دهند و این مهم نیازمند هوشیاری مردم و مسئولان عراقی است که پس از اخراج اشغالگران از کشورشان، راه را برای بازگشت دوباره آنان به کشورشان تحت عنوان دیگر مسدود کنند.

فروپاشی دهکده پوتمکین

ثمانه اکوان
دبیر گروه بین‌الملل

داستان روسی مشهوری در ادبیات روابط بین‌الملل وجود دارد که می‌تواند وضعیت فعلی در افغانستان و نقش آمریکا در این بی‌نظمی را به‌خوبی توصیف کند. گفته می‌شود، در سال ۱۷۸۷ میلادی، گریگوری پوتمکین، یکی از وزرای دولت روسیه، برای جلب نظر ملکه این کشور و تحت تأثیر قرار دادن او در سفرش به کریمه، دهکده‌ای بسیار زیبا و البته غیرواقعی را در کرانه رود دنیپر ساخت تا ملکه را درباره توانایی‌های خود اغوا کند. اگرچه مورخان جدید معتقدند، در بیان این داستان غلو شده است و ساخت دهکده‌ای زیبا و بزرگ برای جلب نظر ملکه درست نبوده است، اما دهکده پوتمکین، از آن زمان به‌عنوان مثالی در روابط بین‌الملل و سیاست به‌کار برده شد تا نشان دهد، مسئولی برای جلب نظر مردم یا رؤسایش یا حتی کل دنیا، ممکن است دهکده‌ای مصنوعی و دروغین ایجاد کند. با خروج فضاحت‌بار نیروهای آمریکایی از افغانستان و سپردن این کشور پس از ۲۰ سال جنگ و درگیری به طالبان، حالا این سؤال در بسیاری از محافل سیاسی و کارشناسان روابط بین‌الملل مطرح می‌شود که آیا می‌توان گفت افغانستان دهکده پوتمکین آمریکا بود؟ تصویری که آمریکا در زمان حمله جرج بوش به افغانستان برای مردم این کشور به تصویر کشیده بود، بسیار رؤیایی بود. کشوری آزاد، دموکراتیک، بدون حضور نیروهای تروریستی، به همراه کمک‌های بین‌المللی در جهت آبادانی این کشور و رسیدگی به زیرساخت‌هایش. در عمل نیز با حمله به افغانستان و از بین رفتن حکومت طالبان در این کشور، تصور می‌شد این تصویر قرار است به‌زودی به واقعیت تبدیل شود. این تصویر غیرحقیقی تا جایی در رسانه‌ها مطرح‌شده بود که بسیاری در ایران نیز معتقد بودند از چند سال بعد از حمله آمریکا به افغانستان، شاهد برعکس شدن سیر مهاجرت شده و غیر از افغانی‌هایی که به کشورشان بازمی‌گردند، ایرانی‌ها نیز احتمالاً برای کار و فرصت‌های شغلی بهتر به افغانستان سفر می‌کنند! این تصویر به‌زودی جای خود را به تصویر حقیقی دیگری داد. تصویری از دولت به‌ظاهر دموکراتیک، که در اقلیت قرار داشت و چنان دچار اختلافات قومی و قبیله‌ای و مذهبی بود که ناچار بودند بعد از برگزاری هر انتخابات، درواقع دو رئیس‌جمهور برای افغانستان انتخاب کنند و هر دو نیز اتفاقاً در اقلیت محض قرار داشتند. در آخرین دور انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان، دولت اشرف غنی تنها با ۹۰۰ هزار رأی کار خود را آغاز کرد و باقی مردم افغانستان یا در رأی‌گیری شرکت نکرده یا اینکه امیدی به عملکرد مثبت دولت خود نداشتند. آمریکا با هزینه کردن میلیاردها دلار، ارتشی ظاهراً قوی از بین نیروهای افغانی ساخته بود که قرار بود از این دهکده پوتمکینی تا نهایت جان محافظت کنند. کمک‌های کشورهای مختلف دنیا به نظام اقتصادی افغانستان اکثراً از پرونده‌های مفاسد اقتصادی بزرگ سر درمی‌آورد و فساد در ساختار دولتی، امکان رسیدن منابع مالی به زیرساخت‌ها را غیرممکن می‌کرد. دهکده زیبای آمریکایی در عرض تنها ۹ روز به‌یک‌باره جلوی چشم جهانیان از هم پاشید.

طالبان بدون درگیری شدیدی توانست به پایتخت رسیده و بی‌هیچ مقاومتی از سوی نیروهای نظامی به کاخ ریاست‌جمهوری برود و در مقابل دوربین‌های خبری، عکس یادگاری بگیرد. آمریکایی‌ها که در گفت‌وگو با طالبان توافق کرده بودند تا روز ۳۱ اوت از این کشور خارج شوند، حالا باید در مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم از آنها خواهش کنند که فرصت بیشتری برای تخلیه پایگاه‌ها و سفارت‌شان در اختیار آنها بگذارند. سربازان و کارمندان سفارت آمریکا در راه فرودگاه مورد هجوم گروه‌های گوناگون قرار گرفته و حتی از برخی نظامیان طالبان سیلی می‌خورند! دهکده آمریکایی که قرار بود نشان‌دهنده تلاش‌های این کشور برای گسترش دموکراسی در کشورهای مختلف باشد، پس از ۲۰ سال حقیقت خود را نشان داد. این زمان، زمان کمی نیست؛ اما درسی که می‌دهد می‌تواند تا سال‌ها بعد همچنان به‌عنوان مثال و داستانی در تاریخ استفاده شود.

تحلیل

چگونه می‌توان از همه‌گیری بعدی در جهان جلوگیری کرد؟

یافتن شماره صفر

تحلیلگران حوزه سلامت معتقدند برای جلوگیری از پاندمی بعدی در جهان، باید پژوهش‌های وسیعی درباره چگونگی شیوع کرونا در دنیا صورت گیرد و سؤال اصلی در این خصوص باید با دقت تمام پاسخ داده شود: ویروس کرونا چطور به وجود آمد و به سراسر جهان سرایت کرد؟ سازمان بهداشت جهانی و بسیاری از متخصصان بیماری‌های عفونی به دست‌ساز بودن ویروس کرونا معتقد نیستند. اگرچه کشورهایی مانند آمریکا سعی دارند برای ادامه دادن جنگ تجاری خود با چین، از این مسئله استفاده کرده و چین را تحت فشار بگذارند که مسئولیت شیوع ویروس را بپذیرد یا عمدی بودن آن را قبول کند؛ اما پژوهش‌ها بر روی ویروس، دست‌ساز بودن آن را تقریباً به صورت کامل رد کرده‌اند. در این صورت نیز دنیا برای مقابله با تهدید ویروسی بعدی، باید چگونگی شیوع ویروس را بداند تا بتواند مانع گسترش ویروس‌های جدید در آینده شود. برخی از پژوهشگرن اعلام کرده‌اند با وجود اینکه این ویروس دست‌ساز نیست، اما ممکن است حاصل درز پیدا کردن این ویروس از آزمایشگاهی در ووهان چین باشد که بر روی ویروس‌های بدن خفاش کار می‌کرده است. این مسئله می‌تواند کار بر روی پروتکل‌های بهداشتی در آزمایشگاه‌ها را شدت بیشتری بخشیده و پروتکل‌های جدیدی برای این کار در نظر گرفته شود تا از درز ویروس‌های بعدی به بیرون از محیط‌های آزمایشگاهی جلوگیری کند.

با این حال، این تنها چین نیست که باید بررسی و تحقیق کند. تحقیقات صورت گرفته بر روی ویروس کرونا و تعقیب ردپای آن در کشورهای گوناگون نشان داده است، اولین بیمارها در سراسر دنیا نه در ماه ژانویه سال ۲۰۲۰، بلکه از مدتها قبل، یعنی احتمالاً از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۹ به این ویروس گرفتار شده بودند. حتی اولین بیمار کرونایی در آمریکا نیز همان کسی نبوده است که گمان می‌شد در ژانویه سال ۲۰۲۰ به این ویروس مبتلا شده است. ریشه‌یابی این ویروس و پیدا کردن بیماران شماره صفر در تمام دنیا می‌تواند به تحقیقات در زمینه کنترل اشاعه ویروس‌ها کمک بسیار زیادی کند.

گزارش

تجربه سیاست کووید سفر در نیوزیلند

پیروزی قرنطینه

نیوزیلند دو هفته پیش سیاست «کووید سفر» خود را بار دیگر به نهایت خود رساند و با مشاهده یک نمونه بیمار کرونایی در این کشور، دوباره کل کشور را به قرنطینه برد. منتقدان جاسیندا آردرن، نخست‌وزیر این کشور اعلام کرده‌اند، او عقل خود را از دست داده است و برنامه‌اش برای مقابله با کرونا، «کابوسی بی‌پایان» برای مردم این کشور است.

با این حال حامیان سیاست فعلی معتقدند، عملکرد مثبت و موفق نیوزیلند در مقابله با کرونا مرهون همین سیاست‌های سختگیرانه است و اگر این سیاست‌ها نبود، این کشور نیز مانند آمریکا یا سایر کشورهای دنیا که در رتبه اول قربانیان کرونا قرار دارند، همچنان به دنبال راه حلی برای علاج این مسئله بود.

اما در حقیقت، مسئله پیچیده‌تر از این انتقادات و تعاریف است. نیوزیلند در حالی سیاست تهاجمی علیه کووید را دنبال می‌کند که تا کنون این سیاست جواب داده و البته با خود هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کمی به دنبال داشته است.

در حقیقت، سؤال اصلی اینجاست که اگر قرنطینه‌ها و این سیاست تهاجمی با هر موج جدید کرونا بخواهد ادامه پیدا کند، آیا کشور دوباره با همین آرامش به سمت قرنطینه کردن خواهد رفت و در صورتی که وضعیت کرونا به ثبات برسد و متوجه شویم که در هر صورت نمی‌توانیم سیاست «کووید سفر» را اجرایی سازیم، آیا سیاست دیگری برای مواجهه با این مسئله وجود دارد؟

کشورهای مختلف در دنیا به آزمایشگاه‌هایی برای تحقیق در خصوص سیاست‌های مقابله با پاندمی تبدیل شده‌اند و نیوزیلند و استرالیا با سیاست‌های تهاجمی و البته تاحدی اقتدارگرایانه، از انواع سیستم‌هایی هستند که تاکنون کم و بیش موفقیت خود را به نمایش گذاشته‌اند؛ اما در صورتی که پاندمی با شکل جدیدی روبه‌رو شود و واکسن‌ها نتوانند کاری از پیش ببرند، بسته نگه داشتن مرزها و قرنطینه‌های گاه و بیگاه نمی‌تواند کمکی به نظام سیاسی و اقتصادی این کشورها کند و راه حل این دو کشور تا حد زیادی مقطعی و غیر قابل اجرا برای سایر کشورهای دنیا به نظر می‌رسد.

سندروم هاوانا

سفر معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ویتنام به دلیل احتمال شیوع محتمل «سندروم هاوانا» به تعویق افتاد. «مسئله غیرعادی سلامت» اصطلاحی است که دولت آمریکا اغلب برای توصیف «سندروم هاوانا» به کار می‌برد. شخص درگیر به این سندروم با علایمی، مانند سرگیجه، تهوع، میگرن و نقص حافظه مواجه می‌شود. دلیل این نامگذاری این است که این ناهنجاری اولین بار از سوی مقامات آمریکایی مستقر در سفارت آمریکا در کوبا در سال ۲۰۱۶ گزارش شد. «ویلیام برنز» رئیس سازمان سیا گفته بود ۱۰۰ مأمور امنیتی و ا خانواده آنها به سندرم هاوانا مبتلا هستند. گفته می‌شود پرتوهای انرژی هدایت‌شده یا مایکروویوها باعث ایجاد این سندرم می‌شوند.

قطع روابط با مغرب

سفر «یائیر لاپید» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی به مراکش و عادی‌سازی روابط مراکش و این رژیم، باعث ایجاد انتقاداتی از سوی الجزایر شده است و وزیر خارجه الجزایر ضمن انتقاد از عادی‌سازی روابط مغرب و رژیم صهیونیستی گفت، الجزیره سیاست‌های یکجانبه رباط را نمی‌پذیرد. او در واکنش به این سفر گفته بود «روشن است که مغرب از اصولی دست برداشته است که روابط الجزایر با مراکش را عادی می‌کند.» وزیر خارجه الجزایر با اشاره به صحبت‌های لاپید در مراکش علیه الجزایر گفته است: «از سال ۱۹۴۸، هیچ وزیر اسرائیلی از هیچ کشور عربی، علیه یک کشور عربی دیگر، اظهارات خصمانه مطرح نکرده است.»

پرهیز از تقابل با افغانستان

پوتین انتقاداتی را متوجه بایدن کرد و گفت، در نتیجه سیاست‌های بایدن در افغانستان، مرزهای روسیه نیز ناامن شده است. او با این حال گفت، مسکو از نزدیک وضعیت افغانستان را زیر نظر دارد؛ اما در امور داخلی آن دخالت نمی‌کند. رئیس جمهور روسیه افزود: «نیروهای مسلح ما نیز وارد این مناقشه «همه علیه همه» نخواهند شد. من فکر می‌کنم این همان چیزی است که در آنجا در جریان است. اتحاد جماهیر شوروی تجربه خاص خود را در افغانستان دارد. ما این درس را آموخته‌ایم.» پیش از این، «دیمیتری پسکوف» سخنگوی کرملین به رسانه‌ها گفت، مسکو قصد ندارد در منازعه بین طالبان و نیروهای مقاومت در این منطقه مداخله کند.

پیشخوان

افتضاح بایدن

هفته‌نامه «اکونومیست» جلد شماره اخیر خود را به ماجرای خروج نظامیان آمریکایی و همکاران افغانی‌شان از کابل اختصاص داده و تیتر «افتضاح بایدن» را برای این شماره خود انتخاب کرده است. در گزارش مربوط به این تیتر آمده است، اگر مبلغان طالبان می‌خواستند در خیال خود روزی را ترسیم کنند که آمریکایی‌ها از این کشور خارج می‌شوند و می‌خواستند این کار به افتضاح‌ترین و شرم‌آورترین اتفاق تاریخ آمریکا تبدیل شود نیز نمی‌توانستند حوادث را به این بدی‌ای که در واقعیت اتفاق افتاد، تجسم و تصور کنند! این مبلغان نمی‌توانستند تصویری وحشتناک‌تر و دلخراش‌تر از چیزی را که در واقعیت اتفاق افتاد، ارائه کنند! واقعیت این است که آمریکا دو تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرد و بیش از ۲ هزار نفر از نیروهایش نیز در جنگ ۲۰ ساله جان خود را از دست دادند. این در حالی است که این لشکرکشی عظیم که در نهایت به مرگ بسیاری از مردم افغانستان نیز منجر شد، نتوانست آمریکا را به نتیجه دلخواهش برساند و بعد از ۲۰ سال تلاش و هزینه کردن، با این اوضاع اسف‌بار مجبور به ترک این کشور شد.

سرنوشت پناهجویان

روزنامه «ایندیپندنت» هفته گذشته گزارش جالبی داشت از سرنوشت کسانی که با تمام درگیری‌ها و سختی‌ها توانسته بودند خود را به هواپیماهای آمریکایی یا انگلیسی در فرودگاه کابل برسانند و از افغانستان فرار کنند. پنتاگون نیز خبر داده بود سرعت خارج کردن آمریکایی‌ها و همکاران افغانی‌شان از کابل را بالا برده است و برای نمونه تنها در ۲۴ ساعت، موفق به خارج کردن ۴۶ هزار نفر از این کشور شده است. اما طالبان شکایت کرده است که بسیاری از این افراد نه جان‌شان در خطر است و نه محدودیتی برای زندگی در افغانستان دارند و نه حتی همکاری‌ای با آمریکایی‌ها داشته‌اند، بلکه آمریکا در حال خارج کردن نخبگان اقتصادی و صنعتی از این کشور است. اما آنطور که به نظر می‌رسد همه این افراد نیز به آمریکا برده نمی‌شوند و دولت بایدن تصمیم گرفته است در مرحله تأیید نهایی صلاحیت این افراد، آنها را در پایگاه‌های این کشور در قطر و آلمان نگهداری کند یا آنها را به کشورهای دیگری نظیر اوگاندا بفرستد. دولت بایدن در داخل این کشور نیز درگیر جنگ با جمهوری‌خواهان است؛ زیرا آنها اعتقاد دارند نباید به هیچ یک از افغانستانی‌ها پناهندگی داده شود؛ به همین دلیل سعی دارد کشورهای سوم را قانع کند که برای مدتی پذیرای مهاجران افغان باشند.

نگاهی به سیاست‌گذاری اقتصادی کشور پس از انعقاد برجام در گفت‌وگوی صبح صادق با رئیس سابق سازمان توسعه تجارت

امید به غرب و فراموشی راهبردی

میلاد شکری
خبرنگار

یکی از اقدامات مورد نیاز در راستای اداره کشور بدون نیاز به درآمدهای نفتی، ترویج و تقویت صادرات غیرنفتی و تمرکز بر ظرفیت بازار کشورهای همسایه است. در واقع، هر چقدر میزان تولید یک کالا در کشور افزایش یابد و در واقع کالا با نگاه صادرات‌محور تولید شود، هزینه تمام شده آن کالا کاهش خواهد یافت. صبح صادق در گفت‌وگویی با حمید صافدل، معاون اسبق وزیر صمت و رئیس سابق سازمان توسعه تجارت این موضوع را بررسی کرده است.

ابتدا تحلیلی از وضعیت موجود بفرمایید، به نظرتان عملکرد دولت طی هشت سال گذشته در حوزه توسعه تجارت خارجی و دیپلماسی اقتصادی چگونه بوده است؟

دولت یازدهم تا حدودی توانست گام‌های خوبی به سمت دیپلماسی اقتصادی بردارد و می‌توان گفت، متناسب با شرایط موجود حرکات خوبی در این زمینه صورت گرفت؛ اما در همین مقطع یک ایراد جدی به دولت وارد بود و آن اینکه شرکای سنتی ما که در زمان تحریم‌ها هزینه‌های زیادی برای‌شان درست شده بود، از سوی دولت به دست فراموشی سپرده شد و نگاه ما به طور کامل به سمت غرب رفت؛ یعنی در توسعه دیپلماسی اقتصادی شرق کمرنگ و آمریکای لاتین به کلی فراموش شد، در حالی که در آمریکای لاتین در بخش‌های صنعت، معدن و شرکت‌های تجاری و... زیرساخت‌های خوبی ایجاد شده بود؛ اما متأسفانه به دلیل امیدواری فراوانی که دولت ما به ارتباط با آمریکا و اروپا داشت، به دست فراموشی سپرده شدند. در شرق هم ارتباط با کشورهایی، مانند چین و هند نسبت به گذشته کمرنگ‌تر شد؛ از نظر من اینها ایرادات مهمی بود که ما گرفتار آن شدیم. در چهار ساله دوم هم به دلیل شرایطی که به واسطه برگشت و تمدید تحریم‌ها و همه‌گیری کرونا داشتیم، دیپلماسی فعال به انفعال کشیده شد. البته بنا بود دولت برگشتی در نگاه خود داشته باشد و نگاه را از غرب به شرق برگرداند؛ ولی متأسفانه کرونا زاییده شرق بود و فرصتش هم به خوبی فراهم نشد. بنابراین در این بخش هم خیلی ضعیف عمل کردیم.

بارها شرایطی برای کشور ما فراهم شد که بازارهایی چون روسیه، آذربایجان، ارمنستان، قطر و... به‌دلیل مسائل سیاسی این کشورها با سایر کشورها نیازمند کالاهای ایرانی بودند؛ اما با وجود ایجاد این شرایط، ایران نتوانست از فرصت ایجاد شده استفاده کند. به نظر شما مشکل کار کجاست؟

تجارت در دنیا بر مبنای واقعیت‌ها شکل گرفته و بستر فرصت‌ها و تهدیدهاست؛ اما متولیان سیاست تجاری و صاحبان تجارت باید از هوش و ذکاوتی برخوردار باشند که در مسیر فرصت‌ها قرار بگیرند. در بسیاری از کشورها مرسوم است که از دور اتفاقی را رصد می‌کنند و بر اساس فرصت، تهدید یا پذیرش ریسک خودشان را در مسیر استفاده از آن قرار می‌دهند. در کشور ما قدرت انعطاف‌پذیری در حوزه لجستیک تجاری بسیار سنگین و سخت است. برای نمونه، زمانی که در مصر آن اتفاقات افتاد ما به دنبال ارسال رایزن به آنجا بودیم، ولی فاصله بین این تصمیم تا انتخاب فرد مورد نظر، به قدری طولانی شد که فضای مصر تغییر کرد و اصلاً وارد بستر دیگری شدیم و دیگر امکان معرفی آن نفر نبود. اتفاقی هم که در رابطه میان روسیه و ترکیه و مشکلات عربستان با کشورهای خلیج‌فارس افتاد اگرچه برای ما فرصت‌های جدیدی ایجاد کرد، اما سرعت لجستیک ما طوری نبود که بتوانیم از این فرصت‌ها استفاده کنیم. اگرچه در آن مقطع طرح‌هایی را در اختیار قطر قرار دادیم تا از شرایط سخت تحریمی خارج شود، اما متناسب با امتیازی که به قطر دادیم نتوانستیم از فرصت ایجاد شده استفاده کنیم که بخشی از این موضوع به زیرساخت‌ها و ساختارهای‌مان بر می‌گردد. امروز در کشورهای دنیا رایج است که سیاست به سمت فرصت‌های تجاری انعطاف پیدا می‌کند؛ در حالی که در کشور ما سال‌هاست تجارت از بخش سیاسی تبعیت می‌کند و در جاهایی هم که هزینه‌هایی در حوزه سیاسی داریم، متناسب با آن از فرصت تجاری‌اش استفاده نمی‌کنیم. مکان جغرافیایی تجارت ما در شرایط تحریمی تابعی از قابلیت دسترسی به ارز است؛ یعنی در شرایطی که تجارت نفت به سمت شرق است، اگر سیاست‌گذارها به تجارت با غرب تمایل داشته باشند، جریان ارز در یک بستر جغرافیایی جاری می‌شود، اما توقع برای توسعه تجارت در بستر دیگری است و این به عدم انطباق می‌انجامد. باید سیاست‌های ارزی، پولی، مالی، بانکی و سیاست‌های دیپلماسی با هم منطبق باشند. وقتی در یکی از کشورهای همسایه وارد بستر جدیدی می‌شویم، متناسب با هزینه و فایده‌هایی که داریم باید تجارت را هم به عنوان یک خواسته مطالبه کنیم که متأسفانه به دلیل آمادگی نداشتن در سه حوزه مذکور برای انعطاف یا تفاوت بستر فروش نفت و توقع توسعه تجارت مغایرت حادی رخ داد.

بحث دیگری که وجود دارد کندی در اجرای سیاست‌های تجاری است، یعنی در مقاطعی، حوزه‌های مختلف در اجرای یک تصمیم یا سیاست اتفاق نظر دارند، اما به‌حدی طول می‌کشد و به روزمرگی می‌افتد که شاید حتی فرصت موجود به تهدید تبدیل شود یا اصلاً صورت مسئله تغییر کند. در زمینه ترکیه و روسیه در مقطعی بستن تجارت خارجی ما برای دسترسی به بازارهای روسیه به ارتباط با آذری‌زبان‌های داخلی یا اهالی کشور آذربایجان متکی بود، وقتی همان آذری‌زبان‌ها در حوزه آذربایجان و ترکیه به رقیب ما تبدیل شدند، با آنها تعارض منافع پیدا کردیم و نتوانستیم جایگزین مناسبی برای شرایط پیدا کنیم و تا بخواهیم خودمان را با شرایط جدید، ساختار و شرکت‌های نو و حتی استانداردها منطبق کنیم، زمان زیادی از دست می‌رود. باید این واقعیت را بپذیریم که بازار روسیه یا حتی ارمنستان با استانداردهای اروپایی تعریف شده است. صادر کننده‌ای که به سادگی به یکی از کشورهای همسایه در حوزه‌های شرق و غرب دسترسی دارد، به راحتی نمی‌تواند به بازار روسیه و حتی ارمنستان دسترسی پیدا کند؛ چون بخش قابل توجهی از تجارت روسیه با استانداردهای اروپایی تعریف شده است و اگر ما نتوانیم این استانداردها را تعریف کنیم، طبیعی است که از این بازارها ساقط شویم.

به نظرتان طی سال‌های گذشته معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه چقدر کنار دیپلماسی اقتصادی و تجار و صادرکنندگان ما قرار داشت؟

چون من در هشت سال گذشته مسئولیت مستقیمی نداشتم، بحث را به این سال‌ها محدود نمی‌کنم؛ اما در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توانند مؤثر باشند یا نه، به نظرم حتماً می‌توانند مؤثر باشند. این تجربه در سطح دنیا چه در سطح رایزن و چه در بحث سطح سفیر جواب داده است. سال‌های سال در کشورهای مختلف دنیا نگاه به سفیر صرفاً نگاه به کسی بود که آنجاست تا روابط سیاسی را تنظیم کرده و مطبوعات را ترجمه و اخبار آن کشور را به داخل کشور خودش منعکس کند؛ ولی امروز این نگاه عوض شده است، زمانی که من به عنوان رئیس سازمان توسعه تجارت مسئولیت داشتم، به خاطر دارم که نخست‌وزیر هند با یک هیئت بلندپایه بخش خصوصی به ایران آمد و از لحظه به لحظه این سفر استفاده می‌کرد تا هیئت همراهش را رصد کند؛ آنهایی را که در حوزه مواد غذایی، صنعت یا مواد اولیه بودند، وصل کرده و برای‌شان شریک تجاری پیدا کند. در همین مقطع، قبل از اینکه رئیس‌جمهور ترکیه تغییر کند هر بار که ایشان به ایران سفر می کرد، هیئت بلند پایه ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری وی را همراهی می‌کرد. سفیر در کشورهای مختلف نقش ویژه‌ای است و در حوزه بلاروس، آمریکای لاتین و روسیه ما پایه‌گذار یک نوع رابطه بودیم. مقاطعی را رصد کنید که برای نمونه ایران خودرو در جایی موفق به سرمایه‌گذاری شده است یا در کشوری کارخانه آرد زده‌ایم یا برای مثال موفق شدیم بخشی از خدمات لجستیک و قطعات خودرویی آن کشور را تأمین کنیم. در این مقاطع چه کسی سفیر بوده است؟ قطعاً سفیر در روابط، ایجاد پیوند، حمایت از بستر و حضور در مذاکرات نقش داشته است. مجموعه سیاست‌های پولی، مالی، ارزی، بانکی و دیپلماسی‌مان باید با هم منطبق باشند؛ یعنی ما در حوزه‌ای قرار می‌گیریم و سفیر به عنوان پیشقراول، گزارشی را می‌خواند و می‌گوید بستری وجود دارد و آن را حمایت می‌کند. آن موقع بقیه بخش‌های کشاورزی، بانکی، صنعت، معدن و بخش‌های مختلف باید این گزارش را رصد و تحلیل کرده و از این بستر آماده استفاده کنند.

به نظرتان مهم‌ترین اقدام دولت سیزدهم در این حوزه باید چه اقدامی باشد؟

من فکر می‌کنم مهم‌ترین بحث به تعیین تکلیف ساختار بازرگانی کشور و تجارت خارجی بر می‌گردد. ما هنوز به مدل ایده‌آل در ساختار بازرگانی خارجی نرسیده‌ایم، سال‌های سال است که زمزمه می‌شود دو وزیر برای صنعت و بازرگانی معرفی شوند یا اینکه با همین مدل صنعت، معدن و تجارت پیش برویم. مدل ایده‌آلی هم در زمان تدوین قانون برنامه مطرح بود که بخش تجارت خارجی را در ادغام با سرمایه‌گذاری، تابعه وزارت امور خارجه قرار دهیم یا تابعه نهاد ریاست‌جمهوری باشد. هنوز به مدل بومی منطبق بر ساختارهای‌مان نرسیدیم. این باید تعیین تکلیف شود و خواهش من این است که دولت سیزدهم خودش را وارد این چالش نکند. همین ساختار موجود را تأیید و تقویت کرده و ضعف‌هایش را پیدا کند. حوزه تجارت خارجی ما همیشه از دو ضعف مهم، یکی ارز و دیگری بودجه رنج برده است. اگر بخواهیم ساختار را درست کنیم، باید موضوع ارز را تعیین تکلیف کنیم. در بخش ارز دو مشکل اساسی داریم؛ یکی نقل و انتقال ارز که متأثر از سیاست‌های کلان کشور و حتی فراتر از حوزه بانک مرکزی است. باید بسترهای لازم برای نقل و انتقال پول فراهم شود که بخشی به تعاملات بین‌المللی و بخشی به توسعه روابط یا روابط چندجانبه، استفاده از اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌گردد. در واقع وقتی ارز تجارت جهانی ما چمدانی جابه‌جا می‌شود، نباید انتظار داشته باشیم از این سطحی که در آن قرار داریم، به صورت جهشی بالا برویم. نکته بعدی که تأکید زیادی روی آن وجود دارد هدف‌گذاری‌های تجاری در حوزه تجارت خارجی است که در آن به تعامل بالایی نیاز داریم. کسی که در این حوزه رئیس دستگاه یا معاون وزیر صمت می‌شود، باید قدرت تعامل با حوزه مدیریت برنامه‌ریزی و بودجه کشور را داشته باشد تا بتواند مشکلات بودجه‌ای را حل کند. همچنین باید قدرت تعامل با بخش خصوصی را داشته باشد تا بسترساز توسعه فعالیت‌های این بخش شود.

یادداشت

اولویت‌های وزیر کار

حمید حاجی‌اسماعیلی
فعال بازار کار

یکی از مشکلات جامعه کارگری در ایران این است که قسمت عمده‌ای از کارگران ما در کارگاه‌های غیر رسمی مشغول به کار هستند. بر اساس جمع و تفریق و محاسباتی که بنده انجام داده‌ام، جمعیت این کارگران بالغ بر ۴ میلیون نفر است ـ البته در محاسبات برخی از دوستان حتی به ۷ میلیون نفر نیز اشاره شده است ـ این ۴ میلیون نفری که من به آن رسیده‌ام از حداقل‌های قانونی خودشان هم محروم هستند که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت سیزدهم در حوزه کارگری و حمایت از این قشر می‌تواند شناسایی کارگاه‌های غیر رسمی و رفع موانع آنها برای رسمی شدن باشد. در واقع علاوه بر افرادی که خواهان شغل هستند، اما بنا به دلایلی امکان یافتن شغل را نداشته و به اصطلاح «بیکار» نامیده می‌شوند، بخشی از افراد نیز در بازار کار ایران حضور دارند که در کارگاه‌های غیر رسمی مشغول به کارند و طبیعتاً از امکانات و مزایای قانونی نیروی کار محرومند. دولت باید بررسی کند که چرا این کارگران به صورت غیر رسمی فعالیت می‌کنند. اگر مشکل این است که کارفرما توان پرداخت حق بیمه نیروی کار را ندارد، باید از کارفرما حمایت شود. اما در عمل مشاهده می‌کنیم متولی وضعیت کار در کشور یعنی وزارت کار می‌گوید ما در کشور فلان مقدار کارگاه غیررسمی داریم! اگر قرار است وزارت کار و رفاه نیز مانند سایر نهادها فقط آمار این مراکز را اعلام کرده و به سادگی از آن عبور کند، پس چه کسی قرار است مشکل این کارگاه‌های غیر رسمی را بررسی کند؟ ضمن اینکه این کارگاه‌ها و کارگران غیررسمی نیز جای دوری نیستند و عمده این کارگاه‌ها جلوی چشم ما هستند؛ به گونه‌ای که اگر در هر کدام از خیابان‌ها گشتی بزنیم، حداقل ۲۰ کارگاه غیررسمی پیدا می‌کنیم که کارگرانش بیمه نشده‌اند که ما به اصطلاح به آن کارگاه‌های زیرزمینی می‌گوییم؛ از این رو باید دولت توجه ویژه‌ای به اشتغال مولد و تولید محور با هدف ایجاد اشتغال و امنیت شغلی داشته باشد؛ چرا که قطعاً ایجاد اشتغال مولد می‌تواند به اشتغال کشور کمک کرده و امنیت شغلی را تا حدودی تأمین کند. هرچند معتقدم متأسفانه با توجه به الگوهای سرمایه‌داری که در کشور ما اجرا می‌شود، همواره آقایان به صورت دستوری هم که شده توازن عرضه نیروی کار را نسبت به تقاضای نیروی کار به نفع سرمایه‌دار نگه خواهند داشت. موضوع دیگر لغو مقررات ویژه اشتغال در مناطق آزاد تجاری است که در حال حاضر یکی از جدی‌ترین مطالبات جامعه کارگری به شمار می‌آید. این مناطق در سال‌های گذشته عملکرد نادرستی داشتند و یکی از مشکلاتی که منجر به اعتراضات کارگران در مناطق جنوبی کشور شده، مقرراتی است که به نحوی انواع و اقسام کارهای غیرقانونی را در این مناطق صورت می‌دهد و بازرس کار نیز اجازه ورود به قضیه را ندارد، چرا که مناطق آزاد برای خودشان بازرس استخدام می‌کنند، در حالی که چنین چیزی کاملاً غیرقانونی است. بازرسی جزء مشاغلی نیست که هر نهادی بتواند برای خودش ایجاد کند؛ بلکه با توجه به نقشی که بازرس به عنوان ضابط قضایی دارد انتخاب بازرس قطعاً باید ساز و کار مخصوص به خودش را داشته باشد؛ لذا وزارت کار باید روی این مناطق نظارت کامل داشته باشد.

منهای نفت

فرض راهگشا

سال‌های اخیر را می‌توان زمان مناسبی برای کاهش وابستگی بودجه به نفت دانست، اگر ما در طول یک دهه گذشته چند پالایشگاه مانند ستاره خلیج‌فارس ساخته بودیم، اکنون به صادرات نفت خام نیازی نداشتیم و با صادرات بنزین این پالایشگاه‌ها عایدی کشور از این صادرات بسیار بیشتر از درآمد نفت بود.

یکی از راه‌های برون‌رفت از وضعیت فعلی این است که باید تصور کنیم کشور تا مدت‌ها در تحریم خواهد ماند. دولت برای سال جاری بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه خواهد داشت که با کاهش معافیت‌های مالیاتی و مقابله با فرار مالیاتی می‌تواند این کاهش درآمد را تا حدی جبران کند.

شاخص

صادرات ال پی جی ایران

به گزارش «هلنینگ شیپینگ»، منابع تجاری می‌گویند که صادرات ال‌پی‌جی ایران بین ماه‌های جولای تا آگوست به بالاترین میزان در دو سال گذشته رسیده و این کشور ۵۰۰ هزار تن ال‌پی‌جی صادر کرده است.

دلیل افزایش صادرات ایران افزایش تقاضای چین برای خرید محصولات پتروشیمی بوده است. برخی منابع می‌گویند حتی صادرات گاز ایران بیشتر از این بوده و این روند تا پایان سال ۲۰۲۱ ادامه خواهد داشت؛ چراکه هم تولید ایران افزایش یافته و هم تقاضا برای خرید این محصول از ایران در بازار جهانی بالا رفته است. که یکی از مشتریان اصلی آن چین بوده است.

افزوده

زمان ریسک چیست؟

در اقتصاد، مهندسی ریسک مربوط به حالتی است که پروژه‌ها آنطور که برنامه‌ریزی شده بودند، رفتار نمی‌کنند. ضمن اینکه بررسی‌های اقتصادی با توجه به اینکه حداقل درصدی ریسک جزء لاینفک هر تصمیمی است، مورد بحث قرار می‌گیرد. ریسک در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نسبت به کوتاه‌مدت مشهودتر است. تحلیل ریسک زمانی قابل انجام است که پارامترها در آینده تغییر کنند و احتمال وقوع این تغییرات نیز بررسی شود. طرح‌ها در دنیای واقعی همیشه از قطعیت پیروی نمی‌کنند و تغییر و تحول جزء جدا نشدنی آنهاست. مشخصه‌های عملیاتی ماشین‌های مختلف و عوامل اقتصادی و سیاسی، از جمله عواملی هستند که در تغییر پارامترهای آینده مؤثرند.

منبر

تربیت نسل حسینی (ع)

گفتاری از حجت‌الاسلام محمد برمایی

واژه «نسل»، کلمه‌ای کاملاً استراتژیک در حوزه اجتماعی بوده و در بین قدرت‌های جهانی، این مسئله که چه نسلی با چه کیفیت و کمیتی تربیت شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نسل در ادبیات ایرانی و رویکرد دینی ایرانیان همواره مورد توجه قرار گرفته و اساساً دین در تربیت و رشد نسل و کیفیت سبک زندگی بسیار مؤثر است. وقتی از نسل صحبت می‌شود، جدای از کمیت به رویکرد نیز باید توجه شود؛ اینکه نسل با چه سبک زندگی و رویکردی رشد پیدا می‌کند. بنابراین به هر میزان رویکرد و نظام ارزشی یک نسل مبتنی بر یک مکتب، مذهب و نظام ارزشی متعالی باشد، قاعدتاً آن نسل به همان مقدار از رشد کیفی‌تر، بالاتر و خاص‌تر برخوردار خواهد بود. بر همین اساس زمانی که از نسل حسینی سخن به میان می‌آید، آن رویکرد هدایت‌گری و نگاه به سبک زندگی که نسل را هدایت می‌کند از اهمیت بالاتری برخوردار است. «نسل» به خودی خود قدرت است، اما اینکه آن نسل دارای چه شاخصه‌ها، فضایل و رویکردهایی در زندگی است، می‌تواند آن قدرت را مضاعف یا حتی تضعیف کند. نسل حسینی به هر میزان اهدافش نسبت به گستره هستی و دنیا بزرگ‌تر و متعالی‌تر باشد، به همان مقدار این نسل برای رسیدن به آن اهداف لایق‌تر خواهد بود. در ایران اسلامی که نگاه به انتظار و جامعه مهدوی از اهمیت بالاتری برخوردار است، نسل حسینی باید خود را برای تحقق اهداف انتظار، تعالی دین و نظام ارزشی و مقدس انقلاب اسلامی آماده و نزدیک‌تر کند تا منشأ خیر و برکات باشد. عصاره تربیت دینی در وجود مقدس حضرت حسین‌بن‌علی(ع) و نهضت عاشورا خلاصه می‌شود، برای همین آن نسلی که در مجاورت و مؤانست عاشورا بزرگ شود و رشد پیدا کند، جامعه منتظر به اهداف خود نزدیک‌تر می‌شود؛ نسل حسینی در همه عرصه‌ها قابل اعتماد است. ریشه همه تربیت‌ها و متعالی‌ترین حوزه اجتماعی در جامعه اسلامی، خانواده است. خانواده حسینی که تربیتش مبتنی بر مبانی اسلام و عاشوراست، چنین خانواده‌ای فرم و فرآیند تشکیلش هم خاص است؛ بر این اساس لازم است خانواده حسینی با یک «بلوغ معنوی» بالا شکل بگیرد؛ چرا که انسان نمی‌تواند در خانواده‌ای کاملاً مادی، مفاهیم و معانی معنوی را درک کند... خانواده زمانی می‌تواند نسل حسینی تربیت کند که زوجین شالوده این زندگی مشترک را با بلوغ معنوی بالا و یکسان بنا نهاده باشند؛ بر این اساس یکی از شباهت‌هایی که یک زوج هنگام ازدواج باید به آن توجه کنند، بلوغ معنوی است. شباهت بلوغ معنوی شامل سه بخش می‌شود که یکی از آنها شباهت در باورهای مذهبی است.

مکتب

عامل پربرکت شدن زندگی چیست؟

سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

همه انسان‌ها در طول تاریخ برای ایجاد یک زندگی خوب در تلاش بوده و هستند و به این اصل تکیه داشته‌اند که نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود. لزوم کار و حرکت از قواعدی است که همه به آن گرایش دارند؛ به گونه‌ای که هر آبادانی در دنیا را با کار و تلاش، حرکت و مداومت و زحمت کشیدن برای رسیدن به هدف می‌دانیم. گاهی هم می‌شود که ما کارمان را برای رسیدن به نقطه مدنظر و جایگاه مطلوب کافی نمی‌بینیم و علاقه داریم یک نیروی قوی‌تر به کمک‌مان بیاید و ما را در رسیدن به مطلوب‌مان یاری کند.

ما در حین حرکت و تلاش و پس از آن برای به‌ثمر نشستن زحمات خود از خداوند متعال کمک می‌خواهیم و او را نیرویی قوی‌تر در یاری همه موجودات می‌شناسیم. این کمک و یاری خداوند برای رسیدن به مقصد و برای بیشتر شدن نتیجه دست‌رنج را «برکت» می‌نامیم.

به همین دلیل اصطلاحی داریم که می‌گوید: «از تو حرکت از خدا برکت»؛ یعنی برکت خداوند زمانی شامل حال انسان‌ها می‌شود که آنان حرکت و تلاش داشته باشند. این برکت در دین اسلام چه معنایی دارد؟ در چه زمانی برکت خداوند شامل حال انسان‌ها می‌شود؟ اولاً باید بدانیم خداوند روزی همه انسان‌ها را به اندازه کفایت‌شان می‌رساند، اما آنان که نعمت‌های مادی و معنوی بیشتری می‌خواهند، از خداوند درخواست برکت دادن به تلاش‌شان را دارند.

ثانیاً کسانی که اهل معرفت هستند، هر قدمی را که برمی‌دارند، به خداوند و فضل او و کمک او نسبت می‌دهند و برای خود هیچ چیزی درنظر ندارند. برکت یکی از مفاهیم دینی است که در قرآن و روایات نکات فراوانی در مورد آن گفته شده است و معنای آن افزونی خیر و سود است که خداوند برای بندگان باتقوا در نظر می‌گیرد. همچنین به‌معنای ثبات و دوام خیر در هر چیزی است. مفسران قرآن کریم آن را «خیر نافع» می‌دانند.

علامه طباطبایی(ره) می‌گوید: «برکت، امری نسبی است و در هر چیزی به حسب هدفی است که در آن نهفته است.»(المیزان، ج۷، ص۳۹۰) از تعریف برکت در میان اندیشمندان می‌فهمیم که ثبات و دوام در نعمت جزء اصلی برکت است؛ یعنی ما کاری انجام می‌دهیم که در کوتاه‌مدت اثر آن از بین می‌رود؛ ولی خداوند تفضل می‌کند و آثار خوب و معنوی فعل ما را تداوم می‌بخشد.

خداوند در قرآن برکتش را مخصوص اهل تقوا می‌داند و می‌فرماید: «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»(اعراف/۹۶) باتوجه به این آیه در تعریف برکت بی‌انتها بودن را هم باید اضافه کنیم. در کل هرچیز از سوی خداوند باشد، بی‌نهایت می‌شود و هر چیزی که به قدرت او متصل بشود، لایتناهی است. دعایی که ملائکه در حق حضرت ابراهیم(ع) داشتند هم اشاره به همین موضوع دارد که در برکت «رشد، گسترش، توسعه و افزایش، همراه با خیر معنوی و مادی» موجود است، آن‌هم بدون انتها، آن دعا این است: «رَحْمَتُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است.(هود/۷۳) دعایی برای نسل حضرت ابراهیم(ع) که آثار آن را دیده و می‌بینیم.

همان‌طور که اشاره شد آنچه سبب نزول برکات و نعمات است، تقوای الهی است؛ یعنی وقتی انسان‌ها مطیع امر خداوند باشند، او به کمترین حرکت‌ها بیشترین و بادوام‌ترین نتایج را می‌دهد؛ به‌طوری که همه انسان‌ها از آن متنعم شوند و به آن برسند.

برای نمونه، هنگامی که انصاف و لطف و قناعت در میان مردم زیاد شود، برکات هم زیاد می‌شود. این به این معنا نیست که کمتر استفاده کنیم تا محصول‌مان کم نشود؛ یعنی وقتی مردم دغدغه آسایش و آرامش هم‌نوعان و مخلوقات خداوند را داشته باشند، خداوند هم نعمت‌هایش را زیاد می‌کند، به‌عبارتی اگر در حالت عادی از یک دانه گندم یک‌صد گندم بروید، در حالتی که انسان‌ها تقوا داشته باشند، این تعداد افزوده می‌شود.

این نکته‌ای است که قرآن به آن اشاره کرده و می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذينَ يُنفِقونَ اَموالَهُم فی سَبيلِ اللّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةَ حَبَّةٍ وَ اللّهُ يُضاعَفُ لِمَن يَشاءُ وَ اللّهُ واسِع عَليم»؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یک‌صد دانه باشد و خداوند آن را برای هرکس بخواهد (و شایستگی داشته باشد) چند برابر می‌کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست. انفاق کردن یعنی عمل به دستور خداوند، نتیجه آن چیست؟ نزول نعمات و برکات به لطف و فضل خداوند.

پس اگر می‌خواهیم زندگی ما مشمول برکت خداوند شود، باید عواملی را که باعث بابرکت شدن زندگی و کار و تلاش‌مان می‌شود، بشناسیم و آن را به‌کار بگیریم. البته باید به باطن عوامل برکت‌زا توجه کرد؛ یعنی شاید ظاهر یک کار این باشد که چیزی از ما کم می‌شود؛ اما باطن آن این است که با لطف خداوند محصول کارمان برکت یافته و بیشتر می‌شود؛ مانند انفاق که در ظاهر مالی از ما کم می‌شود؛ اما در باطن برکت خداوند است که به‌طرف ما جریان پیدا می‌کند.

به‌عبارتی کسی که اهل انفاق است، محصولی دارد که در صورت انفاق نکردن آن را اصلاً به‌دست نمی‌آورد.

آیه

چرا قرآن در خطاب تنوع دارد؟

محمدرضا قضایی
کارشناس علوم قرآنی

قرآن کتابی است برای همه انسان‌ها، کتابی که خطاباتش مربوط به همه افراد در هر آیین و نژاد و زبانی است. روی سخن خداوند در قرآن با مخلوقات خودش است و دل‌سوزانه برای همه آنها برنامه‌ای جامع و کامل ارائه داده است تا بتوانند به سمت سعادت قدم بردارند. پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز از طرف خداوند پیامی برای همه مردم دارند و فقط برای هدایت کسانی که به سوی او می‌آیند، نیامده‌اند. در واقع خداوند با دو دسته کلی از انسان‌ها طرف است: یکی آنان‌که وارد دین شدند و یکی آنها که وارد دین نشدند؛ به همین دلیل خطابات قرآن شامل «یا ایها الذین آمنوا»، «یا ایها الناس»، «یا بنی آدم»، «یا ایها الانسان» و... است. در سه خطابی که همه انسان‌ها مورد نظر قرار گرفته‌اند، مهر و محبت خداوند را به مخلوقات می‌بینیم، یعنی فارق از آنکه آنها دعوت خداوند را پذیرفته یا نپذیرفته‌اند. بنابراین در اینجا خداوند یا روح و قلب انسان‌ها سروکار دارد، نه عقلی که نتوانسته در استدلال به حقانیت دین اسلام و حقانیت پیام خداوند اعتراف کند؛ زیرا عقل انسان‌ها می‌تواند به خطا برود، ولی قلب آنها هرگز خطا نمی‌کند. پس خداوند پیام خود را برای قلب و روح و فطرت انسان‌های غیرمسلمان هم می‌فرستد و از آنها می‌خواهد با توجه به این فرامین برنامه‌ای را پیش بگیرند تا مسلمان شدن، انسان شدن و بهشتی شدن از نتایجش باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل خطابات کلی این است که خداوند بین خود و دیگر انسان‌ها رابط و واسطی نمی‌بیند و خود با آنها سخن می‌گوید. البته خطاب‌های دیگری هم هست که کلی بوده و مربوط به افراد خاص در چارچوب خاصی قرار نمی‌گیرد؛ مانند آنکه می‌فرماید: «هم خودتان بخورید هم چهارپایان‌تان» یا «تا وسیله‌ای برای بهره گیری شما و چهارپایان‌تان باشد» یا «اولی‌العلم»، «اولی‌الابصار»، «اولی‌الالباب» و...، در کل ما حدود ۲۵ نوع خطاب در قرآن داریم که دستورات خداوند به آنها ابلاغ می‌شود و مدنظر قرار دارند که لبیک گفتن هنگام تلاوت این خطابات را از آداب تلاوت قرآن می‌دانند. خداوند با این خطابات می‌خواهد به انسان‌ها بفهماند: اولاً وجود آن کسی که به سمت من نیامده هم برای من مهم است و ارزشش را می‌دانم؛ ثانیاً وجودشان باید برای دیگر انسان‌ها هم مهم باشد و برای هدایت‌شان تلاش کنند و با چشم یک انسانی که مورد خطاب و لطف خداوند قرار دارند، او را ببینند. ثالثاً با این تنوع در خطاب، فهم آیات را آسان کرده و هر دسته و گروه را با تذکرات خاص خود مواجه فرموده است. به همین دلیل است که می‌فرماید: «و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم. پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟»(قمر/۱۷) رابعاً این نشانه قوام قرآن است و اینکه آیات و کلمات قرآن سست نیستند و بدون هدف در کنار هم نیامده‌اند. به‌عبارتی این تنوع در خطاب جزء ارزش‌های کلامی قرآن است و به‌نوعی اعجاز این کتاب آسمانی را نشان می‌دهد. کار قرآن هدایت‌گری است و با جلب توجه مخاطب و توجه به مخاطب کار خود را انجام می‌دهد. پس اینکه همه انسان‌ها خود را مورد خطاب قرآن ببینند و این محبت و علاقه خالق را به مخلوق درک کنند، اعجاز در جذب انسان‌هاست.

سلوک

دین‌داری با علم و احساس

آیت‌الله سیدعبدالله فاطمی‌نیا: احساس یک اندازه‌ای دارد، اگر کسی علوم اولین و آخرین را داشته باشد و حال نداشته باشد یک عباسی نمی‌ارزد. اگر کسی حال و احساس داشته باشد و پشتوانه علمی نباشد هم همین‌طور. نمی‌خواهم بگویم همه علامه شوند؛ ولی احساسات ما باید به یک حدیث یا آیه‌ای، مبنای پشتوانه‌ای داشته باشند؛ نه اینکه فقط از روی احساس باشند. نیاز جامعه امروز نوع نگرشی است که بعضی به اسلام دارند؛ یعنی نگاهی که گاهی خیلی سطحی و عوامانه است و تحقق دینداری منحصر به چند دستور خلاصه می‌شود.

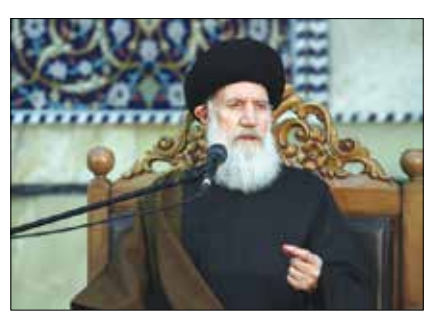

حکمت

تمسخر دشمن

پرسش: حکم مقابله به مثل با دشمنان داخلی و خارجی با شیوه‌های خودشان، مانند تمسخر چیست؟

پاسخ: تمسخر اگر ابتدایی باشد و فرد آغازگر آن باشد، ناپسند است؛ اما اگر جنبه مجازات و تلافی داشته باشد، به‌خصوص در مواردی که فایده عقلایی از قبیل پیشبرد هدف بر آن مترتب باشد، مطلوب است؛ از این‌رو، می‌توان در پاسخ مسخره‌کنندگان مقابله به مثل کرد تا اثر استهزای آنها را خنثی کرد.

مستفاد تفسیر المیزان، ج۱۰، ص۲۲۵

راهنما

فقه و مهندسی ژنتیک

آیت‌الله علی‌اکبر رشاد: خدا انسان را خلق کرده و کائنات را در تصرف او قرار داده تا به تکامل خود و کائنات اهتمام کند و بر این اساس تصرف در خلقت نه تنها حرام نیست که در بسیاری موارد واجب است تا عالم رو به تکامل برود؛ البته بدیهی است که تصرفاتی که باعث کاستن و نابودی منابع می‌شود، نه از نظر فقهی و نه از نظر اخلاقی مجاز نیست؛ چون بر اساس قاعده اشتراک، همه نسل‌ها از آفرینش خدا سهم دارند و حق نداریم از دارایی‌های مشاع چه متعلق به هم‌نسلان خود و چه متعلق به نسل‌های بعد بیش از سهم خود استفاده کنیم، ولی تصرفات فرگشتی (مانند تغییر ژن‌ها) که باعث تکامل می‌شود، ایرادی ندارد و این اشکال را مبناناً قبول نداریم.

نماینده ولی فقیه در سپاه در جلسه قرارگاه معنویت و سلامت سپاه مطرح کرد

کمک به آرامش روحی و روانی بیماران و خانواده‌های آنان

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی گفت: «در موضوع بیماری کرونا با توجه به اینکه از مهم‌ترین نیازهای مبتلایان و بیماران، مسائل روحی و روانی است؛ باید با بهره‌گیری از فرهنگ دینی و قرآنی، ابتکاراتی در دستور کار قرار گیرد تا آرامش روحی و روانی برای بیماران، همراهان و خانواده‌های آسیب دیده فراهم شود.»

به گزارش صبح صادق حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی فقیه در سپاه در جلسه قرارگاه معنویت و سلامت سپاه که به صورت ویدئو کنفرانس و با حضور اعضای هیئت رئیسه و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه‌های استانی و رده‌های عمده سپاه برگزار شد، ضمن تقدیر از اقدامات مسئولان و کارکنان نمایندگی ولی فقیه در سپاه از جهادی بی‌وقفه آنان تشکر کرد و اظهار داشت: «یکی از نعمت‌هایی که نباید از آن غافل شد، نعمت واسطه خیر شدن و کمک به دیگران است. نکته قابل توجه در این امر آن است که بلایا، مصائب و سختی‌ها- با وجود مشکلات مترتب برآن- گاهی افزون بر اینکه برای فرد مبتلابه نعمت است، فرصتی است برای سایر مؤمنان که از نعمت‌های الهی بهره گرفته و تعالی معنوی پیدا می‌کنند. همچنین فرصتی است که انسان‌ها روحیه اخوت، برادری و سبک زندگی مؤمنانه را به نمایش بگذارند.» ایشان در ادامه تأکید کرد: «در وضعیت ناشی از مشقات بیماری کرونا، شاهد تقرب الی‌الله بسیاری از افراد هستیم؛ چراکه آنها در این سختی‌ها فرصت‌های خدمت‌رسانی به خلق خدا را غنیمت شمردند.»

نماینده ولی فقیه در سپاه با بیان اینکه خداوند در پاداش دادن ابتدا عیار عمل را می‌سنجد، بعد آن عمل را وزن می‌کند، افزود: «به مجاهدت‌ها و تلاش‌های متعدد و متنوع فرهنگی، تبلیغی، خدماتی و رسانه‌ای در مقابله با بیماری کرونا شدت بخشیده و با نیت تقرب الی‌الله و برای کسب رضایت خداوند متعال اقدامات را توسعه دهید.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی ضمن تبریک روز پزشک به همه پزشکان و کادر درمانی تصریح کرد: «پزشکان، پرستاران و کادر درمان در دوران مقابله و مواجهه با ویروس کرونا، مانند مجاهدان دوران دفاع مقدس با اخلاص و روحیه و با نگاهی دینی و انقلابی بسیار خوب عمل کرده و طی این دوران دو ساله، امتحان خوبی را پس دادند و اقدامات آنها در خور تحسین و تشویق است.»

وی با اشاره به اینکه انتظار است در اقدامات قرارگاه ابتکارات مورد توجه جدی قرار گیرد، افزود: «با توجه به اینکه از مهم‌ترین نیازهای مبتلایان و بیماران، مسائل روحی و روانی است؛ لذا با بهره‌گیری از فرهنگ دینی و قرآنی، ابتکاراتی در دستور کار قرار گیرد تا آرامش روحی و روانی برای بیماران، همراهان و خانواده‌های آسیب دیده فراهم شود.» نماینده ولی فقیه در سپاه در ادامه تصریح کرد: «کلیه رده‌ها نسبت به طراحی و ارائه پیشنهادهای خلاقانه و ابتکاری با محور ارتقای قوای روحی و روانی بیماران در هیئت‌های اندیشه‌ورز توجه بیشتری به عمل آورده و طرح‌های ابتکاری خود را به قرارگاه مرکزی ارسال کنند.»

وی ادامه داد: «کلیه رده‌ها در اجرای اقدامات قرارگاه معنویت و سلامت به خانواده‌ها توجه جدی و بیشتری داشته باشند، به گونه‌ای که به جز مصائب بیماری و از دست دادن عزیزان، مشکلات دیگری آنها را در هم نشکند. به عبارتی رده‌ها اقداماتی را در دستور کار قرار دهند که خانواده بیماران و متوفیان دغدغه‌ای جز بیمارستان و بیمارشان را نداشته باشند.»

حجت‌الاسلام والمسلمین حاجی‌صادقی گفت: «رده‌ها تمهیداتی اندیشیده و اقداماتی را انجام دهند که نیازمندان واقعی آبرومند که به هر دلیلی امکان تأمین معاش خود را ندارند یا این امکان را به واسطه بیماری کرونا از دست داده‌اند، شناسایی شده و به آنان کمک شود.»

وی در پایان ضمن تأکید بر ضرورت اقدامات رسانه‌ای و تبلیغی تأکید کرد: «کلیه رده‌ها به اثربخشی اقدامات قرارگاه معنویت و سلامت توجه جدی کرده، اقدامات روابط عمومی و اطلاع‌رسانی و فعالیت‌های رسانه‌ای را به صورت جدی مدنظر قرار دهند و هرگونه تبلیغ و مستندسازی اجرای مصوبات و ابلاغیات قرارگاه را به منزله ترویج کار خیر مدنظر قرار دهند.»

همچنین در ابتدای این جلسه که با مدیریت حجت‌الاسلام طیبی‌فر، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه برگزار شد، گزارش اجمالی ۱۰ رده که به صورت تصادفی انتخاب و فراخوان شدند، استماع شد که رده‌های گزارش‌دهنده عبارتند بودند از:

حجت‌الاسلام صادقی، مسئول دفتر نمایندگی سپاه صاحب‌الزمان(عج) استان اصفهان،
حجت‌الاسلام زحمتکش، مسئول دفتر نمایندگی سپاه جوادالائمه(ع) خراسان شمالی،
حجت‌الاسلام فولادی، مسئول دفتر نمایندگی سپاه امام سجاد(ع) هرمزگان،
حجت‌الاسلام حسینی صدر، مسئول دفتر نمایندگی سپاه قمر بنی هاشم(ع) چهارمحال و بختیاری،
حجت‌الاسلام تویسرکانی، رئیس سازمان بسیج اساتید، طلاب و روحانیون،
حجت‌الاسلام محمدی، مسئول دفتر نمایندگی سپاه قدس استان گیلان،
حجت‌الاسلام دیباجی، مسئول دفتر نمایندگی سپاه قائم آل محمد(عج) سمنان،
حجت‌الاسلام صداقت، مسئول نمایندگی نیروی دریایی سپاه،
حجت‌الاسلام علیزاده، مسئول دفتر نمایندگی سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ،
حجت‌الاسلام یوسفی، مسئول دفتر نمایندگی بیمارستان بقیه‌الله الاعظم(عج).

در ادامه این جلسه جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه با تقدیر از گزارش‌های ارائه شده و ارزیابی خیلی خوب از گزارش‌دهی رده‌ها تأکید کرد: «در گزارش‌دهی، محورهای ابلاغی مورد توجه باشد و از ارائه محورهای خارج از موضوع پرهیز شود، همچنین گزارش‌های توصیفی در قالب گزارش کمی و آماری نیز به قرارگاه ارسال شود.»

احمد رضا نجفی، رئیس درمانگاه حضرت ابوالفضل(ع)

تعرفه خدمات را پایین نگه داشتیم

احمدرضا نجفی، مدیر درمانگاه حضرت ابوالفضل العباس(ع) است. وی از سال ۱۳۹۶ در این مسئولیت را بر عهده دارد. او از اعضای کادر درمان است. در بازدید از درمانگاه برای مصاحبه با وی هماهنگ کردیم. علیرغم اینکه خیلی راغب به مصاحبه نبود، اما توانستیم در گفت‌وگویی صمیمی با وی هم کلام شویم.

ابتدا از تاریخچه تاسیس درمانگاه حضرت ابوالفضل العباس(ع) بفرمایید.

درمانگاه سال ۱۳۷۴ فعال شده و امروز کلیه بخش‌های درمانگاه عمومی و تخصصی را داریم. البته درمانگاه در روز اول افتتاح یک ساختمان دو طبقه بود و بعدها نیم طبقه اضافه شد. در دهه ۹۰ هم ساختمان همجوار درمانگاه خریداری و ساخته شد و درمانگاه در دو ساختمان متصل به هم فعالیت خود را انجام می‌دهد. آزمایشگاه، سونوگرافی، رادیولوژی، دندانپزشکی، فیزیوتراپی و... همه در درمانگاه وجود دارد و به جز چند تخصص خاص مابقی را داریم. برای نمونه متخصص ریه و اورولوژیست خانم که در سطح کشور کم است، نداریم. ما شاید تنها درمانگاهی در این سطح هستیم که بخش دندانپزشکی ما در دو بخش مستقل خواهران و برادران و در دو طبقه جدا قرار دارد.

سطح خدمات دندانپزشکی چقدر است؟

ما فقط جراحی فک صورت را نداریم و همه خدمات، مانند ایمپلنت، اندو، عصب کشی، ارتودنسی و... ارائه می‌شود.

سونوگرافی معضل خانواده‌های سپاه بود، در حال حاضر در سونوگرافی سونولوژیست خانم دارید؟

در بحث سونوگرافی در مرکز تصویربرداری هر روز صبح به جز پنج‌شنبه‌ها سونولوژیست خانم داریم و سه روز در هفته هم سونولوژیست آقا. بیماری نیست که بیاید اینجا و در مدت کوتاه، مطابق با جنسیت خود نوبت سونوگرافی تواند بگیرد. اگر اورژانسی باشد صد درصد سریع انجام می‌شود و اگر نباشد، سه تا چهار روز در نوبت می‌ماند. در قسمت تصویربرداری همه نوع خدمات تصویربرداری درمانگاهی را ارائه می‌دهیم. به تازگی هم دستگاه ماموگرافی خریداری شده که در حال نصب آن هستیم. دستگاه تصویربرداری ما کاملاً قابلیت تنظیم با حالت بیمار را دارد و حتی برای بیمار ویلچری در هر حالتی قابل عکس گرفتن است.

در بازدید دیدیم که آزمایشگاه درمانگاه هم بسیار فعال است، در این خصوص توضیح دهید.

در بحث آزمایشگاه هم ما تقریباً آزمایشگاه کامل درمانگاهی داریم که در بخش نمونه‌گیری هم خانم‌ها و آقایان جدا هستند و انواع آزمایش‌ها انجام می‌شود و با توجه به دستگاه‌های خوبی که داریم، درصد خطا پایین است. البته تست مولکولی کرونا را نمی‌توانیم انجام دهیم، اما آزمایش آنتی بادی خون را می‌توانیم انجام دهیم. البته برای ستاد کل هم در محل معاونت‌ها و رده‌ها آزمایش پی‌سی‌آر می‌گیریم و برای بیمارستان بقیه‌الله می‌فرستیم. کلیه مجموعه اتوماسیون شده و پرونده کاغذی نداریم، حتی جواب دستگاه‌ها را هم به سیستم ارسال می‌کنیم و ارجاع به پزشک می‌شود و با اینکه بنا به درخواست چاپ می‌شود. اطلاعات ما کاملاً الکترونیکی است و مدارک و شواهد همه الکترونیکی شده و هرکسی در این درمانگاه مراجعه کرده و اخذ خدمات داشته، سوابقش موجود است.

در حوزه پزشکان مختصص برای ویزیت چه وضعیتی دارید؟

همه درمانگاه‌ها فعال است، قلب، داخلی، ارتوپدی و... و با بیمه کارکنان دولت، کمیته امداد، ساخد و بانک‌ها و شهرداری قرارداد داریم، لذا بیشتر مردم با این امکان قابلیت پذیرش با بیمه را در درمانگاه ما دارند. درمانگاه حضرت ابوالفضل(ع) جزء اولین درمانگاه‌هایی بود که نسخ الکترونیک تأمین اجتماعی را اجرا کرد. درمانگاه و آزمایشگاه ما خدمات کامل گزینش رده‌های ستاد فرماندهی کل سپاه را هم انجام می‌دهد که رایگان است و هزینه را رده مربوطه پرداخت می‌کند. فیزیوتراپی دو بخش مجزا خواهران و برادران دارد که تعداد مناسبی تخت برای این منظور داریم.

آمار کل مراجعه‌کننده‌ها چقدر است؟

روزانه ۲۵۰۰ نفر مراجعه‌کننده داریم، مراجعه‌کننده‌ها مرتبط با کرونا حدود ۶۰۰ نفر است. عمده مراجعات اورژانس و بخش‌های مربوطه نشان می‌دهد، کمتر از ۶۰۰ نفر کرونایی در روز مراجعه‌کننده نداریم. برای مراجعه‌کننده‌های کرونا هم اتاقی آماده کردیم تا بیماران کرونایی که سرپایی هستند، جدای خدمات بگیرند. البته در برخی شب‌ها در این درمانگاه مراجعات زیاد شده و ما مدیریت کردیم و حتی در راهروها تخت مستقر کرده‌ایم و معطلی بیماران کرونایی را به حداقل رسانده‌ایم.

از روزهای کرونایی بگویید.

هیچ خدماتی در درمانگاه ما در این پانصد و خورده‌ای روز کمتر نشد و حتی فعال‌تر هم شد که این دستور فرماندهان به ما بود، مشکلات مالی زیاد است و بیمه‌ها پول نمی‌دهند و خیلی هم با تأخیر پرداخت می‌کنند. الآن برای پرداخت پول آب و برق به ما فشار وارد می‌شود و تعرفه ما که درمانی است، از تعرفه خانگی بیشتر و از تعرفه تجاری کمتر است و هزینه زیادی به ما تحمیل می‌کند. در دوران کرونا و غیر کرونا هم در هر شیفت دو پزشک عمومی داریم؛ یک خانم و یک آقا و هر شیفت هم دو پرستار آقا و دو پرستار خانم هستند. حتی خود من هم چندبار نیمه‌شب آمدم و کار را مدیریت کردم. چون برای مواقع اضطرار یک یا دو نفر نمی‌تواند کاری بکند.

آیا برنامه توسعه‌ای جدیدی برای درمانگاه دارید؟

برای بحث توسعه ما چون کمبود جا داریم، این امر را ضروری می‌دانیم. سی‌تی‌اسکن و ام‌آرآی هماهنگ شده که برای استقرار فضا نداریم و باید ساختمان بغل را متناسب با نیازمان بخریم و بسازیم. کلینیک پوست، مرکز جراحی محدود، کلینیک دیابت، سی‌تی‌اسکن و ام‌آرآی را آنجا مستقر کنیم و برخی بخش‌های خودمان را هم در فضا گسترش دهیم.

دکتر محمدعلی عطاریان، رئیس درمانگاه حضرت فاطمه زهرا(س)

۲۴ ساعته خدمت‌رسانی می‌کنیم

دکتر محمدعلی عطاریان، پزشک عمومی و مدیر درمانگاه حضرت فاطمه زهرا(س) است که با وی در بازدید از درمانگاه در دفترش هم‌کلام شدیم و او با وی گشاده پذیرای ما بود. در ادامه پاسخ‌های وی را به پرسش‌های ما می‌خوانید.

در ابتدا در خصوص درمانگاه و تاریخچه تأسیس بفرمایید.

درمانگاه فاطمه زهرا(س) از سال ۱۳۷۲ از سوی بهداری رزم نیروی زمینی سپاه تأسیس شد، در محلی که هم در محدوده بسیاری از پادگان‌ها و شهرک‌های مسکونی سپاه است و هم قشر اطراف آن، جزء خانواده‌های متوسط به پایین هستند. بنده هم از سال ۱۳۹۵ توفیق مدیریت این درمانگاه را دارم.

خدماتی که امروز این درمانگاه ارائه می‌کند، به چه شکل است؟

ما در مجموعه درمانگاه همه تخصص‌ها و فوق تخصص‌ها را داریم. در کنار مطب پزشکان بخش تصویربرداری، آزمایشگاه، داروخانه، دندانپزشکی و عمده خدمات درمانگاهی را ارائه می‌کنیم. یکی از تدابیر خوبی که این سال‌ها داشته‌ایم، استقرار دائمی سه پزشک عمومی در شبانه‌روز است؛ همچنین سوپروایزر همیشه در درمانگاه حضور دارد. یکی از مزیت‌هایی که ما برای خدمت به عموم مردم داریم، این است که افزون بر بیمه ساعد، بیمه تأمین اجتماعی، سلامت و سایر بیمه‌ها را هم پوشش می‌دهیم.

در روز چند نفر مراجعه‌کننده دارید؟

متفاوت است، بعضی مواقع به طور متوسط بین ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ نفر مراجعه‌کننده داریم. البته این را هم بگویم که در دوران کرونا ما حتی یک روز هم خدمات‌مان کم نشد و بیشتر هم شد، یعنی مراجعه مردم بیشتر شده و ما پشتیبانی کرده‌ایم. ما حتی در دوران کرونا پذیرای بیماران کرونایی برای درمان و تجویز هستیم. شاید حدود پانصد نفر کرونایی مراجعه کنند، یعنی این را در یک پنجم بر اساس سرماخوردگی، مشکلات تنفسی و علائم کرونا می‌گوییم، شاید هم بیشتر از این مراجعه کرونایی باشد. البته در دورانی که بیمارستان بقیه‌الله مختص کرونا شد، حجم مراجعات ما هم زیاد شد.

مراجعات اورژانس و پزشک عمومی الآن عمدتا کروناست. البته بخش تنفسی حاد را هم راه‌اندازی کردیم که با حضور متخصص عفونی و ریه ویزیت انجام می‌شود. ما در حال حاضر در درمانگاه چهل پزشک متخصص در زمینه‌های مختلف و ۴۰ پزشک عمومی به صورت شیفتی داریم.

میزان حضور مردم در درمانگاه و حجم مراجعه و محدودیت فضای شما بنده را ترغیب می‌کند که این سؤال را بپرسم آیا شما طرح توسعه فضای درمانگاه را دارید؟

قرار شده است زمینی در کنار درمانگاه است را برای توسعه استفاده کنیم. که برخی بخش‌های جدید در درمانگاه ایجاد شود، مانند کیلینیک دیابت که تحت حمایت ساخد است و برخی بخش‌ها هم توسعه پیدا کنند، از جمله در بحث تصویربرداری، اما یک مسئله وجود دارد و آن، سختی مجوز گرفتن است. چون در محدوده ما بیمارستان و درمانگاه سایر سازمان‌های نیروهای مسلح هم وجود دارد و لذا برای توسعه سخت‌گیری می‌کنند وحتی اگر بخواهیم درمانگاه را به بیمارستان تبدیل کنیم، با توجه به آمایش سرزمینی وزارت بهداشت برای مراکز درمانی نیروهای مسلح فعلاً امکانش نیست. البته ما حضور خوبی در جلسات شهرداری و سازمان‌های محلی داریم و تعامل خوبی با آنها داریم و در جلسات مختلف از جمله مدیریت بحران فعال هستیم.

شما ذیل بهداری رزم نیروی زمینی هستید، از نظر اعتباربخشی هم ذیل این مجموعه قرار دارید و اینکه مأموریت‌های بهداری نیروی زمینی را هم انجام می‌دهید؟

بله سؤال خوبی کردید. ابتدا باید یاد کنم از فرمانده محترم مسئول بهداری رزم نیروی زمینی سپاه، یعنی سردار اخوان که انصافاً یکی از بهترین فرماندهان و مسئولان بهداشت و درمان در نیروهای مسلح هستند. ما در زمینه اعتباربخشی به مدد تلاش‌های ایشان تحت پوشش اعتباربخشی بهداری نیروی زمینی هستیم. در زمینه رعایت حقوق بیمار و طرح انطباق هم موفق بوده‌ایم. این درمانگاه مزین به نام حضرت زهرا(س) است و لذا برای ما و برای مردم هم مقدس است. ما در مأموریت‌های بهداری رزم هم، مانند همه بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های نیروی زمینی شرکت داریم و بیمارستان‌های صحرایی در مناطق محروم مستقر می‌کنیم. در زمینه تهدید کرونا هم بخشی از نیروهای درمانی را تأمین می‌کنیم. گفتنی است، به تازگی تعدادی از همکاران برای مردمیاری به زاهدان اعزام شده‌اند.

اگر نکته دیگری باقی مانده، بفرمایید.

فعالیت درمانگاه شبانه‌روزی است و ما داروخانه را هم شبانه‌روزی کرده‌ایم و در همه ساعات سه پزشک عمومی به همراه کادر درمانی در درمانگاه حضور دارند. حتی در داروخانه هم در همه ساعات شبانه‌روز مسئول فنی و دکتر داروساز حاضر هست. ان‌شاءالله مرکز شیمی درمانی و کلینیک دیابت را هم در ساختمان جدید راه‌اندازی می‌کنیم تا خدمات در خور شایسته به مردم ارائه دهیم. این مرکز در یک منطقه تقریباً سطح پایین‌تر از حد متوسط مردم است و در کنار خدمات‌دهی به خانواده‌های نیروهای مسلح مراجعات مردمی زیادی داریم که حتی در مواردی برای تأمین هزینه‌های افراد بی‌بضاعت از محل صندوقی که تعبیه شده و خود مردم کمک می‌کنند، هزینه آنها را هم تأمین می‌کنیم.

قاب سلامت

گزارش تصویری از بازدید مسئولان نمایندگی ولی فقیه در سپاه
از درمانگاه حضرت ابوالفضل(ع) و درمانگاه فاطمه‌الزهرا(س)/ عکس‌ها: حامد گودرزی

ویژه بازدید اعضای هیئت رئیسه نمایندگی ولی فقیه در سپاه از درمانگاه‌های حضرت ابوالفضل(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س)

سپاه نهاد مدافع سلامت

علیرضا جلالیان
دبیر گروه سپاه

هفته گذشته در آستانه روز پزشک و در روزگاری که تهدید سخت زیستی کرونا کادر درمانی کشور را با مشکلات زیادی روبرو کرده است. تعدادی از اعضای هیئت رئیسه نمایندگی ولی فقیه در سپاه با حضور در دو درمانگاه سپاه در محدوده محلات اطراف ستاد فرماندهی کل سپاه، ضمن خدا قوت به کادر درمان و اهدای گل به این عزیزان در جریان وضعیت این مجموعه‌ها در موج پنجم کرونا و خدماتی که به بیماران از جمله بیماران کرونایی می‌دهند، قرار گرفتند. درمانگاه‌های سپاه یکی از خطوط مقدم مقابله با کروناست؛ چرا که این مجموعه‌ها با پذیرش عموم مردم علاوه بر کارکنان سپاه و خانواده‌ها، اقدام به خدمت‌رسانی عمومی می‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طیبی‌فر، جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه در رأس این هیئت به همراه سردار فرجیان‌زاده، معاون هماهنگ‌کننده و سردار جوانی، معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه از دو درمانگاه حضرت فاطمه‌زهرا(س) بهداری رزم نیروی زمینی سپاه و درمانگاه حضرت ابوالفضل العباس(ع) بهداری ستاد فرماندهی کل سپاه بازدید کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین طیبی‌فر در حاشیه این بازدید و با تقدیر از کادر درمان این درمانگاه‌ها اظهار داشت: «کادر درمان در خط مقدم مقابله با کرونا هستند و امروز به مناسبت روز پزشک توفیق شد که در بازدید از دو درمانگاه سپاه در شهر تهران هم از نزدیک شاهد زحمات این عزیزان باشیم و هم یک خداقوت به این عزیزان بگوییم.»

وی افزود: «کادر درمان چه در درمانگاه‌ها و چه در بیمارستان‌ها به تقویت نیاز دارند و زحمات فراوانی می‌کشند و این روزها با فشار سنگین این ویروس منحوس در درمانگاه‌ها به عنوان خط مقدم مبارزه و اولین جایی که مبتلایان به آن مراجعه می‌کنند، مواجه هستیم و معتقدیم باید به این عزیزان توجه ویژه داشت و از آنها حمایت‌های ویژه در این جهاد کرد، به خصوص کادر درمان سپاه در درمانگاه‌های داخل شهر که متعلق به همه مردم است و علاوه بر پاسداران و خانواده سپاه، به عموم مردم خدمت می‌رسانند.»

در حاشیه این بازدیدها خبرنگار صبح صادق گفت‌وگویی هم با مدیران این دو درمانگاه داشت که در ادامه ماحصل این دو گفت‌وگو را می‌خوانید.

سیاست اقتصادی در تیررس تخریب

مواجهه احزاب و گروه‌های سیاسی با دولت نهم ـ ۱۰

مهدی سعیدی
دبیر گروه تاریخ

اتخاذ رویکرد تخریبی و انتقادی اصلاح‌طلبان در مقابل دولت نهم تنها در عرصه سیاست خارجی منحصر نبود، بلکه در میدان اقتصاد نیز عملکرد دولت به شدت مورد هجمه همه‌جانبه جریان چپ قرار گرفت و قلم به‌دستان متعددی تلاش کردند پا را از نقد فراتر نهاده و با تحقیر و استهزا و لجن مالی کردن سیاست‌های دولت در این حوزه، افکار عمومی را علیه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت بدبین و بی‌اعتماد کنند. مسئله حضور سپاه در فعالیت‌های اقتصادی، انحلال سازمان مدیریت، طرح سهمیه‌بندی بنزین، طرح تحول اقتصادی، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و طرح تحول ساختاری بانک‌ها، از جمله مباحثی است که در این دوران مورد هجمه سازمان قرار گرفت.

جریان چپ با اشاره به درآمدهای بالای نفتی کشور در دوران حاکمیت دولت نهم مدعی شد، بسیاری از مشکلات کشور قابل حل بود و «از آنجا که این دولت همه ابزار و امکانات دیگر را در اختیار داشت، با برنامه‌ریزی درست برای استفاده بهینه از این مبلغ، بی‌تردید می‌توانست بسیاری از مشکلات من جمله تولید و اشتغال را حل کند.» اما جریان چپ سیاست‌های اقتصادی دولت نهم را فاقد چارچوب تعریف شده علمی، نیم‌بند، ناپایدار و عمدتاً مغایر «برنامه پنج ساله توسعه» و «چشم‌انداز ۲۰ ساله» می‌دانست که موجب شده است مسائل اقتصادی روز به روز بغرنج‌تر و پیچیده‌تر شود.

مقایسه سیاست اقتصادی دوران اصلاحات و دولت نهم

تلاش برای بزرگ جلوه دادن دستاوردهای دولت اصلاحات از طریق حمله به برنامه اقتصادی دولت نهم، تاکتیک روانی‌ای بود که جریان چپ از آن استفاده کرد و در گفتارها و نوشتارهای مختلفی مطرح شد. محمد سلامتی در اظهاراتی به تفاوت این دو نگاه اشاره کرده و اینچنین مغرضانه وصف می‌کند: «یک دیدگاه نه تنها برای رسیدن به توسعه اقتصادی و تأمین رفاه جامعه هیچ اعتقادی به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ندارد، بلکه دموکراسی و همه لوازمات آن، نظیر آزادی‌های سیاسی، فعالیت احزاب سیاسی و نهادهای مدنی و اجتماعی را مانع توسعه دانسته و در جهت محدودکردن و سرکوب آن همت می‌گمارد و در صورت لزوم برای توجیه اعمال خود با تفاسیر متحجرانه از دین سلب آزادی می‌نماید. متقابلاً دیدگاه دیگری بر این اعتقاد است که راه توسعه و شکوفایی اقتصادی از مسیر توسعه سیاسی و فرهنگی و مردم‌سالاری عبور می‌کند. این دیدگاه معتقد است تا فضای باز سیاسی شکل نگیرد، تا از طریق مطبوعات و احزاب آزاد در مسائل مختلف نقد و بررسی صورت نگیرد و شفاف‌سازی نباشد و حداقل قانون بر کشور حاکم نباشد، یک توسعه اقتصادی عمیق، ماندگار و پایدار به‌وجود نخواهد آمد.»

وی در ادامه می‌افزاید: «البته از این نکته فعلاً می‌گذریم که آنها نه تنها حتی یک طرح اقتصادی برای حل معضلاتی که خودشان مطرح می‌کردند ارائه نمی‌کردند، بلکه دستاوردهای بزرگ اقتصادی خاتمی نظیر سرمایه‌گذاری‌های بزرگ نظیر طرح‌های عظیم عسلویه، پتروشیمی و «یا افزایش صادرات، افزایش چشمگیر سرمایه‌گذاری خارجی و... را نادیده گرفتند و یا تخطئه می‌کردند.»

اصلاح‌طلبان در عوض هیچ نقطه قوتی را در سیاست‌های اقتصادی دولت نهم ندیدند و همواره این دولت را به غیرکارشناسی بودن نظرات اقتصادی متهم کردند. برای نمونه در بیانیه‌ای که سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به مناسبت ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۸۶ به مجلس شورای اسلامی صادر کرد، آمده است: «بی‌شک سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کارشناسی نشده و صرفاً مردم‌فریبانه و پوپولیستی، نتیجه‌ای جز گرانی، بیکاری و به‌هم‌ریختگی و بی‌اعتباری در مهم‌ترین سند مالی کشور و همچنین تضعیف بیش از پیش بدنه کارشناسی سازمان مدیریت و رشدهای ناموزون دستگاه‌ها و کل بودجه نمی‌تواند در پی داشته باشد.»

اصلاح‌طلبان حتی در همان ابتدای آغاز به کار دولت با ادبیاتی تمسخرآمیز مدعی بودند: «هیچ کدام از معادلات رئیس‌جمهور برای تیم اقتصادی کابینه درست در نیامد. نه تیم یکپارچه تشکیل شد و نه اقتصاددانان معتقد به اقتصاد اسلامی دور هم جمع شدند.»

متهم کردن دولت به واگذاری امور اقتصادی به سپاه

یکی دیگر از فضاسازی‌های رسانه‌ای سازمان، متهم کردن دولت نهم به سپردن امور اقتصادی به سپاه و تنگ کردن فضای اقتصادی برای بخش‌های خصوصی است. این ادعا در حالی صورت می‌گیرد که سپاه تنها در حوزه‌هایی وارد شد که مجموعه‌های خصوصی داخلی، یا سرمایه‌گذاری در آن حوزه را به صرفه نمی‌دانستند یا توان تخصصی و سرمایه‌ای لازم برای ورود به آن را نداشتند. به واقع سپاه تنها رقیبی برای شرکت‌های خارجی بود، نه شرکت‌های داخلی! و در عمل به عنوان مجموعه‌ای در خدمت دولت و برای سازندگی کشور عمل کرد. متأسفانه در دولت‌های پیشین و بالاخص دولت اصلاحات، این مسائل سیاسی بود که مانع به‌کارگیری سپاه بود، نه محاسبات اقتصادی!

به هر حال جریان چپ در سلسله اقدامات رسانه‌ای تلاش کرد در این دوره ضمن هجمه به دولت، چهره مجموعه‌های انقلابی چون سپاه را نیز تخریب کند. برای نمونه، در مقاله‌ای با عنوان «عوارض سوء ورود نهادهای نظامی به عرصه بخش خصوصی» آمده است: «با نظامی شدن دولت و با واگذاری پیمان‌های بزرگ به نظامیان و استفاده از رانت ترک تشریفات قانونی، بخش خصوصی نیم‌بندی که در کشور وجود دارد، رو به اضمحلال خواهد رفت.»

«مصطفی تاج‌زاده» از فعالان سیاسی ـ رسانه‌ای اصلاح‌طلبان در همین ایام مدعی می‌شود: «وقتی یک قرارگاه نظامی، جای بخش خصوصی را در انعقاد قراردادهای بزرگ اقتصادی و نفتی می‌گیرد، ما فقط با حزب پادگانی مواجه نیستیم، بلکه نگرانیم که اقتصاد کشور نیز پادگانی شود، چنانکه عده‌ای در تلاش پادگانی کردن فرهنگ و آموزشند. البته اقتدارگراها در ظاهر از ژاپن اسلامی سخن می‌گویند، اما در عمل کره شمالی را الگوی خود قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد قصدشان تحقق کره شمالی اسلامی است.»

حمله به سیاست‌های اقتصادی دولت نهم عرصه‌های مختلفی از سیاست‌ها و تدابیر را در بر می‌گرفت که ادامه آن را در شماره آتی بررسی خواهیم کرد.

تقویم انقلاب

آغاز به کار مجلس خبرگان قانون اساسی

سیدمهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر

پیام امام را در مراسم افتتاحیه مجلس خبرگان، مرحوم هاشمی رفسنجانی خواند که شامل چند توصیه و راهنمایی بود. در قسمتی از این پیام آمده است: «نمایندگان محترم مجلس خبرگان، باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع مزایا و خصوصیات زیر باشد: الف ـ حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت؛ ب ـ پیش‌بینی نیازها و منافع نسل‌های آینده؛ ج ـ صراحت و روشنی مفاهیم قانون؛ د ـ صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت‌های اسلامی دیگر.» در ادامه پیام مهندس بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت وقت از زبان هاشم صباغیان خوانده شد و بعد وزیر کشور وقت هم سخنرانی کرد. اداره مجلس به لحاظ نظام و انضباط و اداره جلسات برعهده هیئت رئیسه مجلس بود که در اولین جلسه هیئت رئیسه سنی انتخاب شدند که عبارت بودند از: آیت‌الله حاج آقا حسین خادمی رئیس، آیت‌الله میرزا محمدعلی انگنجی، نایب رئیس، موسی قهدریجانی دبیر. همچنین دو نفر دیگر به عنوان منشی انتخاب شدند. کار هیئت رئیسه موقت اداره مجلس در مراسم افتتاحیه و تعیین هیئت رئیسه دائم بود. در مرحله انتخاب هیئت رئیسه دائم، آیت‌الله حسینعلی منتظری با ۴۰ رأی به عنوان رئیس، آیت‌الله محمد حسینی‌بهشتی با ۴۰ رأی نایب رئیس، دکتر حسن آیت با ۲۴ رأی دبیر، دکتر محمود روحانی با ۳۸ رأی و دکتر حسن عضدی با ۳۷ رأی به عنوان منشی انتخاب شدند. در ادامه با توجه به لایحه قانونی انتخابات و آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، درباره اداره مجلس بحث شد و بر این مبنا مقرر شد، همه امور مربوط به مجلس به وسیله یا زیر نظر هیئت رئیسه موقت و پس از آن هیئت رئیسه دائم اداره شوند. در ماه ۳۴ لایحه قانونی انتخابات مجلس آمده است: «به منظور اداره امور مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی دایر می‌شود.» که مراد از «اداره امور» در این ماده انجام امور دفتری مجلس همچون چاپ و انتشار و توزیع و غیره است و سایر مسائل دیگر ذکر شده است. مجلس بعد از انتخابات هیئت رئیسه نمایندگان منتخب به هفت گروه تخصصی تقسیم شدند و هر کدام از اعضا، عضو یکی از این هفت گروه یا کمیسیون شدند که این هفت گروه عبارتند از: ۱ـ کمیسیون اصول کلی و اهداف قانون اساسی؛ ۲ـ گروه دوم، کمیسیون دین، تاریخ، زبان، خط پرچم، حق حاکمیت ملی، شوراهای منطقه‌ای و شوراهای دیگر؛ ۳ـ گروه سوم، کمیسیون حقوق ملت و نظارت عمومی؛ ۴ـ گروه چهارم، قوه مقننه؛ ۵ـ کمیسیون پنجم، قوه مجریه؛ ۶ـ گروه ششم قوه قضائیه، گروه هفتم مسائل اقتصادی و مالی. این هفت کمیسیون داخلی مجلس بودند که هر کمیسیونی کار بررسی اصولی از پیش‌نویس قانون اساسی را برعهده گرفت. هر کمیسیون شامل هیئت رئیسه و اعضای دیگر بود. با این اوصاف سازمان و ساختار و تشکیلات اداری مجلس مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان شکل گرفت. بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس خبرگان معتقد بودند نحوه فعالیت مجلس خبرگان باید بر مبنای آیین‌نامه داخلی که خود این مجلس بررسی و تصویب می‌کند، تعیین شود. بر این اساس شورایی با عنوان «شورای بررسی آیین‌نامه داخلی» تشکیل شد.

دهلیز

عاقبت دست‌نشاندگی

بررسی فساد و ناکارآمدی‌های رژیم پهلوی

دیکتاتورهای دست نشانده که یک روز با عنایت بیگانگان به قدرت می‌رسند، خیلی زود زمان خاری و ناتوانی خود را تجربه کرده و با فلاکت جایگاه اشغال شده قدرت را ترک خواهند کرد. نمونه برجسته تاریخ معاصر ایران به رضاخان میرپنج تعلق دارد که روزگاری با حمایت انگلیسی‌ها از پایین‌ترین جایگاه برای تحقق اوامر اربابانش به قدرت رسید و وقتی تاریخ مصرفش تمام شد، خیلی راحت به زباله‌دان تاریخ انداخته شد. رضاخانی که با کودتای انگلیسی اسفند ۱۲۹۹ به سپهر سیاسی این سرزمین وارد شده و در سال ۱۳۰۴ رسماً پادشاه شده بود، در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ با فرمان وزیرمختار دربار انگلیس در ایران مجبور به کناره‌گیری از قدرت و خروج از کشور شد. مصطفی ایزدی، نویسنده کتاب «خاطرات خواندنی از رجال عصر پهلوی»، که انتشارات «سفیر اردهال» آن را منتشر کرده است، به نقل از سرهنگ «ناصر مشیری» آجودان و محافظ مخصوص رضاشاه در مورد شب استعفای رضا شاه می‌نویسد: «شب در عمارت پاسدارخانه خوابیده بودم که تلفنچی دربار با انگشت به در زد. از خواب برخاستم و گفتم: «چیه؟» گفت: «یک تلفن فوری از سفارت انگلیس است.» گفتم «این موقع شب؟» دوباره آمد و گفت: «می‌گوید وزیر مختار انگلیس قصد دارد شاه را ببیند» ساعت ۴:۳۰ صبح بود. به تلفنچی گفتم: «بده من صحبت کنم» تلفنچی سفارت به فارسی گفت: «وزیر مختار انگلیس قصد دارد شاه را بدون تشریفات معمولی یعنی بدون حضور وزیر امور خارجه ببیند.» گفتم: «با این عجله چرا؟» گفت: «کار مهمی است و وقت کوتاه است» گفتم: «شاه خوابیده است و ما نمی‌توانیم او را بیدار کنیم» تلفنچی پس از مکث کوتاهی گفت: «آقای بولارد وزیر مختار انگلیس می‌گوید هر طور شده شاه را بیدار کنید» هر طور بود او را از خواب بیدار کردیم و موضوع را به او گفتیم. شاه ریش خود را تراشید و شنل معروف را به دوش کشید. ساعت حدود ۵:۳۰ دقیقه بود که افسران در جنوبی کاخ اطلاع دادند که وزیر مختار انگلیس آمده و اجازه شرفیابی می‌خواهد. شاه، علی ایزدی یکی از مسئولان تشریفات را برای استقبال فرستاد. شاه پس از چند دقیقه شنل به دوش از پله‌های کاخ سعدآباد پایین آمد. بولارد هم رسید و پس از مقدمه‌ای گفت: «ما بالاخره به این نتیجه رسیدیم که اعلیحضرت باید استعفا داده و پایتخت را ترک کند.» من در قیافه شاه آثار شکست و اندوه را دیدم. وزیر مختار گفت: «باید همین فردا استعفا داده و تهران را هم ترک کنید» شاه نمی‌دانست چه کار کند. با لحنی اندوهبار پرسید: «پس تکلیف سلطنت چه می‌شود؟» پاسخ گفت: «مطمئن باشید سلطنت باقی خواهد ماند.» شاه دیگر آن رضاشاه قبلی نبود؛ فردی شکسته بود با قامتی خمیده.»

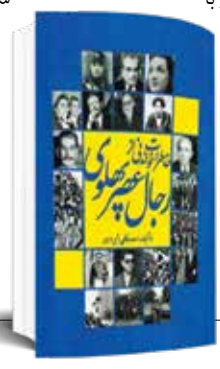

حافظه

سیاهان آمریکایی

سیاست در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی

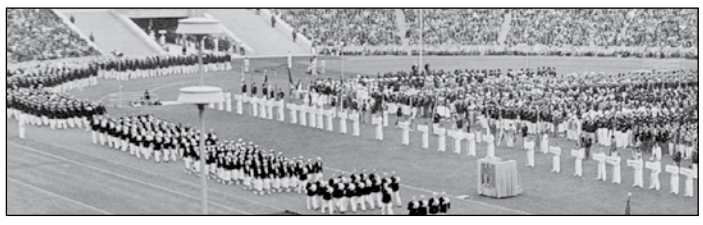

برگزاری المپیک برای اولین بار در مکزیک، از جمله مسابقاتی بود که با حواشی سیاسی و ورزشی گوناگونی همراه بود. ارتفاع بلند مکزیکوسیتی با ۲۲۴۰ متر از سطح دریا حرف اول بحث‌های پیش از آغاز بازی‌ها بود و همگان معتقد بودند ورزشکاران کشورهای هم سطح دریا نسبت به بقیه در موضع ضعف قرار خواهند داشت، اما چند هفته تمرین در ارتفاعات عملکرد بسیاری از این ورزشکاران را بهبود بخشید.

در هفته‌های منتهی به آغاز مسابقات، شورش‌های خشونت باری با این بهانه انجام گرفت که هزینه‌های گزاف دولت برای ساخت تأسیسات ورزشی می‌توانست به نفع حل مشکلات اجتماعی مردم به کار رود. از سوی دیگر دعوت از دولت نژادپرست آفریقای جنوبی نیز جنجال‌برانگیز شد تا جایی که کمیته بین‌المللی المپیک تحت فشارهای شدید بین‌المللی دعوت خود را پس گرفت.

ده روز پیش از آغاز المپیک که اولین دوره در آمریکای لاتین به شمار می‌آمد، درگیری‌های متداول میان پلیس و دانشجویان مکزیکی به اوج رسید. رهبران جنبش دانشجویی می‌خواستند از توجه رسانه‌ها به بازی‌ها استفاده کنند و بر این اساس چند هزار جوان به میدان «سه فرهنگ» مکزیکوسیتی رفتند. تانک‌ها و هلی‌کوپترها معترضان را محاصره کردند و تیراندازی به راه افتاد. ارتش هم به جمعیت آتش گشود و با سرنیزه به دانشجویان حمله کرد. دولت تعداد کشته‌ها را چند ده نفر اعلام کرد؛ اما دانشجویان معتقد بودند صدها نفر کشته شدند.

مسابقات در حال و هوای «جنبش حقوق مدنی آمریکا» برگزار شد. رهبر حقوق مدنی ـ مارتین لوتر کینگ ـ شش ماه قبل از مراسم افتتاحیه کشته شده بود. در مراسم اهدای جوایز دوی ۲۰۰ متر، «تامی اسمیت» و «جان کارلوس»، دوندگان سیاه‌پوست آمریکایی که مدال طلا و برنز را کسب کردند، مشت خود را به شکلی که نماد قدرت سیاهان است، در اعتراض به نژادپرستی در آمریکا بالا بردند. «پیتر نورمن» برنده مدال نقره از استرالیا نیز که سفیدپوست بود، به‌عنوان همبستگی با آنها، آرم «پروژه حقوق بشر المپیک» را بر روی لباس خود زده بود.

کمیته المپیک این دو ورزشکار را توبیخ کرد و سال‌ها این دو ورزشکار از حقوق اجتماعی‌شان محروم شدند و برای پیدا کردن کار دچار مشکل بودند. این شرایط تا دهه ۱۳۸۰ ادامه داشت تا آنکه کمیته المپیک اقدام آنان را به منزله عملی شجاعانه تحسین کرد.

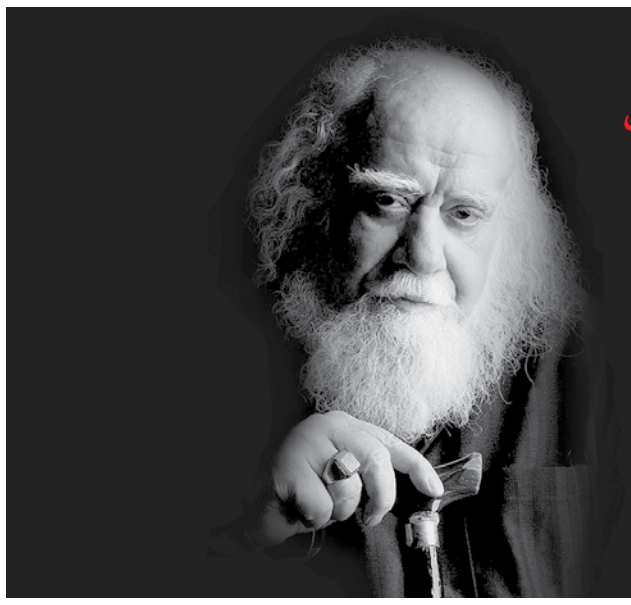

نمی از یمِ ملکات اخلاقی و فضایل علمی استاد محمدرضا حکیمی

مرزبانی جامع‌نگر و اخلاق‌مدار

حمزه عالمی
دکتری اندیشه سیاسی

استاد محمدرضا حکیمی، مشهور به مرزبان توحید و فیلسوف عدالت و بی‌توجه به نام و نان، پس از عمری جهاد علمی و تألیف بیش از ۵۰ اثر متعدد و سترگ، در ۸۶ سالگی از دنیا رفت. نوشتن درباره شخصیت و اندیشه استاد حکیمی، به‌عنوانی فقیهی مجتهد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب «دانشمندی جامع و ادیبی چیره‌دست و اندیشه‌ورزی نوآور و اسلام‌شناسی عدالت‌خواه» کار آسانی نیست. علامه حکیمی با اندیشه و عقاید خود زندگی می‌کرد و آنچه بیش از هر چیز برایش اهمیت داشت، عمل به دانسته‌ها بود. برای او عالِم بودن با دانستن مساوی نبود و تنها عمل به دانسته‌ها تعریف عالِم را تصدیق می‌کرد. همین درهم‌تنیدگی اندیشه و عقاید استاد حکیمی با اعمال و کردار وی، صداقت را به‌عنوان ویژگی او مسجل می‌کرد و علاقه جریان‌ها و متفکران مختلف و مقابل او به ایشان نیز برخاسته از همین صداقت و بی‌آلایشی وی بود.

برجسته‌ترین ابعاد اندیشه و عمل علامه حکیمی

حیطه‌های اندیشه و عمل استاد حکیمی، از وسعت گسترده‌ای برخوردار است، اما اگر بخواهیم برجسته‌ترین ابعاد اندیشه و عمل او را مفهوم‌بندی کنیم، می‌توان از او به عنوان فقیهی محدث، حکیمی اجتماعی و محققی اخلاقی و صاحب ادب یاد کرد. استاد حکیمی با تألیف دایرةالمعارف ۱۲ جلدی «الحیاة»، (به همراه دو برادرش علی و محمد حکیمی) تلاش کرد معارف اسلام را بر مبنای قرآن و حدیث معرفی کند. به گفته رسول جعفریان، محور اصلی تلاش نویسندگان الحیاة ارائه چهره حقیقی اسلام در مقابل تفکرات التقاطی است. همین اندیشه، یعنی پاک‌سازی اسلام و جدا کردن آن از اندیشه‌های غیر، محتوای اصلی مکتب تفکیک را تشکیل می‌دهد. علامه حکیمی مکتب تفکیک را که ادامه اقدامات فکری استادان حوزوی مشهد، همچون میرزامهدی اصفهانی، شیخ‌مجتبی قزوینی، آیت‌الله سیدجعفر سیدان بود، به‌عنوان مکتبی که میان سه دانش وحیانی، فلسفی و عرفانی تمایز و تفکیک قائل می‌شود، تدوین و تحکیم بخشید و با نقدِ آمیختگی دو دانش فلسفی و عرفانی با معارف اسلامی، شناخت اسلام ناب را در جدا کردن آن از این دانش‌ها و تکیه بر معارف قرآنی و حدیثی می‌دانست. تأکید استاد حکیمی بر قرآن و حدیث، البته با رویکرد اخباری‌گری سنتی فاصله دارد و هرچند برخی مکتب تفکیک را با عنوان نواخباری‌گری توصیف می‌کنند، اما تفاوت‌های مهمی میان این دو وجود دارد؛ در حالی‌که اخباری‌گری، فقه اصولی را رد می‌کند، علامه حکیمی خود فقیهی اصولی به شمار می‌آید. همچنین در مقابل اخباری‌گری که بر نقل صرف آیات و حدیث و کنارگذاشتن روش عقلی تأکید دارد، شیوه و منش علمی و تحقیقاتی استاد حکیمی، شیوه بحثی و گفت‌وگویی است و این شیوه نمی‌تواند مستدل و عقل‌گرا نباشد. علامه حکیمی از روحانیون می‌خواهد که عالمانی آگاه و زمان‌شناس باشند و شش حیطه آگاهی را برای یک محقق روحانی ذکر می‌کنند که آگاهی جامع از دین، آگاهی از انسان و جامعه، آگاهی از بسترهای فردی و اجتماعی رشد و تکامل انسان، آگاهی از زمان و تطورات فرهنگی و اندیشگانی و دست‌آخر آگاهی از موانع رشد و تکامل انسان از جمله این حیطه‌ها هستند. به این ترتیب تأکید بر آگاهی و خردورزی مقامی والا در اندیشه استاد حکیمی دارد و این موضوع فاصله‌های او را با اخباری‌گری نشان می‌دهد. این بحث را می‌توان در حوزه اندیشه سیاسی استاد نیز دنبال کرد و در مقابل اخباریون که تفکر آنان موانع مهمی را در رسیدن به حکومت دینی برمی‌انگیزد، علامه حکیمی با تعابیر خاص خود هوادار جدی حکومت دینی است و آن را به شیوه خاصی اثبات می‌کند که تشریح اندیشه سیاسی ایشان در این باب نیازمند مجال دیگری است. در کنار همه اینها علامه حکیمی در منش علمی خود، با احترام بسیار زیادی نسبت به سایر اندیشه‌ها و متفکران، به‌صورتی روشمند و با دقت تمام مواجه می‌شود و باید تأکید کرد که اساساً همین شیوه خود زمینه بحث و گفت‌وگو را فراهم می‌کند. ایشان به عنوان منتقد ملاصدرا، در تألیف کتاب «معاد جسمانی در حکمت متعالیه»، دفاعیه مستدل از ملاصدرا ارائه می‌دهد و طی آن صدرالمتألهین را در مقابل دیدگاه برخی که او را به دلیل اعتقاد به معاد روحانی تکفیر می‌کنند، معتقد به معارف قرآن و تعالیم پیامبر(ص) دانسته و از منظر تفکیکی از ملاصدرا دفاع می‌کند. شیوه بحثی و گفت‌وگویی علامه حکیمی با دوری وی از شهرت و نام‌آوری و در عین حال بدون عزلت‌گزینی جمع شده بود و شخصیت چند بُعدی ایشان را نشان می‌داد. علامه حکیمی وقتی در سال ۱۳۴۵، پس از کسب علم از محضر استادان حوزه علمیه خراسان به تهران آمد، وارد محیط‌های فکری و روشنفکری، انتشارات مذهبی و غیرمذهبی شد و با تیپ‌های متفاوت فکری و فرهنگی تعامل و بحث و گفت‌وگو داشت. این رویکرد ارتباطی استاد حکیمی با هدف آگاهی بیشتر از تفکرات و اندیشه‌های مختلف بود و همین موضوع او را به ضرورت احیای آموزه‌های قرآنی و حدیثی با رویکردی جدید و با هدف آگاه کردن روشنفکران از ذخایر معرفتی اسلام وا داشت. به این ترتیب او حکیمی عزلت‌گزین نبود، بلکه اندیشه‌اش در تعامل با ضروریات زمانه که تشخیص داده بود، شکل گرفت و آن را با نهایت ادب و اخلاق ارائه می‌کرد. چنین رویکردی هرچند نگرش خلوص‌گرایانه علامه حکیمی به دانش‌های اسلامی را با نقد و مخالفت مواجه می‌کند، اما نکته بسیار مهم این است که پیوستگی اندیشه و اخلاق در کردار ایشان، به‌هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد، خلوص‌گرایی موردنظر وی به جبهه‌بندی و قطبی‌گرایی راه ببرد.

فریادگر عدالت و برانگیختن حوزه‌های تحقیقی جدید

محور اصلی اندیشه استاد حکیمی، ضرورت برقراری عدالت است که این موضوع نیز همانند سایر اندیشه‌های وی در هم‌تنیده با زندگی و عمل استاد است. اهمیت و ضرورت عدالت برای استاد حکیمی برخاسته از محوریت قرآن و حدیث و به‌ویژه نهج‌البلاغه و سیره امام علی(ع) در اندیشه اوست. او جامعه اسلامی را قائم به عدل و قسط و به دور از اختلافات طبقاتی می‌داند و با استناد به کلام امام علی(ع)، برقراری عدالت را بر حکومت ترجیح می‌دهد، یعنی فلسفه برپایی حکومت را عدالت می‌داند و از آن معنای مقابله با انحصارگرایی در سه حوزه «سیاست»، «اقتصاد» و «فرهنگ» را اراده می‌کند. دفاع علامه حکیمی از عدالت هرچند در چارچوب مدافعات اسلام از عدالت و مقابله با فقر است، اما او تأملات بکری را برمی‌انگیزد که می‌تواند باب جدیدی را در موضوع عدالت باز کند. یکی از زمینه‌های اساسی توجه او به عدالت اهمیت کرامت انسان در اندیشه اوست و این موضوع- البته نیازمند توضیح بیشتری است- او را به این اندیشه رهنمون می‌کند که نخستین گام در جهت برطرف کردن ظلم و برقراری عدل، رفتن به سراغ مظلوم‌ترین‌هاست. می‌توان این بحث را ادامه داد و به مقایسه آن با آنچه جان رالز در کتاب «عدالت به مثابه انصاف» می‌گوید، رسید. این بحثی است که با مراجعه به کتاب «منهای فقر»، اثری انقلابی از استاد حکیمی برانگیخته می‌شود.

ریزش‌ها

فراز و فرود محسن سازگارا - ۲

نگاه تراژیک!

شاید این سؤال برای خیلی از ما پیش آید که آیا انحطاط فکری و اخلاقی در یک فرد مثلاً درباره محسن سازگارا دفعتاً ایجاد می‌شود؟ اندیشمندان علوم انسانی و مالا علوم دینی معتقدند، انحطاط فکری و اخلاقی امری تدریجی و بطئی است و معمولاً زمینه‌های آن در شخصیت افراد وجود داشته است. بررسی احوالات شخصی فردی، همانند محسن سازگارا نیز نشان می‌دهد، وی از ابتدا دچار افکار التقاطی بوده و از زمان قبل از انقلاب با مواضع اصلی جمهوری اسلامی و انقلابیون فاصله زیادی داشته است. سازگارا در گفت‌وگویی با صدای آمریکا، انقلاب اسلامی را یک «تراژدی» توصیف می‌کند و با تقلیل دادن نقش بی‌بدیل امام خمینی(ره) در برپایی و رهبری انقلاب اسلامی این‌چنین می‌گوید: «به نظر من آنچه در انقلاب ۱۳۵۷ رخ داد یک تراژدی بود. اگر انقلاب محصول یک نسل انقلابی بود و کادرها و مدیران آن توانستند یک انقلاب را با قدرت به پیروزی برسانند، حتی بسیاری از آنها تجربه شکست خوردن در یک جنگ را هم ندارند، بلکه مهم‌ترین افتخار آنها زنجیرکشی و چماق‌زنی بر سر زنان و دانشجویان و کارگران و اقشار دیگر مردم در یک دهه گذشته است... ما وارد جمهوری چهارم شدیم یعنی تحولات درون جامعه ایران و خود انقلاب این مرحله جدید را به وجود آورده است. این جمهوری دیگر از جنس جمهوری اسلامی نیست!»

تحلیل سازگارا مبتنی بر نظریه‌هایی است که دین را در حد یک نظریه انسان‌ساخته تلقی کرده و آن را از وحی الهی جدا دانسته است و همچنین می‌توان این دین را تبدیل و تأویل کرد. طی چنین تأویل و تبدیلی، چیزی به اسم اسلام اصیل وجود نخواهد داشت و هرکس در هر زمانی می‌تواند دین را متناسب با افکار و منویات خود تغییر دهد. تحلیل سازگارا را می‌توان تحت تأثیر همان آموخته‌های وی از سروش و سایر روشنفکران دانست. محسن سازگارا تلاش فراوانی به عمل آورده بود تا در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی حضور گروهک‌های ضد انقلاب در داخل کشور تثبیت و به رسمیت شناخته شود، اما با طغیان مسلحانه‌ای که این گروهک‌های ضد انقلاب به ویژه منافقین از خود بروز دادند و همچنین قاطعیت شهید لاجوردی در مقابله با آنها، تلاش‌های فراوان محسن سازگارا ناموفق و بی‌نتیجه ماند. از این رو، محسن سازگارا بنا به دلایل و بهانه‌های گوناگون نسبت به شهید لاجوردی کینه‌ورزی می‌کرد؛ چرا که شهید لاجوردی به صورت انقلابی با گروهک‌های مسلح برخورد می‌کرد و در مقابل طرح‌های امثال سازگارا از مواضع درست و انقلابی کوتاه نمی‌آمد.

آفاق

چهره پنهان سیاست - ۱۰

نفوذ راهبردی!

سیامک باقری
دکترای علوم سیاسی

نفوذ راهبردی برای پیشبرد سیاست‌های پنهان دولت‌های سلطه‌گر شکل دیگری از نفوذ است که سازمان‌های اطلاعاتی آنها در جهان دنبال می‌کنند. از آنجایی که در این شکل از نفوذ، فرد نفوذی در یک فرآیند بی‌صدا وارد یک گروه و حزب، نهادهای غیردولتی یا دولتی و مراکز حساس و مهم به منظور تأثیرگذاری و هدایت نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌شود، از آن به نفوذی راهبردی یاد کردیم؛ زیرا این نوع نفوذ معمولا مأموریت بلندمدتی دارد، عموماً سطوح راهبردی نظام، نهادها و دفاتر شخصیت‌های نافذ را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشف مأمور نفوذی نیز دشوار است و همچنین با پیامدهای ناخوشایندی روبه‌روست. نفوذی راهبردی که در یک فرآیند بسیار طبیعی در یک سیستم انجام می‌شود، ممکن است تا رهبری یک حزب، کسب پست‌های مهم در نهادها و وزارتخانه‌ها رشد کند.

چنین نفوذی‌ای در ادبیات امام خمینی(ره) به عنوان سرسپرده بسیار یاد شده است. ایشان براساس شناخت عمیق سیاسی و تاریخی، غایت نفوذ راهبردی را انحراف از اصول و فروپاشی نظام سیاسی می‌دانند: «چه بسا با نفوذ سرسپرده داخلی در ارگان‌های دولتی و مقامات مؤثر، به تدریج قدم به قدم کار خود را انجام دهند و انسان مستقیم را منحرف می‌کنند و متعهدان را وابسته نمایند. غفلت از این امر، فاجعه‌برانگیز است و همه مقامات، خصوصا مقامات بالا چون رؤسای سه‌گانه، بیشتر مورد نظر و هدف هستند، زیرا انحراف آنان- خدای نخواسته- ممکن است انحراف رژیم را در پی داشته باشد.» (موسوی خمینی، همان ج۱۹: ۳۷۰)

از ویژگی‌های مهم نفوذی راهبردی، نشان دادن خود به منزله مدافع منافع ملی و علنی نکردن موضع حمایتی خود در قبال دشمن است. شولسکی در کتاب «نبرد بی‌صدا، درک دنیای اطلاعات» بر این باور است که چنین عاملی نمی‌تواند به صورتی علنی از سیاست‌هایی که برای یک قدرت خارجی احتمالا غیردوست سودمند است، دفاع کند. او باید به نحوی در صدد اعمال نفوذ بر برداشت‌های همکارانش بر آید که آنها به طور طبیعی، به اتخاذ مواضع سودمند برای دولت عامل ذی‌نفوذ سوق پیدا کنند. (شولسکی، ۱۳۸۷ :۱۷۵) به همین دلیل اهمیت و پیامدهای این نوع نفوذ بسیار خطرناک‌تر از نفوذی اطلاعات محور و جاسوسی صرف است. وقتی کشوری تحت نفوذی راهبردی قرار گرفت، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، طبق اراده دشمن خواهد شد. در هر صورت استفاده از این نوع نفوذ از شیوه‌های متداول سرویس‌های جاسوسی است و شناخت آنها، چهرهٔ پنهان و نیمه پنهان سیاست را بیشتر آشکار می‌کند. در شماره‌های آتی با برخی از نمونه‌های مهم تاریخی نفوذ راهبردی در جهان و ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی آشنا خواهیم شد.

سیاست‌نامه

اندیشه سیدمحمدکاظم یزدی-۱

زندگی و زمانه!

فتح‌الله پریشان
دبیر گروه اندیشه

آیت‌الله‌العظمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۲۴۷- ۱۳۳۷ هـ . ق) مشهور به صاحب «عروةالوثقی» از فقهای تراز اول شیعه و دارای آثار و تألیفات متعددی به ویژه در دانش فقه است. موضع‌گیری مناسب وی در دو جریان مشروطه و اشغال عراق به دست انگلیس از یک سو و تسلط وی بر فقه از سوی دیگر، بررسی اندیشه سیاسی و مبانی سیاسی و اجتماعی وی را ضروری می‌کند؛ از این رو به اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران سیدمحمدکاظم یزدی و چگونگی بهره‌گیری از تجارب آن زمانه برای زندگی امروز اشاره کنیم و پیوندی معنادار میان اوضاع مذکور و اندیشه سیاسی- فقهی این فقیه برقرار کرده را توضیح دهیم. بررسی نظام سیاسی و اجتماعی و بایسته‌های حکومت اسلامی از منظر فقه سیاسی سیدمحمدکاظم یزدی و جایگاه سیاست و رابطه آن با دین و فقه از منظر وی از مهم‌ترین مباحث مورد اشاره در این مقالات خواهد بود. مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی در یزد به دنیا آمد و در مقدمات را در مدرسه دومنار یزد نزد ملامحمدابراهیم اردکانی و آخوند زین‌العابدین عقدایی که هر دو استاد ادبیات بودند، آموخت. سپس به مشهد مهاجرت کرد و علم هیئت و ریاضیات را نزد استادان آنجا آموخت. در اصفهان نیز در محضر شیخ محمدباقر نجفی (استاد بزرگ حوزه اصفهان و پدر آقا نجفی اصفهانی) و سیدمحمدباقر خوانساری، صاحب روضات‌الجنات و میرزا سیدمحمدهاشم خوانساری و چند نفر از بزرگان اصفهان شاگردی کرد.[1] عطش آموختن تقدیر مهاجرت به نجف را برایش رقم زد و سیدمحمدکاظم جوان در سال ۱۲۸۱ به نجف مهاجرت کرد و از محضر میرزای‌شیرازی (صاحب فتوای تنباکو)، شیخ راضی نجفی و شیخ مهدی کاشف‌الغطا بهره‌مند شد. پس از مهاجرت میرزای‌شیرازی به سامرا، وی تدریس فقه در نجف را برعهده گرفت و پس از درگذشت میرزای شیرازی، تدریس طلاب در حوزه به‌طور کامل به دست وی سپرده شد. در بررسی فرازهای زندگی سید ناگزیر از ورود در تاریخ انقلاب مشروطه مردم ایران و نقش وی در این نهضت هستیم. وی در جریان مشروطه در ایران از ابتدا مخالف جریان مشروطه بود و جانبداری برخی علما از مشروطه در یک سو و مخالفت وی، اوضاع حوزه نجف و طلاب و مقلدان وی را در ایران، دچار دودستگی و آشفتگی کرد و سیدیزدی اواخر عمر خود را در این جریان‌های سیاسی بسیار به سختی سپری کرد. این موضوع را می‌توان از صورت تلگراف‌ها، مکاتبات و استفتائات هر دو گروه مشروطه‌خواه و ضد مشروطه با یزدی، در مجموعه اسناد منتشر شده از دوره قاجار، استنباط کرد. اگرچه افرادی همانند احمد کسروی از مورخان مشروطه که مشکلات جدی اعتقادی نیز با قشر علما و مذهبیون دارد، معتقدند «صاحب عروه برعکس حضرات خراسانی و مازندرانی سود خود را می‌جست»[2] و خیلی به مشروطه و سیاست کاری نداشت و بیشتر مشغول شرعیات و نمازگزاردن بود؛ اما بررسی آثار و آرای وی و تاریخ مهم مشروطه روشن می‌کند که علت تفکر وی به همان قضیه «سرکه انداختیم و شراب شد»، یعنی انحراف مشروطه از مدار دین مرتبط بوده و از این باب همانند شیخ فضل‌الله نوری می‌اندیشید.

منابع:
۱- حسن صدر، تکمله امل‌الامال، ج ۵، ص ۴۷۴.
۲- تاریخ مشروطه، احمد کسروی، ص ۳۸۰ تا ۳۸۲.

شماره ۱۰۱۳ | دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰
صبح صادق

نکته گرام

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه: ارسال یک و نیم میلیون واکسن آلوده آمریکایی به ژاپن و پیدا شدن مواد خارجی مشکوک در آن، که رسانه‌های غربی خبر آن را منتشر کرده‌اند، برای جهان نگران‌کننده است. ایالات متحده سابقه متعدد آزمایش‌های دارویی خطرناک روی مردم جهان را دارد. نباید تحت تأثیر جوسازی‌ها جان مردم را به خطر انداخت.

رضا سراج، کارشناس سیاسی: آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی از شرکای منطقه‌ای آنان در صدد سوریه‌سازی افغانستان هستند تا بی‌ثباتی را متوجه چین، روسیه و ایران کنند. مدیریت قدرت‌های آینده، تأخیر در روند افول آمریکا و دورسازی ایران از محور مقاومت با مشغول کردن در شرق، از جمله اهداف این طراحی شوم است!

علیرضا وهاب‌زاده، مشاور وزیر بهداشت: طی دو روز از غسال‌های تهران تا کادر درمان و پرستاران خوزستان، همه رئیس‌جمهور را از نزدیک دیدند! ما و همه مدیران وزارت بهداشت به جز دو یا سه نفر!! طی دو سال حضور در هسته مرکزی مقابله با کرونای وزارت بهداشت حتی یک بار هم رئیس‌جمهور را به جز ویدئو کنفرانس ندیدیم...

سعید صدرائیان، فعال رسانه‌ای: واکسن‌های آلوده ارجاعی از ژاپن را بیاورند اینجا، آقای تاج‌زاده و دوستان‌شان بسیار مشتاق هستند از آنها استفاده کنند.

حامد صفرپور، فعال فضای مجازی: آمار کشته‌های کرونا در آمریکا به مرز ۱۳۰۰ نفر نزدیک شد، فرماندار جدید نیویورک هم افشا کرد که هزاران کشته در خانه‌های سالمندان در آمار روزانه آمریکا گنجانده نمی‌شود و مخفی نگه داشته می‌شود. در ده روز گذشته چقدر روشنفکران وطنی ایران را مسخره کرده و آمریکا را چماق کردند؟

مجتبی روحی‌زاده، کاربر فضای مجازی: با رسیدن نفت ایران به لبنان قطعاً گرمای محبت بین مردم دو کشور بیش از پیش داغ‌تر خواهد شد و آتیش این گرما خود به خود دشمنان مشترک این دو کشور را خواهد سوزاند. ان‌شاءالله

ولی اسماعیلی، نماینده مجلس: برابر میانگین رأی اعتماد مجالس گذشته به کابینه دولت‌ها، رأی مجلس به دولت انقلابی آیت‌الله رئیسی بالاترین درصد (۷۷) از مجلس پنجم تا الان بوده است. برای کار و رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم هیچ بهانه‌ای وجود ندارد. مجلس انقلابی روزانه برنامه وزرای محترم را رصد و ارزیابی خواهد کرد.

عبدالله گنجی، فعال رسانه‌ای: در واکنش به آلودگی واکسن مدرنا طرفداران واکسن آمریکایی کجای مجلس نشسته‌اند و دارند به حال بهترین واکسن کرونا در جهان! غبطه می‌خورند؟ لطفاً معنای سخن حاج قاسم را که رهبری هیچ کار بدون حکمت نمی‌کند، بفهمید.

محمدمهدی حاج‌محمدی، رئیس زندان اوین: پرسنل بی‌تفاوتِ سازمان در فیلم‌های منتشره، به هیئت تخلفات اداری معرفی و از خدمت معلق شدند. پرونده‌هایی هم به دادسرای نظامی ارجاع شد. در سال گذشته، برخورد با تخلفاتی که منتهی به خاتمه خدمت پرسنل خاطی سازمان شد، رشد ۳۰ درصدی داشته است.

آن روی حریم شخصی

روبیکا

چرا به قانون صیانت از کاربران در فضای مجازی نیازمندیم؟

محمد صالح نادری
کارشناس فناوری اطلاعات

اگر با فضای مجازی، ارتباطی هرچند کم هم داشته باشید، این چند روزه سر و صداهای ایجاد شده حول برنامه کاربردی روبیکا را قطعا شنیده‌اید. آنچه بار دیگر این شرکت را بر سر زبان‌ها انداخته است، ماجرای عجیب جعل گسترده اکانت‌های معروف، پرفالوور و کم فالوور اینستاگرام در این شبکه است که کاربران مدعی هستند این اکانت‌ها بدون اجازه آنها ساخته شده و حتی در مواردی بدون اجازه آنها محتوا در آن کپی شده است.

در چند روز اخیر، گزارش کاربران از ساخت اکانت و صفحه برای‌شان در روبیکا کم کم بیشتر شد و ابعاد آن گسترش یافت. این اتفاق در شرایطی رخ داد که همزمان با مطرح شدن طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی، صحبت‌هایی از ایجاد نسخه‌های ایرانی برخی نرم‌افزارهای خارجی، مانند اینستاگرام به میان آمد و یکی از زیرمجموعه‌های روبیکا، یعنی روبینو نرم‌افزاری با ویژگی‌های شبیه به ایسنتاگرام است. موضوع از این نظر اهمیت ویژه‌ای نزد کاربران پیدا کرد (آن‌طور که روبیکا ادعا می‌کند) که برخی کاربران فرصت‌طلب، برای رزرو حساب‌های کاربری افراد معروف سریعاً در این نرم‌افزار ایرانی دست به کار شدند و شناسه‌های افراد مشهور را در روبیکا به نام خود ذخیره کردند؛ اقدامی که نشان می‌دهد افراد سودجو در فضای مجازی همیشه آماده فرصت‌طلبی هستند و حتی از جعل و کلاهبرداری از عناوین دیگران در این فضا ترس و واهمه‌ای ندارند!

اما در کنار اعتراض چهره‌هایی که طرفداران زیادی در اینستاگرام دارند، برخی اتفاقات مانند ساخت اکانت رسمی برای رضا ربع پهلوی در روبیکا و انتشار دلقک‌بازی‌های وی یا ساخت صفحه برای کانالی که پروکسی تلگرام را به اشتراک می‌گذارد یا دادن تیک آبی به صفحه جعلی بیان‌گر این واقعیت است که مدیریت نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی نیازمند توجه ویژه‌ای است و از حساسیت‌های بالایی برخوردار می‌باشد.

این ماجراها روبیکا را وادار به واکنش کرد. روبیکا در توضیحاتی، دخالت در ساخت شناسه کاربری بدون اطلاع افراد را تکذیب کرد. این شرکت درباره مشابهت نام کاربری در صفحات روبینو، توضیح داد: «در روبینو همانند تمام شبکه‌های اجتماعی امکان ثبت شناسه کاربری از ۵ تا ۳۰ کاراکتر برای تمام کاربران فراهم است. تنها محدودیت برای ایجاد حساب کاربری، این است که نام کاربری موردنظر قبلا توسط کاربر دیگری رزرو نشده باشد. در تمامی شبکه‌های اجتماعی، بی‌شمار پیج و کانال، مشابه با عنوان یا شناسه افراد، توسط کاربران ایجاد می‌شود که این امر در پلتفرم روبیکا با بیش از ۴۷ میلیون کاربر یکتای ثبت شده اجتناب‌ناپذیر است. ضمن احترام به عزیزانی که تاکنون مفتخر به میزبانی ایشان در پلتفرم روبیکا نبوده‌ایم و ایشان منتقد ایجاد کانال توسط سایر کاربران به نام‌شان در روبیکس و روبینو هستند به اطلاع می‌رساند سلب شناسه کاربری بدون کسب اجازه از مالک کانال یا صفحه امکان‌پذیر نیست.»

با کمی گشت و گذار در اخبار متوجه می‌شویم که شبیه این موضوع در دی ماه ۱۳۹۹ هم وجود داشته است. این شرکت در پاسخ به اعتراض تعدادی از بازیکنان تیم پرسپولیس نسبت به ایجاد صفحه رسمی بدون اطلاع آنها در شبکه اجتماعی روبینو اعلام کرد، ایجاد این صفحات در دی ماه ۱۳۹۹ در حاشیه برگزاری دربی ۹۴ استقلال و پرسپولیس، با هماهنگی کامل باشگاه و بازیکنان و در چارچوب کمپین مربوطه صورت گرفته است و بازیکنان می‌توانند در صورت عدم دسترسی به صفحات یا تمایل به حذف آنها با پشتیبانی روبیکا تماس بگیرند. اگرچه روبیکا اعلام کرد، بازیکنانی که مایل به داشتن این صفحات در روبینیو نیستند، می‌توانند صفحه را غیرفعال کنند؛ اما این واکنش سخت چهره‌های فوتبالی برای این شبکه داخلی آسان تمام نشد.

امروز هم با توجه به این که این پلتفرم مدلی از کسب‌کار اینترنتی را ارائه می‌کند و افراد می‌توانند در آن درآمدی داشته باشند، به نظر می‌رسد این امر سبب تیز شدن دندان طمع در عده‌ای کاربر فرصت طلب شده است که اقدام به جعل عناوین دیگران کرده‌اند تا از این راه دنبال کنندگانی به دست آورده و پولی به جیب بزنند.

اما نکته‌ای که این نرم‌افزار شبکه اجتماعی باید فکری برای آن کند این است که اگرچه روبیکا خود را در این ماجرا، مایل به همکاری برای رفع مشکل نشان داده، اما راهکاری برای رفع این مشکل ارائه نکرده و تأکید کرده است، امکان سلب حساب کاربری حتی جعلی بدون اجازه مالک ممکن نیست. در واقع شاید روبیکا را بتوانیم در این ماجراها زیاد مقصر ندانیم، اما باید جایی به دنبال مسیری برای پیگیری اعتراضات افراد بگردیم. اشخاصی که هویت آنها در نرم‌افزاری ایرانی جعل شده و عده‌ای با نام و جایگاه آنها ممکن است حتی درآینده کلاهبرداری‌هایی هم بکنند، امکان اعتراض و پیگیری‌ای برای خود نمی‌بینند. این آشفتگی نشان می‌دهد، به قانون مشخصی برای صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی نیاز است که حقوق آنها را هم در شبکه‌های داخلی و هم در شبکه‌های خارجی حفظ کند. در واقع در این رخداد، جعل و حتی جرم رخ داده‌است و روبیکا باید قاطعانه‌تر برخورد کند و رویه‌های عادی خود را که برای شرایط معمول درنظر گرفته است، کنار بگذارد تا کاربران در این شبکه مجازی، احساس امنیت کنند و یقین داشته باشند که هویت و حریم شخصی آن‌ها بوسیله افرادی سودجود مورد تهدید قرار نخواهد گرفت.

در واقع قانون صیانت از کاربران در همین‌جا به کار می‌آید، پلتفرمی که ایرانی است و نماینده‌های آن در کشور وجود دارند، مسیری مشخص برای پیگیری خواسته‌های کاربران خود تعیین نمی‌کند و تنها یک ایمیل را به عنوان راه ارتباطی معرفی می‌کند و نظری درباره جعل و کلاهبرداری عده‌ای با هویت افراد معروف در پلتفرم متبوع خود ندارد.

این اتفاقات همانطور که گفته شد، بیش از پیش نیاز به وجود یک قانون شفاف برای مدیریت و پیگیری خواسته کاربران در فضای مجازی را گوشزد می‌کند و با وجود یک مرجع رسیدگی، در آینده کمتر شاهد چنین اتفاقاتی خواهیم بود. حتی اگر از نظر قانون روبیکا در این ماجرا مقصر نباشد، کاربران حقیقی فضاهای مجازی با وجود قانونی سفت و سخت، دیگر به خود اجازه جعل هویت افراد دیگر را نخواهند داد.

مالیات شاخ‌ها!

امیرمهدی صالحی
کارشناس رسانه

همه افرادی که درآمدی دارند و درآمدشان از یک حد تعیین شده فراتر است، ناگزیر باید مالیات دهند، هرچند به مذاق‌شان خوش نیاید! دسته جدیدی که به مالیات‌دهندگان اضافه شده‌اند، اینفلوئنسرها یا همان شاخ‌های مجازی هستند که به تازگی بخشنامه اخذ مالیات از اینفلوئنسرها به دستگاه‌های اجرایی کشور ابلاغ شده است. اسفند ماه سال ۱۳۹۹ بود که مجلس، سازمان امور مالیاتی را به تدوین دو ماهه «آیین‌نامه اخذ مالیات از اینفلوئنسرها» ملزم کرد تا صفحات مجازی که تعداد کاربران‌شان بالای ۵۰۰ هزار نفر است و تبلیغات می‌گیرند، تبلیغات آنها مشمول مالیات باشد.

طبق این بند از قانون «درآمدهای کاربران دارای بیش از ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده رسانه‌های کاربرمحور از محل تبلیغات، مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود؛ سازمان امور مالیاتی مکلف است لیست مودیان مالیاتی و خوداظهاری تهیه شده توسط آنها را تهیه و در سایت سازمان در منظر عموم قرار دهد.»

اما وقتی این قانون اعلام عمومی شد، در افکار عمومی ایرادی به آن گرفته شد و برخی در انتقاد به روش اجرای این قانون گفتند که راه‌های دور زدن قانون باز گذاشته شده و قانون‌گذار برای آنها فکری نکرده است. انتقاد این بود که از این به بعد ممکن است اینفلوئنسرها نزدیک به قبل از عدد ۵۰۰ هزار مثلاً ۴۹۰ هزار فالوور، پیج‌شان را پرایوت (خصوصی) کنند و درخواست فالوی کسی را تأیید نکنند که تعداد فالوورها بالاتر نرود.

سپس در همان صفحه بنوسیند که نفر ۴۹۰ هزار به بعد پیج دوم را فالو کنند. از سوی دیگر، کسب و کارها هم برای تبلیغات به سراغ اینفلوئنسرای کمتر از ۵۰۰ هزار دنبال‌کننده بروند.

اما واقعاً قانون‌گذار برای این راه دور زدن قانون فکری نکرده بوده است؟ باید گفت کسی که قانون‌گذار است، خیلی بهتر از افرادی که قانون را قرار است رعایت کنند، راه‌های دور زدن آن را بررسی می‌کند. در موضوع مالیات از شاخ‌های مجازی به گمان کارشناسان ابتدا سعی شده است این موضوع جا بیفتد و مورد پذیرش قرار گیرد و مخاطبان این قانون بپذیرند که چنین مالیاتی باید وجود داشته باشد و بعد در قدم‌های بعدی، اجرای کامل‌تر و دقیق‌تری از این قانون خواهیم دید.

همچنین اگر در همین قدم اول، چنین قانونی را با پیچیدگی‌هایی همراه می‌کردیم، امکان اجرای همین حد از قانون هم پیدا نمی‌شد.

یکی از نکات مهمی که باید به آن توجه کنیم، این است که میزان درآمد شاخ‌ها چگونه محاسبه خواهد شد؟ آمار و ارقام بهای تبلیغات در اینستاگرام روزانه در حال افزایش است و صاحبان صفحات پردنبال‌کننده حساب‌های مالی شفافی به عنوان حساب دریافت هزینه تبلیغات معرفی نخواهند کرد و از این جنبه هم راه دور زدن قانون مانند دیگر مشاغل پردرآمد برای پرداخت مالیات باز است؛ اما باید در کنار تمام این موارد به این نکته هم توجه کرد که به دست آوردن یک جامعه اطلاعاتی از شاخ‌های مجازی کشور یکی از منفعت‌های این قانون خواهد بود که باید دید آیا این امر محقق می‌شود یا خیر؟

نرم‌افزار

کارنامه

قیمت‌گذاری، خرید و فروش خودرو

نرم‌افزار رایگان «کارنامه» با ارائه سرویس‌های کارشناسی خودرو و مشاوره قیمت در محل، فروش سفارشی خودرو، خرید خودرو با ضمانت و تخمین قیمت برخط خودروهای صفر و کارکرده از ابتدا تا انتهای معامله خودرو شما را همراهی می‌کند. وقت خرید و فروش خودرو، کارنامه‌دستیار مطمئن شماست.

پس از ثبت درخواست و توافق بر سر قیمت، کارشناسان فروش کارنامه خودروی شما را آگهی می‌کنند و به تمام تماس‌های خریداران پاسخ می‌دهند و در نهایت خودروی شما را به فروش رسانده و امنیت معامله شما را تضمین می‌کنند.

پژواک

سرقت آمریکایی

داده‌های ۱۰۰ میلیون کاربر فاش شد

اپراتور «تی موبایل» که یکی از سه اپراتور بزرگ تلفن همراه در ایالات متحده به شمار می‌آید، از تحقیقات در مورد نشت و سرقت اطلاعات بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر خود خبر داده است. منابع امنیتی می‌گویند، هکرها با دسترسی به سرورهای تی موبایل توانسته‌اند داده‌های خصوصی صدمیلیون نفر را سرقت کنند.

از جمله اطلاعات سرقت شده می‌توان به شماره‌های تأمین اجتماعی، شماره‌های تلفن همراه، اسامی، اطلاعات گواهی نامه‌های رانندگی و غیره اشاره کرد. گفتنی است، هکرها اطلاعات ۳۰ میلیون نفر را در ازای ۶ بیت‌کوین به فروش رسانده‌اند.

خبرخوب

میکروسی‌تی

تصویربرداری از ساختار داخلی ریزذره‌ها

«میکروسی‌تی» یک روش فناورانه تصویربرداری سه بعدی است که از اشعه ایکس برای مشاهده داخل یک شیء استفاده می‌کند. در این روش که به آن «میکروتوموگرافی» یا «توموگرافی میکروکامپیوتری» نیز گفته می‌شود، کاری مشابه تصویربرداری با سی‌تی‌اسکن در بیمارستان انجام می‌شود؛ اما در مقیاس کوچک و با وضوحی بسیار زیاد و از این تجهیز دانش‌بنیان می‌توان برای مطالعه ساختار داخلی نمونه‌های مادی و زیستی بدون نیاز به برش نمونه‌ها، برای حفظ آنها یا مطالعات آینده استفاده کرد و موفقیت بزرگی در این گونه تحقیقات برای ایران در پی خواهد داشت.

سیر در مهم‌ترین آثار علامه حکیمی(ره)

اندیشه‌ورزی نوآور و اسلام‌شناسی عدالتخواه

شمع فروزان معرفت

حسین مهریزی
خبرنگار فرهنگی

هفته‌ای که گذشت، برای اهالی فرهنگ و اندیشه با خبر تلخ ارتحال یک استاد فرزانه و متفکر جامع در جهان تشیع همراه شد. علامه محمدرضا حکیمی(ره) پس از یک عمر مجاهدت علمی و معرفتی، درپی آثار ناشی از ابتلا به بیماری منحوس کرونا و عوارض قلبی، در ۸۶ سالگی حیات را وداع گفت و به دیدار معبود شتافت.

شخصیت کم‌نظیری که با القابی همچون «فیلسوف عدالت» و «مرزبان توحید» شناخته شده و در سال‌های عمر پربرکتش، تلاش کرد تا معارف عمیق و انسان‌ساز قرآن کریم و اهل بیت(ع) را در قالب آثار حدیثی، تاریخی، کلامی و فلسفی به تشنگان این معارف ناب و جویندگان این مسیر نورانی عرضه کند.

رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت درگذشت این عالم محقق و فرزانه، ایشان را «دانشمندی جامع، ادیبی چیره‌دست، اندیشه‌ورزی نوآور و اسلام‌شناسی عدالتخواه» توصیف کردند و گفتند: «ایشان عمر را فارغ از آرایه‌ها و پیرایه‌های مادی، در خدمت معارف والای قرآن و سنت گذرانده و آثاری ارزشمند از خود به جا نهادند. بهره‌گیری از محضر پرفیض و نفس گرم استادان معرفت و معنویت در مشهد مقدس، ذخیره‌ای از توکل و تعبد و غنای نفس در دل و جان این شخصیت عزیز به جا نهاده بود که تا آخر عمر با برکتش، وی را استوار می‌داشت.»

بیش از ۵۰ عنوان کتاب، یادگار ارزشمندی است که از این عالم فرزانه و اسلام‌شناس نواندیش به یادگار مانده و در روزگار احاطه تفکرات گوناگون صواب و ناصواب بر زندگی انسان‌ها، می‌تواند سرمایه گران‌قیمتی برای جویندگان معرفت و پویندگان مسیر تعالی و کمال باشد.

گذری بر عنوان و محتوای چند اثر از آثار استاد، برای اهالی کتاب و تحقیق و مشتاقان آشنایی بیشتر با مشرب فکری آن فقیه عدالتخواه، مغتنم است.

الحیاة؛ یادگار کم‌نظیر استاد

«الحیاة» معروف‌ترین اثر مرحوم استاد حکیمی(ره) است که در ۱۲ جلد و به زبان عربی و طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۴ تألیف شده و یک دوره کامل و مستند، از نگرش دین اسلام (قرآن و حدیث) به موضوعات گوناگون است. در واقع، علامه حکیمی در این کتاب ذی‌قیمت که با همراهی دو برادر محققش نگارش شده، به شرح و تبیین دیدگاه اسلام درباره مسائلی همچون عدالت اجتماعی، آزادی‌های فردی، حکومت اسلامی، مسائل خانوادگی، اقتصاد در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر (مسئولیت اجتماعی) و... پرداخته است تا منظومه کاملی از نگرش اسلامی صحیح و اصولی به مسائل زندگی فردی و اجتماعی ارائه شود. این کتاب ارزشمند به زبان فارسی هم ترجمه شده و پیش روی پژوهشگران و کتاب دوستان قرار دارد.

خورشید مغرب

«خورشید مغرب» عنوان اثر ماندگار دیگری از زنده‌یاد استاد حکیمی است که با موضوع شناخت امام زمان(عج) نگارش شده است. این کتاب در ۱۴ فصل پیرامون زندگی و شخصیت امام عصر(عج) و دوران غیبت و ظهور ایشان است و استاد در بخشی از کتاب، چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ در روزگاران غیبت و انتظار، حفظ دین و نگهبانی مرزهای عقیدتی و حراست از باروهای باورهای مقدس است. جامعهٔ منتظر، نباید دربارهٔ این امر عظیم سستی روا بدارد.»

بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی (عج)

یادگار معروف و ماندگار دیگر از مرحوم علامه حکیمی که اساساً برای نوجوانان و جوانان نگارش شده، کتاب «بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی(عج)» است که تلاش می‌کند با شرح و تحلیل چهار واقعه یا چهار دوران اساسی عالم اسلام و ارتباط میان آنها، منظومه فکری منظم و منسجمی در زمینه اسلام‌شناسی و درک مسائل اصلی آن به خوانندگان ارائه دهد. این کتاب در ۱۷۶ صفحه نگارش شده و به ویژه در دنیای امروز که افکار التقاطی و انحرافی همچنان جولان می‌دهد، سرمایه‌ای ارزشمند برای مطالعه نوجوانان و جوانان است.

هویت صنفی روحانی

اثر دیگری که در میان آثار استاد، برجستگی و تمایز بیشتری دارد، کتاب «هویت صنفی روحانی» است که تلاش می‌کند ماهیت و هویت طلبه و روحانی را در زندگی اجتماعی به خوبی تبیین کرده و رسالت او را توضیح دهد. هرچند شاید تصور شود مخاطب این کتاب طلاب علوم دینی هستند، اما واقعیت این است که مطالعه این کتاب و درک مفهوم و پیام آن، هم برای روحانیون و هم برای عموم آنان که دغدغه‌مند ایفای نقش بهتر و مؤثرتر روحانیون در مسائل و مشکلات جامعه هستند، می‌تواند مفید و راهگشا باشد. هرچند در این مجال، فرصت معرفی همه آثار ارزشمند علامه حکیمی(ره) نیست، اما گذری بر همین چند اثر، می‌تواند چراغ راه جویندگان معرفت باشد.

برداشت

ابتکاری که باید الگو شود

ترویج مطالعه آثار عاشورایی در هیئات مذهبی

حامد حسین‌عسکری
خبرنگار فرهنگی

مسئله انس با کتاب و کتابخوانی، از آن قبیل مسائلی است که همچنان در کشور ما محل چالش و اما و اگر است؛ چالش اصلی این مسئله هم به پایین بودن سرانه مطالعه برمی‌گردد که با توجه به هویت دینی حاکم بر جامعه ایرانی و تأکید دین اسلام بر دانایی، تلخی این نقیصه بیشتر خودش را نشان می‌دهد.

هرچند مسائلی، همچون گرانی کتاب هم در این میان مطرح است، اما به نظر نمی‌رسد این عامل تأثیر چندانی در عادت بد کتاب‌گریزی خیلی‌ها داشته باشد و مشکل از آنجا آب می‌خورد که هنوز این باور که مطالعه مستمر و هدفمند راه توسعه همه‌جانبه یک جامعه است، در بین ما جا نیفتاده است.

در کنار همه روش‌های تبلیغی و ترویجی برای افزایش کتابخوانی، حالا چند وقتی است که برخی هیئت‌ها دست به کار شده‌اند و تلاش کرده‌اند به توسعه این فرهنگ کمک کنند. ابتکار آنها هم خیلی ساده و در عین حال، اثرگذار است؛ یعنی معرفی کتاب از سوی مداح و خواندن بخش‌هایی از آن در هیئت.

این ابتکار قابل تحسین، از حدود دو سال پیش و در هیئت انصارالحجة(عج) مشهد پا گرفت و بعدها برخی دیگر از هیئات مذهبی هم هرچند به صورت اندک، از این کار فرهنگی الگوبرداری کردند. برجسته‌ترین نمونه آنها، هیئت حاج‌محمود کریمی بوده که معرفی کتاب و خواندن فرازهایی از آن، با زبان خود وی انجام شده است.

امسال هم در ایام عزای حضرت اباعبدالله(ع)، برخی هیئت‌ها و محافل عزاداری به صورت جسته و گریخته این سنت نوپا و حسنه را دنبال کردند که به گفته بانیان و مسئولان این هیئات، گاهی معرفی یک کتاب و عرضه آن در محل هیئت، موجب فروش رفتن همه آنها در مدتی کوتاه شده و بازخوردهای امیدوارکننده‌ای هم داشته است.

معرفی کتاب و خواندن بخش‌هایی از آن در فضایی، مانند هیئت عزاداری یا محافل سرور اهل بیت(ع)، با توجه به عمومیتی که در این محافل حاکم است و همه اقشار و سلیقه‌ها در آنِ واحد حضور دارند، هم می‌تواند به غنای کار هیئات و مداحان کمک کند و هم عامل مؤثری است برای تشویق مستمعان، به ویژه نوجوانان و جوانان به کتابخوانی.

با این قبیل ابتکارات، هیئت نماد تلفیق شور و شعور دینی و معرفت‌افزایی برای مخاطبان می‌شود.

نماهنگ

نسل حسینی

نماهنگی تقدیم به حضرت علی‌اصغر(ع)

کاروان عزاداری «نسل حسینی» به همت مرکز رسانه سازمان تبلیغات اسلامی و مرکز آفرینش‌های هنری بسیج راه‌اندازی شده و با حضور در مناطق مختلف شهر تهران، عزاداری سیدالشهدا را در فضای معنوی در سطح تهران برگزار می‌کند. از جمله برنامه‌های این کاروان می‌توان به گروه سرود نوجوانان، روضه‌خوانی و ذکر مصیبت اشاره کرد. حالا به تازگی این کاروان نماهنگی به نام «لالا» را تقدیم به حضرت علی‌اصغر(ع) کرده است.

شعر

چون الف تنها

مجموعه شعر رضا طهماسبی منتشر شد

مجموعه شعر «چون صفر تهی، چون الف تنها» سروده رضا طهماسبی روانه بازار کتاب شد. این مجموعه شعر شامل هشت شعر نیمایی، ۱۵ غزل، چهار چارپاره و اشعار دیگری است. دل‌خوشی، صدای تو، در مقام صبر، گفت‌وگو، تنهایی سیمرغ، بی‌ترانگی، مادر و از خواب‌های گم‌شده تو، عناوین اشعار نیمایی این مجموعه است. «درخت شکفته در بهمن» عنوان قطعه و «چشم‌ها» عنوان ترکیب‌بند هستند و دو رباعی پایان‌بخش این مجموعه است. این مجموعه با شمارگان ۱۲۵۰ نسخه و در ۶۴ صفحه از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است.

نمایشگاه

سفیر

نمایش آثار ۱۷ هنرمند شاخص

نمایشگاه «سفیر» از روز چهارشنبه سوم شهریور ماه ۱۴۰۰ مصادف با شانزدهم ماه محرم ۱۴۴۳ به نمایش در می‌آید. در این نمایشگاه ۲۲ اثر از ۱۷ هنرمند شاخص، همچون محمد احصایی، ایرج اسکندری، نصرالله افجه‌ای، ناصر اویسی، احمد آریامنش، عباس بلوکی‌فر، صادق تبریزی، محمدعلی ترقی‌جاه و.. به نمایش گذاشته می‌شود. علاقمندان می‌توانند برای بازدید از نمایشگاه «سفیر» روز چهارشنبه ۳ شهریورماه از ساعت ۱۸ تا ۲۱ و از چهارم شهریور تا دوم مهرماه هر روز از ساعت ۱۱ تا ۲۰ به گالری پردیس ملت مراجعه کنند.

یادداشت

آراستگی، حق مخاطب!

نسیم اسدپور
دبیر گروه فرهنگ

از قدیم تا حالا، مجری‌گری یکی از جدی‌ترین نقش‌ها در برنامه‌های تلویزیونی به خصوص در برنامه‌های گفت‌وگومحور بوده است. مجری بهترین و شاید بتوان گفت اصلی‌ترین فرد در اداره یک برنامه تلویزیونی است. حتما بسیاری از ما مجری‌های دهه ۶۰ را به یاد می‌آوریم، از مجریانی که وسط برنامه‌ها سر و کله‌شان پیدا می‌شد و از مشکل پیش آمده در قطعی برنامه یا سریال، پوزش می‌طلبیدند یا اجراهای خوب خانم‌ها رضایی و خامنه در برنامه‌های کودک و نوجوان که هنوز هم در خاطرمان نقش بسته است.

اما علاوه بر تمامی خاطرات خوبی که از مجریان دهه‌های ۶۰ برای‌مان باقی مانده، یک مسئله قطعا از ذهن‌مان پاک نمی‌شود و آن هم ظاهر بسیار اتوکشیده و رسمی است که به خود می‌گرفتند این شاید، یکی از ضعف‌های مجریان آن دوران بود؛ اما رفته رفته نوع پوشش مجریان تغییر کرد، به گونه‌ای که راحت‌تر شدن آنها در جلوی دوربین برای‌مان قابل لمس و درک بود.

اما پا گرفتن فضای مجازی و اینکه هر فردی به خودی خود می‌تواند جلوی دوربین و با هر پوششی ظاهر شود، باعث شد تا رفته رفته این حس و حال راحتی! به برخی مجریان صدا و سیما به خصوص سیما سرایت کند. هر چند سیما قطعاً برای پوشش مجریان چارچوب‌های خاصی دارد، اما این کافی نیست؛ بلکه باید به موارد دیگر نیز توجه زیادی داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین موارد، رعایت پوشش اسلامی است که خوشبختانه در سیما به آن توجه خوبی وجود دارد و از این لحاظ می‌توان سیمای رسانه ملی را موجه‌ترین نمونه حتی در تلویزیون‌های کشورهای اسلامی دانست.

در واقع، ظاهری آراسته با رعایت حدود شرعی حق مخاطبی است که وقت خود را برای دیدن تلویزیون می‌گذارد، اما مدتی است که برخی تولیدکنندگان برنامه‌ها به این موضوع هیچ توجهی ندارند و مجریانی با ظاهری نسبتاً شلخته را برای برنامه‌های‌شان انتخاب می‌کنند و احتمالا نیز فکر می‌کنند با این کار، راحت بودن و صمیمیت مجری با مخاطب را القا می‌کنند!

برای نمونه، در همین ایام عزاداری سالار شهیدان برخی برنامه‌ها حتی ویژه برنامه‌های این ایام با اجرای مجریانی بر روی آنتن رفته که سر و وضع چندان مناسبی نداشتند؛ در حالی که یکی از تصاویری که از امام راحل در ذهن همه ما حک شده، لحظه‌ای است که در بیمارستان به شانه کردن محاسن‌شان مشغول بودند و این قطعاً درس بزرگی است که مسلمان در همه حال به وضعیت ظاهری خود اهمیت می‌دهد. اما متأسفانه مدتی است که شاهدیم، برخی مجری‌ها با محاسنی بسیار بلند و نامرتب که گاهی حتی هیچ تناسبی با موهای مد روزشان ندارد جلوی دوربین حاضر می‌شوند یا امروز با یک مدل مو و ریش جلوی دوربین می‌آیند و دو هفته دیگر و در برنامه‌ای دیگر، با تیپی دیگر ظاهر می‌شوند که مخاطب از این نوع چرخش ۱۸۰ درجه‌ای جا می‌خورد، درست است که راحت بودن مجری، می‌تواند تأثیر بسزایی در مدیریت برنامه داشته باشد، اما این راحتی باید در اجرای درست، صادقانه و حرفه‌ای دیده شود، نه در تیپ‌های عجیب و غریب. هرچه باشد، رسانه ملی الگوساز است و باید پیشقدم در رعایت آداب اسلامی و اجتماعی باشد.

رویای برباد رفته

جعفر قنادباشی کارشناس خاورمیانه شکست هژمونی آمریکا در خاورمیانه را واکاوی می‌کند

چند سالی می‌شود که با شکست‌های پی‌درپی آمریکا در کشورهای منطقه و بعد خروج نظامیان این کشور از کشورهای تحت اشغال، شاهد تغییر حضور این ابرقدرت غربی در خاورمیانه هستیم؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت، هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه در حال افول است. اگر بخواهیم تحلیلی از این امر داشته باشیم، نخست باید به تشکیل این هژمونی و دلایل و اهداف آن در منطقه اشاره کنیم.

ترس از ابرقدرتی شوروی

درباره ورود آمریکایی‌ها به خاورمیانه باید به دو نکته مهم اشاره داشت؛ مسئله نخست به شوروی و ابرقدرتی شوروی در منطقه برمی‌گردد. به عبارتی آمریکا این قدرت شرقی را به مثابه رقیبی برای خود می‌دید؛ تصور آمریکا این بود که باید در مقابل شوروی بایستد و به نوعی در کشورهایی که همسایه این ابرقدرت شرقی به شمار می‌آیند، حضور داشته باشد تا حیطه قدرتی شوروی سابق محدود شود و گسترش پیدا نکند. حتی حضور آمریکا در ایران و در کنار مرزهای شوروی سابق هم به همین دلیل بود و تلاش می‌کرد مانع از نفوذ و ورود این قدرت به ایران، ترکیه و آسیای شرقی و دیگر کشورهای منطقه شود تا شوروی به آب‌های گرم دست پیدا نکند.

تسلط بر نفت و انرژی

مسئله دوم بر سر نفت و انرژی بود؛ چنانچه از مدت‌ها قبل و پس از جنگ جهانی دوم بحث سوخت‌های فسیلی و نقش آن بر اقتصاد جهان و اینکه آمریکایی‌ها می‌خواستند به طور انحصاری نفت را در اختیار داشته باشند، دو موضوع اساسی بود که سبب ورود آمریکایی‌ها به غرب آسیا، یعنی منطقه خاورمیانه شد؛ اما بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۲، یعنی ۳۰ سال پیش، موضوع تسلط شوروی از میان رفت؛ اما با از میان رفتن مسئله شوروی، رقبای دیگری پا به عرصه گذاشتند که یکی از آنها چینی‌ها و دیگری مسئله حضور ایران و قدرتمند شدنش در منطقه و کشورهای اسلامی و راه افتادن نهضت‌های بیداری و انقلاب‌های اسلامی بود.

جنگ بر سر نفت

با از میان رفتن موضوع تسلط و نفوذ شوروی در کشورهای منطقه خاورمیانه، مسئله نفت، سوخت و انرژی به شکل حیاتی‌تری مطرح شد. چنانچه دو جنگی که آمریکایی‌ها در سال‌های بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی در زمان بوش پدر و بوش پسر در منطقه خاورمیانه و عراق در آن شرکت کردند، تحت عنوان «جنگ نفت» نامیده شد؛ موضوع این بود که آمریکایی‌ها به عنوان قدرت برتر نظامی جهان نمی‌خواستند سوخت‌های فسیلی در اختیار قدرت دیگری جز خودشان قرار بگیرد و از این نظر آسیب‌پذیر شوند.

امنیت رژیم صهیونیستی

موضوع دیگری که به جز نفت و حضور ابرقدرتی در خاورمیانه در نظر داشتند، موضوع امنیت رژیم صهیونیستی در منطقه بود. شاید بتوان این‌گونه مطرح کرد که در صدر برنامه‌های راهبردی آمریکا در خاورمیانه بعد از انقلاب اسلامی ایران، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی در صدر قرار دارد و آمریکا تلاش می‌کند ترکیباتی را در منطقه غرب آسیا تقویت و حمایت کند که به نفع امنیت رژیم صهیونیستی باشد و در مقابل با همه ترکیبات، تمهیدات و سیاست‌ها و راهبردهایی که مخالف امنیت رژیم صهیونیستی است، مقابله کند؛ یعنی مقابله با همه آن چیزی که امنیت رژیم صهیونیستی را ضعیف کند. از این رو این مسئله سبب شد آمریکایی‌ها باز هم به حضور در منطقه خاورمیانه ادامه دهند و پایگاه‌هایی در منطقه ایجاد کنند که بخشی از هژمونی جهانی و بخشی از تسلط و سلطه جهانی‌شان و شاید مهم‌ترینش را تشکیل می‌دهد. به طور خلاصه مهم‌ترین دلایل حضور آمریکا در منطقه و تشکیل هژمونی و سلطه جهانی‌شان یکی امنیت رژیم صهیونیستی، یکی موضوع نفت، انرژی و انحصار در اختیار داشتن آن و اینکه ذخایر نفت خاورمیانه به عنوان سوخت‌های مهم فسیلی و زمینه‌ساز پایه های اقتصاد جهانی را به شکل انحصاری در اختیار داشته باشند و سومین نکته اینکه اجازه ندهند رقبای‌شان، همانند چین و روسیه فعلی و حتی رقبای اروپایی‌شان بر نفت تسلط پیدا کنند. این سه مورد ارکان سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه را تشکیل می‌دهد.

هژمونی ابرقدرت غرب رو به افول

اما درباره اینکه چرا هژمونی آمریکا در منطقه خاورمیانه از افغانستان تا عراق در حال افول و شکست است، باید گفت این امر دلایل متعددی دارد؛ دلایلی که تحلیل و بررسی هر یک نتایج جالبی از حضور تا قدرت و افول را به دست می‌دهد.

هزینه‌های هنگفت حضور نظامی

آمریکایی‌ها برای اینکه بتوانند یک حضور نظامی گسترده و دائمی و شبانه‌روزی در کشورهای جهان داشته باشند، باید هزینه‌های زیادی را بپذیرند که در حال حاضر توانایی پرداخت این هزینه‌های بالا با توجه به وضعیت اقتصادی آمریکا میسر نیست و دولت آمریکا نمی‌تواند مانند گذشته دلارهای زیادی برای حضور نظامی و نظامیانش تخصیص دهد. دولت و ملت آمریکا تصور می‌کنند کارنامه‌ای که در منطقه دارند، کارنامه‌ای سراسر هزینه و بدون درآمد از منطقه خاورمیانه است؛ این یکی از مسائل اساسی است که حضور نظامی آمریکا و اسرار بر آن را کمرنگ کرده است.

پایان استعمارپذیری و آغاز بیداری

مسئله بعدی این است که در منطقه ما پذیرش و استعمارپذیری ملت‌ها پایان یافته است؛ چنانچه در گذشته این مسئله در بین کشورهای خاورمیانه وجود داشت؛ به ویژه اینکه بسیاری از کشورهای خاورمیانه به بهانه ترس از ابرقدرت دنیای شرق به سمت دنیای غرب روی می‌آوردند و محل اتکای‌شان هم در واقع آمریکایی‌ها بودند؛ اما امروز که دیگر از ابرقدرت شرقی خبری نیست و شوروی سابق دیگر وجود ندارد، از این استعمارپذیری کاسته شده است.

باید اذعان کرد امروز انقلاب اسلامی محل اتکای مردم منطقه قرار گرفته است و حتی انقلاب اسلامی الگوهای خوبی ارائه کرده که یک کشور دموکراسی، با استقلال و بدون اتکا به آمریکاست و به غرب‌زدگان، لیبرال‌ها و تکنوکرات‌ها که برای آمریکا در محافل اساسی و ارکان این کشورها تبلیغ می‌کردند، نشان داده که الگوی موفقی از انقلاب مردمی است. در گذشته در برخی از محافل پژوهشی و دانشگاهی و سیاسی و رسانه‌ای طرفداران آمریکا با توجه به نبود الگویی موفق و انقلابی پیوسته تبعیت از آمریکا را تبلیغ می‌کردند؛ اما امروزه دیگر پذیرشی برای شعارها و تبلیغات آنها وجود ندارد و ملت‌ها با پی بردن به ماهیت آمریکا، حضور این دولت را در منطقه نمی‌پذیرند و حضورش را پر هزینه می‌کنند.

اشتباهات تاکتیکی در خاورمیانه

مسئله بعدی اشتباهات آمریکاست؛ آمریکایی‌ها با حمایت از رژیم صهیونیستی منفور و پیوندی که با رژیم سعودی که موجب نفرت ملت‌های منطقه است، زمینه‌های نفرت علیه خودشان را فراهم کردند؛ به گونه‌ای که تنها مردم کشورهای منطقه غرب آسیا نیستند که مخالف آمریکا هستند؛ بلکه نظامیان، متخصصان، دانشگاهیان و اندیشمندان و ایدئولوژیست‌ها هم سیاست آمریکا را محکوم می‌کنند. اشتباهات کلان آنها به خصوص حمایت آنها از رژیم صهیونیستی به منزله یک رژیم غاصب و کودک‌کش که هنوز در حال اشغال قسمت‌های بیشتری در سرزمین فلسطین است و همچنان هم ادامه دارد و حمایت آمریکایی‌ها از این اشغال‌گری، سبب مخالفت‌های جدی برای حضور آنها در منطقه شده است.

افول در افغانستان و عراق و وعده‌های توخالی

هژمونی آمریکا از افغانستان تا عراق در حال افول است و اگر بخواهیم تحلیلی در این خصوص داشته باشیم، باید بگوییم حضور آمریکایی‌ها در افغانستان بسیار پرهزینه بود و آنها توانایی تحقق وعده‌هایی را که به مردم افغانستان داده بودند، نداشتند. آمریکایی‌ها دو وعده مهم به مردم افغانستان داده بودند؛ اولی امنیت و دومی سرکوب تروریست‌ها؛ ولی عملاً هیچ امنیتی حتی در اطراف پایگاه‌های آمریکایی در کابل پایتخت این کشور برقرار نشد و هر روز انفجاراتی رخ می‌داد و این یعنی آنها به برقراری امنیت در افغانستان موفق نشدند.

لذا شاهد بودیم مردم افغانستان درها را به روی طالبان باز کردند و اگر مقاوتی در برابر طالبان نکردند، تنها به دلیل نبود امنیت و نارضایتی از ناامنی‌های دوران حضور آمریکا در کشورشان بود و این خیلی مسئله مهمی است.

خلق داعش برای حذف مخالفان به دست آمریکا

آمریکایی‌ها در زمان حضورشان در افغانستان داعش را برای اینکه مخالفان‌شان را به طور غیر مستقیم از میان بردارند، ایجاد کردند؛ در عراق هم همینطور است تا زمانی که آمریکایی‌ها به این کشور وارد نشده بودند یک نفر تروریست، داعشی و تکفیری وجود نداشت؛ اما با حضور آمریکا در عراق این جریان‌ها راه افتاد؛ یعنی خود آمریکایی‌ها سعی کردند با متحدانشان جریان تکفیر را برای اینکه جنگ شیعه و سنی راه بیندازند، تقویت کنند و براساس همین سیاست داعش در عراق آفریده شد. در افغانستان هم همینطور، یعنی دقیقاً پس از حضور آمریکا داعش در این کشور ایجاد شد.

مقاصد استعمارگرانه آمریکایی‌ها مردم عراق را بسیار مظنون کرد؛ چنانچه آنها بزرگ‌ترین سفارت‌شان در دنیا را در عراق ساختند و بزرگی و وسعت این سفارت سبب شد مردم عراق به مقاصد آمریکایی‌ها که قرار است چند ده سال در این کشور باقی بمانند، پی ببرند و این یکی از دلایل مخالفت مردم عراق برای حضور آنها در کشورشان بود. مهم‌تر اینکه آمریکایی‌ها بدون اجازه مردم عراق و افغانستان به کشور آنها وارد شدند و هیچ اجازه‌ای از کسی نگرفتند و کاملاً حضوری مداخله‌گرانه داشتند؛ زیرا کسی از آمریکا دعوت نکرده بود به عراق یا افغانستان برود و چون دعوت نشده بود، حضورش مداخله‌گرانه بود و در واقع آمریکا، افغانستان و عراق را اشغال کرده بودند و اشغال برای یک کشور بزرگ‌ترین مشکل است؛ چرا که تمامیت ارزی آن کشور نادیده گرفته می شود و حاکمیت ملی‌اش خدشه‌دار می‌شود. از این رو، آمریکایی‌ها با این اشتباهات سبب مخالفت‌هایی جدی برای حضورشان در منطقه و شکست هژمونی‌شان شدند.

پرونده سیاه آمریکا؛ از کشتار مردم تا ترور سردار سلیمانی

غیر از این موارد، آمریکایی‌ها اشتباهات تاکتیکی دیگری نیز انجام دادند. کشتن مردم به بهانه‌های مختلف و بمباران جشن‌های عروسی و کشتار مردم یکی از بزرگ‌ترین آنها بود. به جز آن در عراق بسیاری از نیروهای حشدالشعبی را که بسیج عراقی به شمار می‌آیند و در نابودی داعش مؤثر بودند، سرکوب کردند و از همه مهم‌تر ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس که از سران مهم گروه‌های مخالف داعش و از عناصر اصلی سرکوب داعش بودند، به دست آمریکایی‌ها سبب شد پرونده آمریکا در منطقه پرونده‌ای به شدت سیاه و مورد نفرت مردم منطقه باشد.

بیداری ملت‌ها

یکی دیگر از مسائل مهم در شکست هژمونی آمریکا بیداری ملت‌های منطقه بود. متأسفانه سیاست آمریکا براساس نادیده گرفتن منافع ملت‌ها و براساس نادیده گرفتن منشور سازمان ملل متحد مبنی بر محترم بودن استقلال کشورها بنا شده است. این سیاست هر جا که حرکت می‌کند، مورد مخالفت قرار می‌گیرد.

آمریکا زمانی که همسو با رژیم صهیونیستی و در حمایت از رژیم سعودی، یمن را بمباران کرد (در حالی که مردم یمن هیچ گناهی جز اینکه خواستار برقراری حکومت مردم‌سالار بودند، نداشتند) سبب نفرت یمنی‌ها شدند. در یمن مردم گفت‌وگویی ملی را برای برقراری یک حکومت مردم‌سالار مبتنی بر آرای مردمی به راه انداخته بودند؛ اما چون آمریکایی‌ها از سیستم پادشاهی حمایت می‌کنند و الگوی دموکراسی و مردم‌سالاری به ضررشان است، از رژیم سعودی در جنگ شش سال و نیمه حمایت کردند تنها برای اینکه یمن را از یک حکومت مردمی باز دارند.

این مسئله مهمی است؛ چرا که آمریکایی‌ها در اینجا به دنبال فروش سلاح بودند و منفعت‌طلبی اقتصادی را بر سیاست‌های حقوق بشری اولویت دادند و به سعودی ها کمک کردند و به آنها سلاح فروختند؛ هر چند براساس قوانین سازمان ملل متحد و شورای امنیت در مقاطع مختلف فروش سلاح به کشور متخاصم ممنوع است؛ حتی اگر سلاح فروخته می‌شود باید دو طرف تأمین شود؛ در حالی که آنها یمن را تحریم کردند؛ ولی به رژیم سعودی سلاح فروختند و این سبب مخالفت جدی با این سیاست آمریکا شد.

اکنون این امر که آمریکایی‌ها ناگزیر به خروج از خاورمیانه هستند، پذیرفته شده است و تنها بحث بر سر دموکرات و جمهوری‌خواه است؛ یعنی پذیرفته‌اند که دیگر زمینه حضوری در خاورمیانه ندارند و هیچ پذیرشی هم برای حضورشان نیست.

دوستی آمریکایی

نگاهی به سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا و شمال آفریقا

پیش درآمد

فرار مفتضحانه

اکبر معصومی
دبیر گروه پرونده

خاورمیانه به‌دلیل موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی در طول تاریخ همواره کانون توجهات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. این منطقه به دلیل اکتشافات منابع و ذخایر بزرگ نفت و گاز اهمیتی صد چندان یافته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نبض اقتصاد جهانی در آن می‌زند و ۶۲ درصد منابع انرژی جهان از این منطقه تأمین و صادر می‌شود؛ موضوعی که سبب طمع آمریکایی‌ها به این منطقه شد. ورود آمریکا به این منطقه، آغازی بر آشکارسازی افول ایالات متحده بود. ناتوانی آمریکا در عراق و سوریه و ناتوانی این کشور در حل بحران‌های مختلف خاورمیانه، ضعف این کشور را به منزله هژمون آشکار کرد. نکته بعدی اینکه در وضعیت کنونی ایالات متحده در بین مردم منطقه هیچگونه جایگاهی ندارد؛ به گونه‌ای که مردم عراق، افغانستان، سوریه، یمن، پاکستان و حتی مردمان کشورهای حاشیه خلیج‌فارس بدبین‌ترین افراد به ایالات متحده هستند، لذا آمریکا دیپلماسی عمومی را نیز در خاورمیانه باخته است. تنها آمریکا به دلیل حمایت از رژیم صهیونیستی، همچنین به دلیل دوشیدن منابع انرژی و معدنی کشورها در منطقه حضور دارند. سیستم پادشاهی که در برخی از کشورها وجود دارد و از پشتوانه مردمی برخوردار نیست، حضور آمریکا را ضروری می‌داند که این نیز برای آنها سودی نخواهد داشت و آنها نیز تنها تا زمان شیرده بودن برای آمریکا ارزش و اعتبار دارند.

دستیابی به فناوری‌های مدرن دنیا و قدرتمند شدن جمهوری اسلامی ایران، بیداری کشورها و بازگشت به هویت اصلی خود در منطقه، از دست رفتن بخش زیادی از قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا، آغاز روند سقوط رژیم صهیونیستی و... همگی دلیلی بر خروج اجباری ایالات متحده آمریکا از منطقه غرب آسیاست. اعتماد به آمریکا به عنوان متحد استراتژیک، یک خطای راهبردی است که هر کشور یا هر حکومت در غرب آسیا دچار آن شود، بدون شک از بین رفتن هویت، استقلال و پیشرفت و توسعه آن کشور را به دنبال خواهد داشت.

هدف آمریکا اراده مردم منطقه بود

رضا میرآبیان
سفیر اسبق ایران در یمن

سرآغاز ورود آمریکایی‌ها به منطقه خلیج‌فارس با همکاری عربستان و حفظ امنیت تاج و تخت خاندان آل سعود در ازای نفت بوده است که حدود ۷۰ سال از آن روزگار می‌گذرد. در دو دهه اخیر با وجود اینکه تصور می‌شد آمریکایی‌ها با تصاحب افغانستان و سپس با گرفتن عراق، در اوج قدرت قرار گرفته‌اند؛ اما مرور زمان نشان داد در واقع چنین چیزی نیست و از آن تاریخ به بعد، آرام آرام آمریکا به جای قوی‌تر شدن به سمت از دست دادن موقعیت‌های قبلی خود پیش رفت. تحولاتی در منطقه پیش آمد که آمریکایی‌ها شاید کمتر آن را تصور می‌کردند؛ آنها تصور نمی‌کردند اینچنین مفتضحانه از افغانستان بیرون بروند یا اینکه مجلس عراق با مصوبه‌ای خواستار خروج آنها از این کشور شود یا اینکه تصور نمی‌کردند در یمن انصارالله حاکم شده و به یک قدرت قابل توجه در جزیره‌العرب تبدیل شود؛ همچنین تصور نمی‌کردند با وجود فشارهایی که بر مردم می‌آورند، در لبنان چنین شرایطی به وجود بیاید، یا اینکه فکر نمی‌کردند رژیم صهیونیستی که نماینده آمریکاست در مقابل بازدارندگی حماس یا حزب‌الله ناتوان بماند.

در واقع هم حزب‌الله و هم حماس در جنگ‌های سال‌های گذشته و به خصوص جنگ اخیر، توانستند یک قدرت بازدارندگی مقابل این رژیم ایجاد کنند که هر گونه تجاوز و تعدی به حزب‌الله یا حماس هزینه بسیار سنگینی برای رژیم صهیونیستی داشته باشد.

بنابراین آمریکایی‌ها با وجود تمام تمهیداتی که در گذشته برای حضور دائمی در منطقه فراهم کرده بودند، آرام آرام در حال از دست دادن قدرت خود هستند، حتی به گفته روزنامه‌های رژیم صهیونیستی، آمریکایی‌ها نگران هستند همانند اتفاقی که در افغانستان برای آنها پیش آمده است و سراسیمه از این کشور بیرون رفتند، در آینده‌ای نزدیک مجبور شوند خاک سوریه را ترک کنند؛ همچنین نگران هستند شرایط در سرزمین‌های اشغالی فلسطین به گونه‌ای رقم بخورد که آمریکایی‌ها برای نجات خود مجبور شوند این کشور را ترک کنند یا اینکه حمایت خود را از رژیم صهیونیستی بردارند.

در واقع تحولات فعلی در چند سال اخیر و به خصوص تحولات افغانستان نشان‌دهنده تحولات بسیار سنگین‌تر و شتابانی است که می‌تواند در آینده رقم بخورد، همانطور که آمریکا این روزها را تصور نمی‌کرد، برای آینده هم تصور نخواهد کرد که البته با توجه به تحولات اخیر، تحولات آینده قابل پیش‌بینی خواهد بود.

در جنگ ۳۳ روزه شرایط به گونه‌ای رقم خورد که صهیونیست‌ها متوجه شدند امکان تجاوز به حزب‌الله و سرزمین لبنان وجود ندارد و این تجاوز هزینه بسیار سنگینی دارد؛ در جنگ‌های مختلف رژیم صهیونیستی با حماس، حماس به گونه‌ای عمل کرد که این رژیم از آمریکایی‌ها درخواست کرد که از فلسطینی‌ها بخواهد آتش‌بس قرار کنند، چراکه حماس به گونه‌ای در سرزمین‌های اشغالی آتش ایجاد کرده بود که رژیم صهیونیستی را در تنگنا قرار داده بود و ناچار به درخواست برای صلح و آتش‌بس شد.

در واقع قدرت بازدارندگی به این معناست که طرف مقابل که دشمن است، متوجه شود اگر بخواهد تجاوز کند باید هزینه سنگینی را بپذیرد. همین قدرت بازدارندگی در یمن مقابل عربستانی‌ها به وجود آمده است؛ یک زمان عربستانی‌ها هر کاری که می‌خواستند در یمن انجام می‌دادند، اما الان می‌دانند هر اقدامی که بخواهند علیه یمن انجام دهند، با واکنش بسیار شدید انصارالله روبه‌رو می‌شوند، لذا هزینه هر اقدام‌شان سنگین خواهد بود. بنابراین وقتی این هزینه‌ها بالا می‌رود، قدرت بازدارندگی ایجاد می‌شود و طرف مقابل برای هر اقدامی که می‌خواهد انجام دهد، بارها و بارها فکر می‌کند و در حال حاضر جایگاه انصارالله مقابل عربستان و جایگاه حزب‌الله مقابل رژیم صهیونیستی نسبت به گذشته قابل مقایسه نیست.

در جنگ اخیر، رژیم صهیونیستی فکر می‌کرد حزب‌الله درگیر مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخل لبنان است و ناتوان شده و در اوج ضعف است، لذا چند گلوله به داخل خاک لبنان پرتاب کرد که حزب‌الله بلافاصله پاسخ داد و این جنگ کوتاه به گونه‌ای رقم خورد که رژیم صهیونیستی رسماً اعلام کرد ما خواهان گسترش جنگ نیستیم که به این قدرت بازدارندگی می‌گویند. بنابراین شرایط نشان می‌دهد که تحولات آینده خیلی سریع‌تر و سهمگین‌تر است که به نفع آمریکا نخواهد بود.

قدرت بازدارندگی گروه‌هایی مانند حزب‌الله، انصارالله، حشدالشعبی و دیگر گروه های مقاومت ناشی از این است که این نیروها به مرحله‌ای رسیده‌اند که تجاوز و تعدی دشمن را بی‌پاسخ نمی‌گذارند و تعدی و تجاوز دشمن همراه با بهای سنگینی برای آنها خواهد بود، لذا دشمن از این به بعد فکر می‌کند اگر بخواهد تجاوز کند، باید بهایش را بپردازد که در گذشته، اینچنین نبوده است و هر وقت هر کاری را که می‌خواستند انجام می‌دادند.

در واقع ملت‌های این کشورها نیز به بیداری اسلامی هم رسیده‌اند؛ بیداری اسلامی یعنی بازگشت به هویت خویشتن، بازگشت به داشته‌های خود، بازگشت به اعتقادات خود و دشمنان تلاش بسیار کردند که این هویت را از جوامع اسلامی بگیرند. وقتی این هویت فکری، فرهنگی و اعتقادی از این ملت‌ها گرفته شود، در واقع اراده آنها را گرفته‌اند و آنها را دچار ضعف کرده‌اند، اما وقتی این ملت‌ها به هویت و به اعتقادات خود بازگردند و به آنها پایبند باشند، به این معنا می‌شود که مرگ برای دشمنان که وحشت‌آور است برای این ملت‌ها شهادت تعبیر و شیرین می‌شود و حقیقتا این مسئله مرز بازدارندگی می‌شود که توان را از دست دشمن‌ها می‌گیرد.

به نظر می‌رسد روند حضور آمریکا در منطقه به سمت ضعیف شدن است و در حال حاضر شرایط آنها در عراق خیلی مناسب نیست و با وجود اینکه تلاش می‌کنند در سوریه بمانند، این شرایط خیلی مناسب نیست.

بعد از حوادث افغانستان رژیم صهیونیستی نیز دچار تکاپو شده است و مطبوعات این رژیم می‌گویند آمریکایی‌ها بلایی را که سر افغانستان آورد، سر ما نیاورد که ما را به حال خود رها کند، به هر حال این شائبه وجود دارد که آمریکا در وهله اول منافع خود را در نظر می‌گیرد تا منافع دیگران را؛ چه کسی فکر می‌کرد حوادثی در افغانستان اتفاق افتاد که به این شکل رقم بخورد و آمریکایی‌ها به جای اینکه برای طالبان مهلت تعیین کنند، از طالبان درخواست مهلت کنند تا طالبان چند روزی به آنها مهلت دهد که از این کشور بیرون بروند، چرا که هنوز نتوانسته‌اند نیروهای خود را خارج کنند.

بنابراین آینده آمریکا رو به افول است و تصور بنده این است که برخلاف آنچه آمریکایی‌ها در گذشته فکر می کردند که قدرت برتر و مسلم هستند و با همین تفکر وارد افغانستان، عراق و سوریه شدند، امروز نشانه‌های از بین رفتن و ضعف و افول آن را در منطقه شاهد هستیم و این روند در آینده تصویر بیشتری پیدا خواهد کرد.

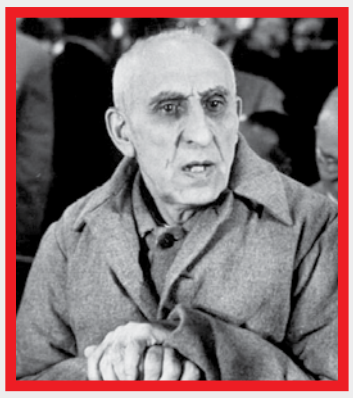

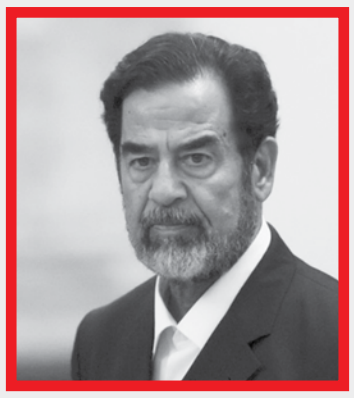
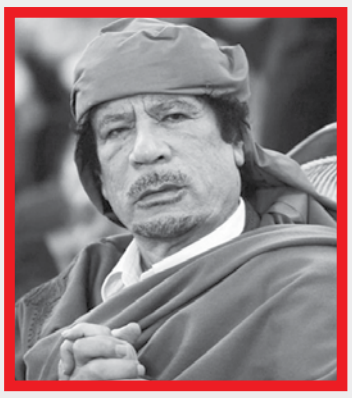

دوستی آمریکایی

کاخ سفید برای حفظ منافع خود و رژیم صهیونیستی وارد فاز دوستی با کشورهای منطقه می‌شود

آمریکا بیش از نیم قرن است که به طمع حکمرانی نفتی و موقعیت راهبردی غرب آسیا در کشورهای مختلف پایگاه‌های نظامی بر پا کرده است؛ در واقع در برخی از پایگاه‌ها با سیاست تطمیع و برخی با سیاست تهدید رضایت کشورهای مقصد را جلب کرده است. مسلم است که ایالات متحده آمریکا سوای مخالفانی که در غرب آسیا دارد، متحدان و هم‌پیمانانی نیز دارد که شاید به تصور امنیت برای تأمین منافع کاخ سفید سینه چاک می‌کنند؛ اما تجربه تاریخی نشان داده است حضور آمریکا در خاورمیانه نه تنها امنیت‌ساز نبوده؛ بلکه بر عکس سیاست‌های تفرقه‌افکنانه این کشور، از جمله راه‌اندازی جنگ‌های قومیتی و ایجاد گروهک‌های تروریستی امنیت باعث سلب امنیت منطقه نیز شده است. پیش از انقلاب اسلامی و در دوران رژیم منحوس پهلوی، ایران نیز یکی از متحدان آمریکا در منطقه به شمار می‌رفت؛ اما بیداری ملت ایران در مقابل چپاول آمریکایی ها و بیرون راندن دست نشانده وی از ایران سبب شد که جمهوری ایران مسیر عزت، استقلال را طی کند و به دور از سیاست‌های ابزارگونه آمریکا به مسیر توسعه و پیشرفت خود و منطقه بیندیشد. با این حال ایالات متحده در غرب آسیا دوستان و متحدانی دارد، دوستانی که به نوشته اندیشکده بروکینگز در مقاله‌ای به قلم «جرمی شاپیرو» و «ریچارد سوکولوسکی» از پاکستان و مصر گرفته تا ترکیه و عربستان سعودی را شامل می‌شود و برخی مانند مصر به رهبری حسنی مبارک تمام قد به دنبال منافع ایالات متحده در منطقه بود و برخی مانند پاکستان تنها از حمایت‌های مالی ایالات متحده در راستای اهداف خود بهره می‌برد و به قول اوباما در زمره «موج‌سواران مجانی» قرار دارد.

عاقبت دوستی با گرگ

اما آنچه مسلم است اینکه هم‌پیمان شدن با آمریکا هیچگاه عاقبت خوشایندی نداشته است؛ چرا که هژمونی آمریکایی بی‌سبب هزینه‌های هنگفتی را صرف تخلیه نیروهای نظامی و برپایی پایگاه‌های مختلف نمی‌کند تا دست در گردن دوستان قهوه بنوشد. عاقبت حسنی مبارک، صدام و قذافی باعنوان سه دست نشانده ایالات متحده تأییدی بر این مدعاست.

هرچند اندیشکده بروکینگز در مقاله‌ای عنوان می‌کند «آمریکا میلیاردها دلار به طرق مختلف به این کشورها کمک کرده تا بتواند منافع خود را پیش ببرد، اما نتوانسته از این اهرم برای اقناع متحدان خود به داشتن رفتاری که تضمین‌کننده منافع آمریکا باشد، استفاده کند اما واقعیت اینجاست که واشنگتن بیش از همه به دنبال منافع خود از سوی هم‌پیمانانش در غرب آسیاست. چپاول دلارهای سعودی تحت عنوان گاو شیرده، حمله به سوریه و عراق و سلب امنیت و غارت اقتصاد و زیرساخت این کشورها، گرفتن بخشی از هزینه‌های حضور خود در غرب آسیا از برخی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس تنها نمونه کوچکی از نحوه برخورد آمریکا با متحدان خود است.

حسنی مبارک

نمونه‌های بسیاری از خیانت کاخ سفید به هم‌پیمانانش وجود دارد و شاید متأثرترین این نمونه‌ها عاقبت حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر باشد. «لوید سی گاردنر» در کتاب «مسیر منتهی به میدان التحریر» می‌نویسد: «با ترور سادات، حسنی مبارک به ریاست‌جمهوری مصر رسید. مردی که به شدت خواستار اداره مصر طبق خواسته همیشگی ایالات متحده بود، متحد وفاداری که در مقابل ملی‌گرایی افراطی در جهان عرب مانع ایجاد می‌کرد. حسنی مبارک برای بیش از یک نسل قابل اعتمادترین متحد واشنگتن در خاورمیانه و حافظ پیمان کمپ دیوید بود. مبارک برای مدت سه دهه تا ۲۰۱۱ ضمن ادامه سیاست سرکوب نیروهای اسلام‌گرا، از کمک‌های نظامی واشنگتن برخوردار بود. وی در سال‌های اخیر نقش بسزایی در تکمیل پروژه محاصره نوار غزه داشت.»

میزان وفاداری آمریکایی‌ها به مبارک در دوران انقلاب ۱۸ روزه این کشور مشخص شد. آمریکایی‌ها ابتدا از مبارک حمایت کردند، اما به مرور زمان وقتی روشن شد که امواج انقلاب مردم مصر سهمگین است، پشت او را خالی کرده و فضا را برای کنار رفتن او مهیا کردند. حسنی مبارک پس از برکناری از قدرت دیگر از حمات آمریکایی‌ها برخوردار نبود و به معنای واقعی از سوی دوستانی که برای‌شان سینه سپر کرده بود، تنها گذاشته شد.

از محمد مصدق تا محمد مرسی

محمد مصدق، نخست‌وزیر ملی‌گرای ایران نیز از دیگر نمونه‌هایی است که از اعتماد به آمریکا ضربه خورد. مصدق معتقد بود، به هیچ قدرت خارجی نباید امتیاز داد؛ اما وی از نظام بین‌المللی و تغییرات آن شناخت کافی نداشت. مصدق برای آنکه از شر تحریم‌های بی‌امان بریتانیا خلاص شود، به آمریکایی‌ها اعتماد کرد و انتظار داشت که دولت آیزن هاور برای او کاری بکند. واشنگتن در ابتدا بدش نمی‌آمد که جانشین بریتانیا در صنایع نفت ایران شود، اما به زودی دریافت که ایرانی‌ها نفت خود را ملی نکرده‌اند که در اختیار آمریکا قرار دهند.

مصدق سه روز بعد از موفقیت در خنثی کردن کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ مزد اعتماد خود به دولت آمریکا را دریافت و با کودتای آمریکایی زاهدی قدرت را ترک کرد. رهبر معظم انقلاب در سخنانی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را سرآغاز دشمنی آشکار شیطان بزرگ با ملت ایران خوانده و فرموده‌اند:

«آمریکایی‌ها با آن کودتا، حتی به دولت مصدق که به آنها اعتماد کرده بود رحم نکردند و با ساقط کردن دولت ملی، دولتی وابسته، فاسد و دیکتاتور را روی کار آوردند و به این شکل بزرگ‌ترین دشمنیِ ممکن را در حق ملت ایران انجام دادند؛ دولتی که با کودتا سرنگون شد، در واقع چوب اعتماد به شیطان بزرگ را خورد.»

میخائیل گورباچف، آخرین دبیر کل حزب کمونیست شوروی سابق نیز نوعی شیفتگی غرب‌گرایانه داشت و در سخنرانی‌های عمومی به وضوح از صنعت و تولیدات غربی تمجید می‌کرد و آن را با تولیدات خشن روسی مقایسه می‌کرد و خواه ناخواه به غرب و در رأس آن آمریکا اعتماد کرد؛ اما نتیجه این امر چیزی جز فروپاشی از درون شوروی نبود.

صدام دیکتاتور معدوم عراق هم که در ظاهر خود را ضد غرب نشان می‌داد، برای حمله به ایران و کویت از حمایت‌های آمریکا استفاده کرد؛ اما این دیکتاتور هم در اشغال نظامی عراق به دست آمریکا سرنگون و هلاک شد.

معمر قذافی، دیکتاتور سابق لیبی هم یکی دیگر از ضربه خوردگان اعتماد به آمریکا به شمار می‌رود. روابط قذافی با آمریکایی‌ها تا سال ۲۰۰۳ به‌هیچ وجه روابط حسنه‌ای نبود و سابقه درگیری حتی نظامی بین لیبی قذافی و آمریکا در دوران ریگان هم وجود داشت؛ با این حال یکی از ترس‌های بزرگ قذافی پس از اشغال عراق به دست آمریکا بقای حکومتش بود؛ چنانچه این ترس عجیب منجر شد تا قذافی برنامه هسته‌ای کشورش را کلا برچیند، تجهیزات را سوار کشتی کند و تحویل طرف غربی بدهد به این امید که غربی‌ها کار چندانی با بقای حکومتش نداشته باشند.

با این حال، وقتی زمزمه‌های انقلاب در لیبی بلند شد، واشنگتن به کمک قذافی نیامد؛ بلکه با تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت، مقدمات حمله نظامی به لیبی را فراهم کرد و در پایان این جنگ، قذافی به شکل تحقیرآمیزی کشته شد.

محمد مرسی پس از حسنی مبارک به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب ملت مصر، قدرت را در این کشور در دست گرفت. به مرسی به‌عنوان اولین دولت مرد برآمده از انقلاب‌های عربی و یک مبارز صاحب نام در اخوان‌المسلمین امیدهای فراوانی بسته شده بود؛ اما سیاست‌های او همه را بر باد داد. مرسی چنان حافظ کمپ دیوید ماند که شاید مبارک هم به خوبی او نمی‌توانست از این پیمان دفاع کند.

با این حال، به هنگام کودتای نظامی و عزل مرسی از قدرت و سرنگونی دولت قانونی او، آمریکایی‌ها به کمک مرسی نیامدند. واشنگتن حتی حاضر نشد که اقدام ارتش مصر را کودتا بنامد تا مجبور به قطع کمک‌های مالی خود به دولت برآمده از کودتا نشود.

تجربه‌های تاریخی گویای آن است که عاقبت دوستی با شیطان بزرگ برای سیاست‌مدارن منطقه عایدی‌ای جز ناامنی، نابودی و سرنگونی نداشته است؛ چرا که این آمریکا تنها برای حفظ منافع خود و رژیم صهیونیستی وارد فاز حمایت و دوستی با کشورهای منطقه می‌شود و جایی که دیگر منافعش تأمین نشود، هم‌پیمانانش را زیر پا می‌گذارد.

صبح صادق

هفته‌نامه
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: یدالله جوانی
سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست‌گذاری:
علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح‌الله پریشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی‌فر
دبیر تحریریه: سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمدصالح نادری
صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی
چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۲۴۴۶(۰۲۱)
تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
ssweekly.ir
@ssweekly
info@ssweekly.ir
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۰۱۳ | دوشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۰

صبحانه

رنج‌ها و گنج‌ها

رنج‌ها گنج‌هایی در دل خود دارند و دردها آسودگی‌هایی به همراه، برای دیدن باید دیده گشود، برای پر گشودن باید پرده‌ها را زدود. زخم‌ها چشم می‌شوند تا اطراف را بهتر ببینیم و شکست‌ها درس! اگر هوشیاری باشد و شکیبایی یارش، عزیزترین یار انسان، تلاش و صبر و بردباری است، اگر چه در این راه تلخی و سختی بسیار باشد؛ چرا که هیچ آگاه شدنی بدون رنج نیست....

صادقانه

جهاد در راه خدا

پیامبر خدا(ص) به جابربن‌عبدالله انصاری فرمود: خداوند با هیچ کس جز از ورای حجاب سخن نگفت، اما با پدر تو روی در روی سخن گفت و به او فرمود: از من بخواه تا عطایت کنم! پدرت گفت: از تو می‌خواهم که مرا به دنیا باز گردانی، تا بار دیگر جهاد کنم و کشته شوم. خداوند فرمود: نه! من کسی را به دنیا باز نمی‌گردانم، از من چیز دیگری بخواه. او گفت: زندگان را از ثوابی که شامل حال ماست با خبر ساز تا در جهاد بکوشند. آنگاه آیه «و لا تحسبنّ الذین قتلوا» را نازل فرمود.

مستدرک‌الوسائل: ۱۲۹۰/۱۲/۱۱

تلخند

بدون شرح/ کارتونیست: میکائیل سیفتچی

قبیله عشق

مبارزی مخلص

چند روزی از اولین مرحله عملیات والفجر ۸ نگذشته بود که آن طرف اروندرود در شهر «فاو»، حاجی را دیدم که با صفا و تواضع خاصی، کیسه‌های خالی را برای احداث سنگر از شن و ماسه پر کرده بود، بدون آنکه کسی او را بشناسد. گرد و غبار بر محاسن سفیدش نشسته بود. بر گونه و پیشانی‌اش بوسه زدم و شرمسارِ ایثار و تواضع او شدم. هر چند آن قاطعیت و این متانت و سادگی از مخلصانی چون او عجیب نبود. با دعایش بدرقه‌ام کرد و گفت: «ان‌شاءالله عاقبت به خیر شوی.» هنوز هم صدای گرم آقای لاجوردی را حس می‌کنم که عاقبت به خیری مرا آرزو می‌کرد.

به نقل از همرزم شهید سیداسدالله لاجوردی

سیداسدالله لاجوردی، پس از پیروزی انقلاب و بعد از این همه رنج و سختی یکی از سخت‌ترین مسئولیت‌ها بر شانه‌های مقاوم او نهاده شد و او با طیب خاطر از آن استقبال کرد؛ چرا که نظر امام(ره) و شهید بهشتی بر این تعلق گرفته بود و سید تابع محض و بی‌چون و چرای ولایت بود. مسئولیت دادستانی انقلاب اسلامی، مسئولیتی نبود که در آن دوران هر کسی توان اجرای آن را داشته باشد. بر هیچ کس پوشیده نیست. کار طاقت‌فرسا و شبانه‌روزی او سبب شد توطئه خنثی و چشم فتنه کور شود. سیداسدالله اول شهریور ۱۳۷۷، در ۶۳ سالگی با دلی آرام و قلبی آکنده از عشق به پروردگار عازم محل کار خود در بازار تهران بود که منافقان کوردل، با به شهادت رساندن او، انتقام کینه و نفاق خود را از او گرفتند. پیکر آن مبارز نستوه و فداکار، پس از تشییعی باشکوه، در گلزار شهدای بهشت زهرا و در کنار شهیدان هفتم تیر به خاک سپرده شد.

داستان

عدس‌پلو

نفیسه محمدی
دبیر گروه جوان

تک‌فرزند بودم و به خاطر شغل پدر و مادر و فوت پدربزرگم، همراه و هم‌نشین مادربزرگ شدم. مادربزرگم زنی شاد و سرزنده و مهربان بود و در کنارش احساس خوبی داشتم. اعتراف می‌کنم که بیشترین درس‌های زندگی‌ام را در همان روزها و از این پیرزن محترم و متدین گرفتم. من که تا آن روز هر چه می‌خواستم به چشم برهم‌زدنی برایم فراهم می‌شد، حالا با مدل جدید تربیتی رویه‌رو شدم که ناچار بودم بپذیرم و اعتراض نکنم، چون آزادی در خانه مادربزرگ را بر تنهایی ترجیح می‌دادم. یکی از آن روزها که خیلی گرسنه و تشنه به خانه رسیدم، مادربزرگ داشت نماز می‌خواند. با تنبلی‌ام آشنا بود و برعکس مادرم که با داد و دعوا می‌خواست من را سربه‌راه کند، شیوه آرامی پیش گرفته بود. گاهی از این آرامش عصبی می‌شدم، اما دم به تله نمی‌دادم و تلاش می‌کردم خوددار باشم. نمازش که تمام شد با لبخند سلام کرد و پرسید: «ها چیه؟ خیلی گشنه‌ای؟» جوابش را در یک کلمه و با خشمی فروخورده دادم.

ـ ناهار چیه؟

با همان آرامش که ذکر می‌گفت کلمه «عدس پلو» را تحویلم داد. با عصبانیت کیفم را به گوشه‌ای پرتاب کردم و گفتم: «نمی‌دونی من عدس‌پلو دوست ندارم؟ اه...» بی‌آنکه کمترین توجهی به عصبانیتم داشته باشد، گفت: «خوب یه چیز دیگه بخور، یا یه چیزی واسه خودت درست کن!» نگاهش کردم. دلم می‌خواست از گرسنگی زارزار گریه کنم. مادر یا باب میل من غذا می‌پخت یا در این مواقع مجبورم می‌کرد غذا را بخورم. با عصبانیت به سمت یخچال رفتم و دو تا همبرگر برداشتم و با آب و تاب و ناشی‌گری شروع کردم به پخت غذا! نباید کم می‌آوردم. باید خودم را ثابت می‌کردم. کاهوها را شستم و دروغ نگویم از شدت گرسنگی سردرد گرفته بودم. مادر بزرگ هم فقط نگاهم می‌کرد و گاهی می‌گفت سس را هم از یخچال بیاور یا بدو که دارد جزغاله می‌شود، اما از جایش تکان نمی‌خورد. بالاخره بعد از دو ساعت غذا آماده شد و مادربزرگ بشقاب عدس پلو به دست، کنار من سر سفره نشست. با ولع و خوشحالی اولین لقمه غذای مورد علاقه‌ام را در دهانم گذاشتم. با اینکه یکی دو جای دستم سوخته بود، اما خوردن این غذا خیلی ارزش و لذت داشت. مادر بزرگ با حالت تحسین برانگیزی نگاهم کرد و گفت: «هیچ وقت به عدس پلو قانع نشو! گرسنه بمون، ولی برای اون چیزی که دوست داری تلاش کن و لذت ببر، عدس‌پلو فقط سیرت می‌کنه ولی لذت نداره، برای لذت بردن باید زحمت بکشی پسرم! الان باید فهمیده باشی که برای همین عدس‌پلو هم خیلی زحمت کشیده شده، حالا تو دوست نداری دلیل نمی‌شه به نعمت خدا بی‌احترامی کنی! برای همه چیزهایی که سر راهت قرار می‌گیره احترام قائل شو، هیچی بی زحمت به دست نمیاد...»

حالا در هر موقعیتی که قرار می‌گیرم خوب فکر می‌کنم که آیا عدس‌پلو را تحمل کنم یا از کنارش با احترام بگذرم و برای لذت بیشتر تلاش کنم؟ اگر چه هر سال که برای سالگرد فوت مادربزرگ عدس‌پلو درست می‌کنیم، یک دل سیر و البته با احترام غذای مورد علاقه مادربزرگ را نوش جان می‌کنم.

کتیبه سبز

عرصه شقایق‌فام

ز آه سینه سوزان ترانه می‌سازم
چو نی ز مایه جان این فسانه می‌سازم
به غمگساری یاران چو شمع می‌سوزم
برای اشک دمادم بهانه می‌سازم
پر نسیم به خوناب اشک می‌شویم
پیامی از دل خونین روانه می‌سازم
نمی‌کنم دل از این عرصه شقایق‌فام
کنار لاله‌رخان آشیانه می‌سازم
در آستان به خون‌خفتگان وادی عشق
برون ز عالم اسباب خانه می‌سازم
چون شمع بر سر هر کشته می‌گذارم جان
زیک شراره هزاران زبانه می‌سازم
ز پاره‌های دل من شلمچه رنگین است
سخن چو بلبل از آن عاشقانه می‌سازم
سر و تن و دل و جان را به خاک می‌فکنم
برای قبر تو چندین نشانه می‌سازم
کشم به لحظه شوریدگی بساط امین
کنون که رفت سفر چون کرانه می‌سازم

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

حدیث درد

مگو که شعله در این سینه در نمی‌گیرد
دلم گرفته از این بیشتر نمی‌گیرد
به درد بی‌خبری جان خسته درگیر است
کسی از آن سوی دل‌ها خبر نمی‌گیرد
سزاست گر شکند تیغ خود پرستیدن
دلی که آینه‌ها را سپر نمی‌گیرد
بسوز چنگ دلت را در این مجال جنون
اگر به زخمه آهی اثر نمی‌گیرد
مگو برای گرفتن بهانه دیگر نیست
دلت برای شهیدان مگر نمی‌گیرد
هزار بادیه را عشق شعله زد، اما
در این دل این دل وامانده در نمی‌گیرد
دلم برای گرفتن بهانه‌ها دارد
حدیث درد من این مختصر نمی‌گیرد

عبدالجبار کاکایی

راه نرفته

چگونه انتقاد کنیم؟

محمد مفیدی
کارشناس اجتماعی

قبل از شروع به انتقاد کردن، اول مطمئن شوید آنچه می‌خواهید انتقاد کنید، واقعاً غلط بوده و مستحق انتقاد است. مطمئن شوید رفتار آن شخصی را که می‌خواهید انتقاد کنید، درست ارزیابی کرده‌اید. اگر طرف مقابل را خوب می‌شناسید و مطمئنید که انتقادهای‌تان هیچ تأثیری روی او نخواهد داشت، از خیر انتقاد بگذرید و خودتان را خسته نکنید. دقیقاً به هدف بزنید و بگویید که مشخصاً کدام قسمت از رفتار یا گفتار طرف مقابل‌تان مورد انتقاد شماست و انتظارش را نداشته‌اید. منظورتان را البته در لفافه هم می‌توانید بفهمانید، اما اگر این کار را به دقت انجام ندهید، ممکن است همه تلاش‌تان به باد برود. اگر از یک نفر زیاد انتقاد کنید، قصد و هدفی که در پشت انتقادتان دارید، گم می‌شود. از کلماتی مثل «همیشه» و «هرگز» برای توصیف رفتارهای منفی دیگران استفاده نکنید. برای نمونه، نگویید «تو همیشه با صدای بلند می‌خندی» یا «تو هیچ‌وقت به حرف من دقت نمی‌کنی» از هر گونه مقایسه‌ای که به تحقیر فرد انتقاد شونده منجر می‌شود، پرهیز کنید. انتقاد از یک نفر در میان جمع، به ایجاد حس حقارت و دست کم حس شرمندگی در فردی منجر می‌شود که از او انتقاد می‌کنید. چنین انتقادهایی در بیشتر مواقع موجب رنجش خاطر می‌شوند و نتیجه مطلوبی ندارند. شاید بهترین موقع برای انتقاد کردن، مدت کوتاهی پس از ارتکاب همان عملی باشد که می‌خواهید از آن انتقاد کنید. البته تا آنجا که در توان‌تان هست، باید سعی کنید زمینه را برای یک گفت‌وگوی خصوصی در خلوت و بحث بی‌طرف با فرد انتقاد شونده فراهم کنید. ویران نکنید، بسازید. وقتی انتقاد می‌کنید، اجازه ندهید احساسات شخصی‌تان مزاحم تأثیر حرف‌های‌تان شود. به صراحت و مستقیماً شروع به انتقاد و سرزنش نکنید. سعی کنید با طرح سؤالاتی هدف‌دار، شخص را وادار کنید تا مسیر بحث را به همان سمتی که شما می‌خواهید بکشاند و آن‌وقت حرف‌تان را شروع کنید و بگذارید از خودش دفاع کند. وقتی شما و طرف مقابل‌تان با هم به نتیجه مشترکی برسید، احتمال اینکه در پایان بحث بتوانید به نتیجه دلخواه‌تان برسید، بیشتر می‌شود.

سلامت

چگونه به کودک غذا بدهیم؟

زهرا وحیدی نیا
کارشناس علوم تغذیه

بیشتر والدین از بی‌میلی و کم غذا خوردن کودکان خود ناراحت هستند. بی‌اشتهایی یا بد غذایی کودک یکی از مشکلات تغذیه‌ای است که باید آن را جدی گرفت؛ چرا که این معضل در نهایت می‌تواند به سوءتغذیه منجر شود. والدین بدانند فقط گرسنگی نیست که کودک را به سوی غذا می‌کشاند یا فقط سیر بودن موجب دوری او از غذا نمی‌شود؛ بلکه عوامل گوناگونی مانند عادت‌های خانواده و آموزش‌هایی که کودک در خانواده گرفته، بر اشتهای کودک تأثیرگذار هستند. با توجه به نقش رفتار مادر در عادات غذایی کودک برای کاهش مشکل بد غذایی کودکان موارد زیر را در نظر داشته باشید: غذاهایی که برای کودک تهیه می‌کنید، باید از هر چهار گروه غذایی باشد. برای نمونه در طول روز دو یا سه نوع از میوه‌ها به کودک داده شود. اجازه بدهید کودک انواع مختلف غذاها را امتحان کند. اجازه بدهید کودک شما در زمان‌های معین غذا بخورد. وقتی به کودکان نوپا و کودکان پیش دبستانی در طول روز، وعده اصلی و میان وعده غذایی در زمان منظم داده می‌شود، آنان بهتر می‌پذیرند؛ برای نمونه وعده‌های اصلی و میان وعده حدود دو تا سه ساعت فاصله زمانی داشته باشد. اجازه بدهید کودک شما در زمان‌های معین غذا بخورد. برنامه غذایی کودک را طوری تنظیم کنید که با برنامه غذایی خانواده یکسان باشد. برای خوردن غذا به کودک‌تان هیچ اصراری نکنید. غذا را روی میز یا سر سفره در یک جای مناسب گذاشته و پیشنهاد کنید غذا را بخورد. در موقع غذا خوردن تلویزیون را خاموش و وسایل بازی او را جمع کنید.

حسن ختام

دل را به کجا بندم

حسن نوروزی
نویسنده

مشامم پر شده است از نسیم کرب و بلای حسین(ع) و خیالم آکنده از سکوت این همه جوانمردی. آسمان دلم خونین و ابر دلم بارانی. ماه‌تاب چشمانم سراسر غمین و رنجور. این روزها، نجوای دلم آفتابی را می‌خواند که روی نیزه طلوع کرده است. یا صاحب‌الزمان(عج) دل را به کجا بندم که بوی وفا بگیرد؟ زبان را به کجا زنجیر کنم که جز خدا نگوید؟ پا را به در کدام خانه قلاب کنم که کج نرود؟ دست را به کدام منزلگاه دراز کنم که خالی برنگردد؟ چشم را به کدام راه اسیر کنم که پرده حیا ندرد؟ آقاجانم، می‌دانم نشان خدایی زیر بیرق محمدی(ع) شماست و نشان بندگی نهفته در کلام علوی(ع) شما و نشان اطاعت در نگاه زهرایی(س) شما.

مولاجانم، ما منتظریم و می‌دانیم که انتظار را آنانی مفسرند که از متن صلح حسنی(ع) و عاشورای حسینی(ع) قرائت عملی داشته باشند تا فقط و فقط قرائت زبانی.